

باسمه تعالی

انتخابات، آمار و تقلب!

درباره دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

امید نقشینه ارجمند^۱



۳ مقدمه
۳ ساعاتی بعد از اعلام نتایج: «آمارها اثبات می‌کند که تقلبی گسترده رخ داده است!»
۴ بی‌بند و باری در نقل و تأیید خبر
۴ در بررسی انتخابات، شواهد آماری عموماً کمک‌کننده هستند نه اثبات‌کننده
۵ واکاوی یکی از مهم‌ترین مقالاتی که در اثبات تقلب به آن استناد می‌شود
۹ اثبات تقلب با استفاده از قانون بنفورد
۱۰ کاهش آراء رضایی در مراحل اعلام نتایج
۱۰ خطی بودن نمودار: آراء مهندسی شده است!
۱۵ دو رقم سمت راست مشتمل وزارت کشور را باز کرد!
۱۷ آراء خاموش طرفدار تغییر هستند
۱۸ مقایسه انتخابات دوره نهم و دهم و بررسی گرایش مردم به اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان
۲۰ کدهای ملی ثبت‌شده در اینترنت
۲۰ شمارش خیابانی در راه‌پیمایی دوشنبه ۲۵ خرداد
۲۶ دلایل آماری ذکرشده در «گزارش کمیته صیانت از آراء مهندس میرحسین موسوی»
۲۷ دلایل واقعی اعلام پیروزی و ادعای تقلب گسترده
۳۸ یک تجربه تاریخی: انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده، سال ۱۹۳۶ میلادی
۳۹ مصاحبه حسنین هیکل با الجزیره: «شما در برابر یک نقشه قرار دارید!»
۴۰ تشکر
۴۱ مراجع

چرا این قدر دیر؟ واقعیت این است که نسخه اول این مقاله در اواسط تیر ۱۳۸۸ آماده شد ولی آن را، برای یافتن نقطه ضعف‌هایش، تنها برای معدودی از دوستان نزدیکم فرستادم. انتقادهای سازنده این دوستان باعث شد تا در عمومی‌تر کردن نظراتم بیش‌تر تأمل کنم. اکنون که دیگر ماه‌ها از جریانات انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری گذشته است، به نظر من، مدعیان رسمی وقوع تقلب و عدم وقوع تقلب تمام دلایل مهم خود را بیان کرده‌اند و اکنون می‌توان در موردشان با دقت قابل‌قبولی قضاوت کرد. به‌علاوه هنوز در بین گروهی «تقلب گسترده در انتخابات» نظریه‌ای موجه و یا حتی «اظهر من الشمس» است. تلاش من در این مقاله این است که استدلال‌های آماری اثبات‌کننده تقلب را نقد کنم. امیدوارم خوانندگان، با هر گرایش فکری و سیاسی، با برخورد علمی با این مقاله و مشابه‌های آن قدمی در راه عقلانی‌تر شدن فضای جامعه بردارند.

شاید به گمان عده‌ای این کار باید در همان روزهای بعد از انتخابات انجام می‌شد و اکنون عملی بی‌فایده است. اگر منظور از فایده آرام کردن فضای جامعه است این مقاله در آن مقطع نیز بی‌فایده بود؛ فضای آن روزها به حدی هیجانی، احساسی و غیرعقلانی بود که کم‌تر کسی گوشی برای شنیدن استدلال داشت و وجود چنین بحث‌هایی هر چند در همان مقطع هم لازم بود ولی اثر آن نمی‌توانست در کوتاه‌مدت چشم‌گیر باشد. امیدوارم اکنون فضا برای بحث منطقی آماده‌تر شده باشد.

لازم است تأکید کنم که موضوع این مقاله مربوط به تقلب در دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری است و در آن قضاوتی در مورد مسائل دیگر نمی‌شود. منظور از تقلب نیز دست‌کاری در رأی‌دهندگان است؛ این که آیا رأی‌دهندگان با چه انگیزه‌ای رأی داده‌اند و آیا نام‌زدها با تبلیغات نادرست کسی را فریب داده‌اند یا خیر و مسائلی از این دست موضوع این مقاله نیست.

نکته مهم دیگر این که برخی از کسانی که نظراتشان را در این نوشته نقد شده است برای خدمت به ایران عزیز زحمات بسیار کشیده‌اند ولی خدمات این بزرگواران نباید مانع نقد علمی نظرات و موضع‌گیری‌های آنان باشد.

اگر می‌خواهید در مورد این مقاله نظر بدهید و یا اگر به نسخه‌ای از آن با فرمت‌های pdf یا doc نیاز دارید سری به این وبلاگ بزنید:

www.entekhaabaat-aamaar.persianblog.ir

نظرات موافق و مخالف می‌تواند به روشن‌تر شدن حقیقت کمک کند.

ساعاتی بعد از اعلام نتایج: «آمارها اثبات می‌کند که تقلبی گسترده رخ داده است»

صبح ۲۳ خرداد ۱۳۸۸، که بخشی از نتایج انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری منتشر شد، بسیاری از هواداران آقای موسوی شوکه شدند؛ آن‌ها با توجه به سخنان نام‌زد مورد علاقه‌شان در اواخر شب ۲۲ خرداد او را برنده قطعی در مرحله اول می‌دانستند:

«ضمن تشکر از حضور پرشور و استقبال گسترده شما از انتخابات ریاست‌جمهوری، به اطلاع می‌رساند طبق گزارش‌ها و مستندات واصله علی‌رغم تخلفات و کارشکنی‌های متعدد و نارسایی‌های گسترده، مستندات واصله حاکی از آن است که رأی اکثریت قاطع مردم متوجه این خدمت‌گزارشان بوده است. از مسئولان امر می‌خواهم در شمارش آراء نهایت دقت را بنمایند و اعلام می‌کنم در غیر این صورت از همه امکانات قانونی برای احقاق حقوق حقه ملت ایران اقدام خواهم کرد. همین‌جا فرصت را مغتنم می‌شمارم و از ملت شریف ایران می‌خواهم آماده برگزاری جشن پیروزی در شام‌گاه میلاد بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (س) باشند.» [۱]

پس از اعلام پیروزی آقای احمدی‌نژاد وضعیت به‌گونه‌ای بود که حتی گروهی از طرفداران آقای موسوی ادعا می‌کردند در بیان نتایج، نام نام‌زدها جابه‌جا شده است! آقای موسوی در اولین بیانیه خود پس از اعلام نتایج آن‌چه رخ داده بود را چنین توصیف کرد:

«مردمی که در صف‌های طولانی اخذ رأی شاهد ترکیب آراء بودند و خود می‌دانند که به چه کسی رأی داده‌اند، با حیرت تمام به شعبده‌بازی دست‌اندرکاران انتخابات و صدا و سیما نگاه می‌کنند.» [۲]

چنین بستری آمادگی کامل داشت تا هر گونه خبر در راستای وجود تقلب در انتخابات به سرعت پخش شود. از جمله این اخبار گزاره‌هایی مبتنی بر محاسبات آماری بود. خوانندگان این اخبار عموماً یا تخصص فهم استدلال‌ها و محاسبات آماری را نداشتند و یا حوصله مطالعه دقیق مطالب مطرح‌شده را نداشتند. در چنین شرایط ملتهبی اگر کسی نظریه وجود تقلب را می‌پسندید آن اخبار را منتشر می‌کرد و اگر از طرفداران نامزد پیروز بود احتمالاً در دل دچار تردید می‌شد که آیا واقعاً در انتخابات تقلب شده است؟

مهم‌ترین دلایل آماری مطرح‌شده برای وقوع تقلب این‌ها است:

۱. خطی بودن نمودار اعلامی آراء بر حسب زمان
۲. عدم تطابق با قانون بنفورد
۳. کاهش آراء آقای رضایی در روند اعلام نتایج
۴. مقایسه انتخابات سال ۱۳۸۴ با انتخابات سال ۱۳۸۸
۵. دو رقم سمت راست تعداد آراء صندوق‌ها
۶. آراء خاموش طرفدار «تغییر» هستند
۷. راه‌پیمایی دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸
۸. اظهارات آقای رضایی در مورد ثبت کد ملی ۹۰۰ هزار نفر که به او رأی داده‌اند

مورد اول، که از اولین شواهد ارائه‌شده برای اثبات تقلب در انتخابات بود، از صبح روز بعد از انتخابات به سرعت در بخشی از جامعه دانش‌گاهی گسترش پیدا کرد. موارد دوم و چهارم را والتر میبین^۲، استاد آمار و علوم سیاسی دانشگاه میشیگان، در سلسله مقالاتی که درباره انتخابات ایران نوشته است، به خوبی توضیح داده است و اشاره‌ای هم به مورد پنجم کرده است. [۳]

بی‌بند و باری در نقل و تأیید خبر

یکی از آفات جامعه ما که عوام و خواص گرفتار آن هستند این است که عموم مردم نسبت به آنچه می‌شنوند از گوینده تقاضای دلیل نمی‌کنند و خود نیز در اظهار نظر و یا نقل نظر دیگران مقید نیستند که ابتدا از درستی آن اطمینان حاصل کنند. بخش دردناک‌تر این مسأله جایی است که به قشر تحصیل‌کرده جامعه ما مربوط می‌شود. به عنوان مثال در جریان‌ات اخیر یک استاد دانشگاه و یا یک دانش‌جو، احتمالاً به دلیل نارضایتی از نامزد پیروز، با استفاده از موقعیت اجتماعی خود به دیگران این‌طور القاء می‌کرد که «طبق محاسبات آماری در انتخابات تقلب شده است» ولی هنگامی که باطل بودن آن محاسبات ثابت شود نه آن فرد تحصیل‌کرده مقید است که اشتباهش را جبران کند و نه دیگران او را در این مورد بازخواست می‌کنند. به همین دلیل جامعه ما در مقابل شایعات بسیار آسیب‌پذیر است.

در بررسی انتخابات، شواهد آماری عموماً کمک‌کننده هستند نه اثبات‌کننده

در بررسی تقلب در انتخابات آنچه «اثبات» محسوب می‌شود ارائه شواهد و مدارک عینی است و محاسبات آماری در اکثر موارد ابزاری کمکی برای کشف حقیقت هستند؛ آیا فکر می‌کنید تقلب رخ داده است؟ باید به سراغ صندوق‌ها، مدارک و کسانی که در محل حضور داشته‌اند بروید. اگر تعداد صندوق‌ها زیاد است و نمایندگان شما هم نتوانسته‌اند به شما کمکی بکنند، علم آمار به شما پیش‌نهاد می‌کند که از کدام صندوق‌ها یا مناطق شروع کنید تا سریع‌تر به نتیجه برسید.

صرف ارائه شواهد آماری و عدم استقبال جدی نامزدهای معترض از بررسی صندوق‌ها و شواهد عینی، در حالی که قانون و به تبع آن وزارت کشور و شورای نگهبان این امکان را به وجود آورده بودند، این حدس را تقویت می‌کند که این افراد برای اثبات نظریه تقلب گسترده، دلیل و شاهد عینی محکم‌پسندی ندارند. این کار مانند این است که کسی را متهم به قتل کنند و برای اثبات آن به ده‌ها دلیل غیرمستقیم مانند وضعیت روحی متهم، اثر انگشت، آزمایش DNA و... استناد کنند ولی حاضر نباشند به این ادعای متهم که

^۲ Walter R. Mebane

مقتول زنده است توجه کنند! شاید این تشبیه طنزآمیز، در نگاه اول، نامربوط به نظر برسد ولی در ادامه با بررسی دقیق‌تر و به‌طور خاص با استناد به قسمت‌هایی از مقاله میبینیم درستی این تشبیه روشن‌تر خواهد شد.

واکاوی یکی از مهم‌ترین مقالاتی که در اثبات تقلب به آن استناد می‌شود

میبینیم در روزهای پس از انتخابات به‌طور مستمر با بررسی نتایج انتخابات ایران مقالاتی در مورد وقوع تقلب نوشت و برای اثبات تقلب به مقالات او بسیار استناد می‌شود. برخی نظرات میبینیم تنها بر پایه داده‌های انتخابات اخیر است و برخی از مقایسه انتخابات دوره نهم ریاست‌جمهوری با انتخابات اخیر ناشی شده است. در ادامه خواهیم دید که بعضی داوری‌های غیرعلمی که ناشی از اطلاعات ناقصی است که به دست میبینیم رسیده در اظهار نظرهای او بسیار مؤثر بوده است و این حقیقت از دید بسیاری از کسانی که تصور می‌کنند محتوای مقالات میبینیم کاملاً متکی بر علم آمار است مخفی مانده است.

میبینیم در نسخه ۲۳ ژوئن (۲۷ خرداد) مقاله خود می‌گوید:

«نتیجه چشم‌گیر احمدی‌نژاد اثبات مستقیم برای تقلبی بودن آراء احمدی‌نژاد نیست اما مطمئناً تقلب یک استنباط قابل قبول در پرتوی گزارش روبه‌رو است: «شورای نگهبان ایران اعتراف کرده است که تعداد آراء جمع‌شده در پنجاه شهر بیش‌تر از تعداد کسانی است که در آن مناطق حق رأی داشته‌اند.» [۴]

ظاهراً میبینیم در آن مقطع هنوز نمی‌دانسته که چنین اتفاقی در ایران می‌تواند بدون هیچ تخریفی رخ دهد زیرا مردم می‌توانند هر جا بخواهند رأی دهند و «درصد کسانی که در یک منطقه حق رأی دارند» در واقع تخمینی از تعداد کسانی است که حق رأی دارند و در آن محل خاص رأی خواهند داد؛ در یک روز تعطیل گروهی از مردم به مسافرت می‌روند و قانون این اجازه را به آن‌ها می‌دهد که در طول مسیر یا در مقصد رأی خود را به صندوق بیندازند. در شهرهای چسبیده به هم برخی که در آمار یک شهر شمرده شده‌اند ممکن است در شهر مجاور رأی خود را در صندوق بیندازند. توجه کنید که اگر درصد کمی از جمعیت یک شهر پرجمعیت (مثلاً کلان‌شهر تهران) در یک شهر کم‌جمعیت رأی دهند موجب افزایش شدید درصد رأی‌دهندگان آن شهر می‌شود. همان‌طور که دیدید این استدلال نادرست، در نظرات میبینیم برای قطعی دانستن تقلب در انتخابات مؤثر بوده است.

کدخدائی، معاون اجرایی و امور انتخابات شورای نگهبان، پاسخ این شبهه را به این شکل داد:

«...بسیاری از این مناطقی که به آن‌ها اشاره شده، مناطق بییلاقی است که در پایان هفته، مردم برای تفریح در آن‌جا حضور می‌یابند، مانند مناطق بییلاقی مشهد از قبیل طرقله و چناران و یا مناطق بییلاقی شمال. طبعاً جمعیتی که در روز پنج‌شنبه و جمعه در آن‌جا حضور دارند، بیش‌تر از واجدان شرایط آن منطقه هستند. برخی از مناطق نیز دانش‌جویی و یا کارگری هستند که دانش‌جویان و کارگران غیربومی زیادی در آن مناطق حضور دارند. برخی از حوزه‌هایی که ذکر شده، حوزه‌های جدیدی هستند که هنوز آمار دقیقی از واجدان شرایط در آن‌ها نداریم و نمی‌توانیم ادعایی در مورد آن‌ها داشته باشیم. بنابراین اولاً تعداد این‌گونه حوزه‌ها بسیار اندک است. ثانیاً تمامی این موارد، توجیه منطقی دارد. ثالثاً در انتخابات گذشته هم این مسأله اتفاق افتاده و طبیعی تلقی شده است.» [۵]

در گزارش تفصیلی شورای نگهبان پیرامون دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری توضیحات مفصلی در این مورد آمده که قسمتی از آن چنین است:

«پس از جلسه رؤسای محترم سازمان‌های آمار و ثبت احوال، مشخص شد معیار اعلامی شرکت‌کنندگان در انتخابات در برخی حوزه‌های انتخابیه بعضاً آخرین سرشماری نفوس در سال ۱۳۸۵ و در مواردی آمار واجدین شرایط اعلامی در انتخابات دوره نهم ریاست‌جمهوری است. هم‌چنین بر اساس اظهار مأمورین سازمان ثبت‌احوال، مدارک آن سازمان در اعلام آمار افراد هر منطقه شناسنامه‌های صادره در آن محل می‌باشد. بدیهی است صدور شناسنامه ملازمه‌ای با حضور افراد در همان محل نداشته و افراد آزادند در هر محلی سکنی گزینند. علاوه بر آن تغییرات به‌عمل‌آمده ظرف سنوات اخیر در تقسیمات کشوری که اغلب جابه‌جایی جمعیت‌ها را به همراه دارد در کنار سفرهای تفریحی و ایران‌گردی شهروندان در واپسین روزهای فصل بهار از جمله دلایل بروز نوسانات در کاهش و افزایش نصاب آراء در برخی حوزه‌های انتخابیه می‌باشد. معترضین با نادیده گرفتن این شاخص‌ها کم یا زیاد شدن تعداد واجدین شرایط حضور در پای برخی صندوق‌ها را دلیل بر تقلب و دست‌کاری در صندوق‌ها دانسته‌اند.» [۶]

میبین چند روز بعد متوجه این اشتباه می‌شود و در نسخه ۲۹ ژوئن (۸ تیر) مقاله خود جمله مورد بحث را حذف و در انتها به این موضوع اشاره می‌کند:

«تذکر ۱: در نسخه‌های اولیه این گزارش گفتم «تقلب یک استنباط قابل قبول در پرتوی گزارش روبه‌رو است: «شورای نگهبان ایران اعتراف کرده است که...» این یافته شورای نگهبان به عنوان گواهی بر تقلب انکار شده است. با توجه به این حقیقت که رأی‌دهندگان در ایران می‌توانند هر جا که مایل باشند رأی بدهند شورای نگهبان در این مورد هیچ نکته مشکوکی در تحقیقاتش پیدا نکرده است.» [۳]

ولی این تغییر نظر، تا جایی که من دیدم، در مقالات فارسی‌ای که به مقاله میبین استناد کرده بودند منعکس نشد. به عنوان مثال در مقاله‌ای با عنوان «احتمال تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۸۸)» در وبسایت ویکی‌پدیا مطلب زیر بیان شده و تا این لحظه (فروردین ۱۳۸۹) نیز تغییر نکرده است هر چند از آن تاریخ تا کنون بارها صفحه مذکور در ویکی‌پدیا ویرایش شده و مطالب بیش‌تری به آن اضافه شده است:

«والتر میبین، استاد آمار و علوم سیاسی دانشگاه میشیگان، در آخرین تحلیل آماری‌اش (در ۲۴ ژوئن) با استفاده از آخرین اطلاعات اعلام‌شده، به این نتیجه رسیده که «شواهد خیلی قوی برای تقلب گسترده» در انتخابات وجود دارد.» [۷]

در ادامه دیدن قسمتی از «گزارش تفصیلی کمیته صیانت از آراء مهندس میرحسین موسوی» خالی از لطف نیست:

«اگر فرض کنیم n نفر از شهر الف به شهر ب رفته باشند، در این صورت باید از جمعیت واجد شرایط در شهر الف عدّه زیادی را کم کنیم، در نتیجه شمار آراء در همین شهر الف بیش از واجدین شرایط خواهد شد. به عبارت دیگر، توجیه وزارت کشور، سبب می‌شود که سایر شهرها را هم به همین نسبت آلوده ببینیم و این دلیل است بر این‌که همه شهرها باید به نسبتی از این آلودگی سهمی داشته باشند، یعنی تقلب نظام‌یافته در سرتاسر کشور جریان داشته است. به زبان دیگر، برای این‌که توجیه وزارت کشور درست باشد، باید شهرهایی معرفی شوند که در آن‌ها مردم اصولاً میل زیادی به رأی دادن نداشته‌اند و نسبت مشارکت کم‌تر از ۶۰ درصد بوده است. این ادعا توهین به مردم و برخلاف جریان مشهود در سرتاسر کشور است. این ادعا باید نشان دهد که جمعیت متراکم در یک شهر از بومیان این مناطق هستند.» [۸]

با توجه به استفاده از عبارات «به عبارت دیگر» و «به زبان دیگر» در این متن، نویسنده سه مرتبه منظورش را توضیح داده است ولی متأسفانه من بعد از چند بار خواندن، متوجه منظور آن نشدم! البته سر و ته استدلال ظاهراً این است: «پذیرفتن توجیه وزارت کشور منجر به این نتیجه می‌شود که در برخی از شهرها مشارکت از ۶۰ درصد کم‌تر بوده و این توهین به مردم و برخلاف جریان مشهود در سرتاسر کشور است.»

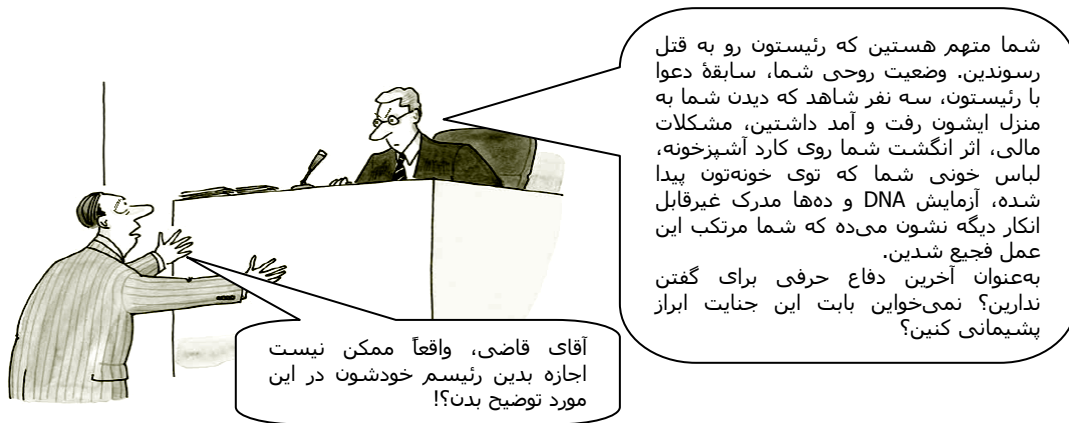
من کاملاً بعید می‌دانم که بتوان با هیچ استدلال معقولی از توجیه وزارت کشور، مشارکت کم‌تر از ۶۰ درصد برخی شهرها را نتیجه گرفت، ولی از این‌که بگذریم چرا مشارکت کم‌تر از ۶۰ درصد یک شهر توهین به مردم است؟! یعنی آیا این‌که گفته شده در برخی انتخابات‌های گذشته مشارکت مردم شهر تهران کم‌تر از ۶۰ درصد بوده توهین به آن‌ها بوده است؟! فرض کنید که پاسخ این سؤال مثبت باشد. آیا از این مطلب نتیجه می‌شود که توجیه وزارت کشور نادرست است؟ جواب به عهده خود شما!

بیان عبارت «برخلاف جریان مشهود در سرتاسر کشور» نیز عجیب است؛ چه کسی می‌توانسته، بدون استفاده از نتایج انتخابات و یا اطلاعات آماری گسترده، درصد مشارکت مردم در سراسر کشور را مشاهده کرده باشد؟!^۳

میبین در آخرین نسخه مقاله خود می‌گوید:

«تست‌هایی مثل آن‌که در این مقاله آورده شده تنها می‌تواند مکان‌هایی را نشان دهد که در آن‌ها ممکن است آراء مشکلاتی داشته باشد. در برخی موارد پیش‌نهاده‌ها ممکن است خیلی قوی باشد (مانند انتخابات اخیر روسیه). به‌طور کلی به‌ترین استفاده از تست برای نشان دادن نتایج انتخابات است نه تأیید یا رد ادعای تقلب. یک دست‌آورد قابل‌ملاحظه باید موجب به ثمر رسیدن تحقیقات با استفاده از اسناد اداری، گواهی شواهد و دیگر حقایق شود تا تعیین کند چه اتفاقی افتاده است.» [۳]

^۳ اگر این مطلب در جایی غیر از این گزارش رسمی، مثلاً در یک وبلاگ، آمده بود آن را نقل نمی‌کردم ولی مطالعه آن می‌تواند تا حدی شما را با منطق نویسندگان «گزارش تفصیلی...» آشنا کند.



این همان نکته‌ای است که در قسمت قبل به آن اشاره کردم و به نظر می‌رسد تمام این مطالب از طرف کسانی که سعی دارند اثبات تقلب از راه آمار را صد درصد علمی جلوه دهند نادیده گرفته شده است.

می‌بین چنین ادامه می‌دهد:

«مشکل انتخابات ۲۰۰۹ ایران این است که محتمل نیست که به سؤالات جدی پرسیده‌شده پاسخی رضایت‌بخش داده شود. شفافیت در این انتخابات به‌شدت کم بوده است. دلایل کمی برای باور کردن نتایج رسمی اعلام‌شده وجود دارد، به این دلیل که انتخابات دقیقاً منعکس‌کننده نیت رأی‌دهندگان است که به محل‌های اخذ رأی رفته‌اند.» [۳]

چرا می‌بین می‌گوید چنین مشکلی در مورد انتخابات ایران وجود دارد؟ آیا دلیل آن این است که ایرانیانی که اخبار انتخابات را به او منتقل کرده‌اند، به دلایلی، برخی پاسخ‌های وزارت کشور و شورای نگهبان، وجود نمایندگان نامزدها در اکثر صندوق‌های رأی، امکان شمارش مجدد و بررسی مدارک و... را به او منتقل نکرده‌اند؟ در هر صورت قضاوت در مورد این که این انتخابات تا چه حد شفاف و پاسخ‌های ارائه‌شده تا چه حد رضایت‌بخش بوده برای خود ما که در ایران زندگی می‌کنیم و با زبان فارسی آشنا هستیم، ممکن‌تر است تا یک استاد دانشگاه می‌شیکان که اطلاعاتش چه‌بسا اکثراً از کانال افرادی است که معتقدند انتخابات ایران سالم نبوده است.

دلیل آخر در این پاراگراف کمی مبهم است. می‌بین چه‌گونه به نیت دقیق رأی‌دهندگان پی برده است که آن را در تضاد با نتایج رسمی می‌داند؟! آیا این حرف بر مبنای یک نظرسنجی معتبر است؟ شخصاً نتایج هیچ نظرسنجی معتبری، با مجری مشخص، ندیده‌ام که طبق آن کسی غیر از آقای احمدی‌نژاد رتبه اول را در کل کشور دارا باشد و فکر می‌کنم اگر می‌بین چنین چیزی در دست داشت به آن اشاره می‌کرد.^۴

به عنوان مثال نتایج نظرسنجی مؤسسه آمریکایی «فردای بدون ترور»^۵ که حدود سه هفته قبل از برگزاری انتخابات انجام شد و طبق ادعای مؤسسه کم‌تر از ۳.۱ درصد خطا داشته چنین است: احمدی‌نژاد ۳۳.۸ درصد، موسوی ۱۳.۶ درصد، کروبی ۱.۷ درصد و رضایی ۰.۹ درصد. پاسخ ۵۰ درصد باقی‌مانده «نمی‌دانم»، «هیچ‌کدام» و یا «تمایل به پاسخ‌گویی ندارم» بوده است. در نتیجه ۶۷.۶ درصد کسانی که در این نظرسنجی یکی از چهار نامزد را انتخاب کرده‌اند، تصمیم داشته‌اند به آقای احمدی‌نژاد رأی بدهند. [۹]

بعد از انتخابات، روزنامه واشنگتن‌پست^۶ در مقاله‌ای با عنوان «مردم ایران سخن می‌گویند»^۷، با توجه به نظرسنجی یادشده، مطالبی نوشت که حاوی نکات بسیار جالبی است:

«در حالی که گزارش‌های برنامه‌های خبری غربی در روزهای منتهی به روز انتخابات، اشتیاقی فراگیر به رقیب اصلی احمدی‌نژاد، میرحسین موسوی، را به تصویر کشیدند، نمونه‌گیری علمی ما از تمام استان‌های ایران نشان می‌داد که احمدی‌نژاد بسیار جلوتر است... مجری این نظرسنجی شرکتی است که به‌جهت کارهایی که برای شبکه‌های خبری ای‌بی‌سی

^۴ البته نظرسنجی‌های اینترنتی و یا نظرسنجی‌هایی که در محیطی محدود، مثلاً در بین دانش‌جویان یک دانشگاه، انجام شود مد نظر من نیست؛ کسی که با مقدمات علم آشنا باشد می‌داند که چنین نظرسنجی‌هایی به‌شدت اریب و کاملاً بی‌ارزش هستند.

^۵ "Terror Free Tomorrow, The Center for Public Opinion"

^۶ The Washington Post

^۷ "The Iranian People Speak"

و بی‌بی‌سی انجام داده، برنده جایزه امی^۸ شده است. هزینه نظرسنجی ما را بنیاد برادران راکفلر^۹ تقبل کرده بود... وسعت حمایت از احمدی‌نژاد در بررسی‌های قبل از انتخابات ما واضح بود. در حین مبارزه انتخاباتی، به عنوان مثال، موسوی به اصلیت خود به عنوان یک آذری، دومین گروه ایرانی بعد از فارس‌ها، تأکید کرد تا حمایت رأی‌دهندگان آذری را جلب کند. با این وجود نظرسنجی ما نشان داد که در بین رأی‌دهندگان آذری طرفداران احمدی‌نژاد دو برابر طرفداران موسوی هستند... تفاسیر زیادی جوانان ایرانی و اینترنت را به‌عنوان پیش‌تازان تغییر در این انتخابات به تصویر کشیده‌اند. اما نظرسنجی ما مشخص کرد که تنها یک‌سوم ایرانی‌ها به اینترنت دسترسی دارند و به‌علاوه احمدی‌نژاد، در بین گروه‌های سنی مختلف، در بین ۱۸ تا ۲۴ ساله‌ها قوی‌ترین حمایت را دارد. تنها گروه‌های آماری که طبق نظرسنجی ما موسوی در آن‌ها پیش‌تاز بود و یا با احمدی‌نژاد رقابت می‌کرد دانش‌جویان و فارغ‌التحصیلان دانش‌گاه‌ها و ایرانیان پردرآمد بودند.» [۱۰]

البته این نظرات ممکن است بعد از سه هفته تغییر کرده باشد و به‌علاوه ما نمی‌دانیم ۵۰ درصدی که نظرشان را نگفته‌اند در نهایت چه کرده‌اند؛ اگر با استناد به نتایج رسمی بپذیریم که ۱۵ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت نکرده‌اند، از ۵۰ درصد مذکور ۳۵ درصد در نهایت رأی داده‌اند. اکنون سؤال این است که از این ۳۵ درصد مجهول‌الرأی (!) چند درصد باید به آقای احمدی‌نژاد رأی بدهند تا در نهایت نتیجه همان بشود که وزارت کشور رسماً اعلام کرد؟ اگر از این جماعت ۵۷ درصد (که یعنی از هر ۳۵ نفر ۲۰ نفر) به آقای احمدی‌نژاد رأی داده باشند، که با توجه به داده‌های ۵۰ درصد معلوم‌الرأی همین نظرسنجی عجیب نیست، نتیجه همان می‌شود که وزارت کشور رسماً اعلام کرد. بد نیست این حالت روایی را هم بررسی کنیم که همه این جماعت به آقای موسوی رأی بدهند. در این صورت درصد آراء آقای موسوی برابر حاصل جمع ۱۳.۶ درصدی است که در نظرسنجی رأی‌شان را به نفع آقای موسوی اعلام کرده‌اند و ۳۵ درصدی که همین چند سطر بالا در سید ایشان ریخته شد: یعنی ۴۸.۶ درصد؛ نتیجه این‌که در چنین شرایط روایی نیز آقای موسوی در دور اول برنده نخواهد شد!

به بررسی مقاله میبین بر می‌گردیم. جایی دیگر میبین چنین هشدار می‌دهد:

«مهم است که روشن کنیم که هیچ‌کدام از تخمین‌ها و نتایج تست‌ها در این گزارش اثباتی برای این‌که در انتخابات ۲۰۰۹ ایران تقلب اساسی رخ داده است نیست. نتایج با تقلب شدیدی که در آن آراء احمدی‌نژاد با استفاده از روش‌های مصنوعی تولید شده باشد مطابقت می‌کند. اما ممکن است که احمدی‌نژاد، با پشتیبانی افراد زیادی که ممکن بود به کروی یا رضایی رأی دهند، واقعاً برنده شده باشد. بررسی درستی چنین اتفاقی به اطلاعاتی فراتر از آن‌چه که می‌تواند از انتخابات ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ استخراج شود نیاز دارد.» [۳]

می‌بینید که باز هم میبین از شواهد آماری به اثبات تقلب نمی‌رسد. این‌که میبین تصور کرده کسی که طرفدار آقای کروی است ممکن است به آقای احمدی‌نژاد رأی داده باشد احتمالاً بر مبنای مدل‌هایی است که در آن سعی کرده با استفاده از نتایج انتخابات دوره نهم نتایج رسمی انتخابات دوره دهم را پیش‌بینی کند.^{۱۰} این مباحث قسمت عمده‌ای از مقاله او را شامل می‌شود که با توجه به پیچیدگی مسائل سیاسی اجتماعی، به‌ویژه در انتخابات اخیر، نتایج حاصل از آن نمی‌تواند آن‌قدر مستحکم باشد که نتایج رسمی انتخابات را به چالش بکشد. بد نیست همین‌جا به یکی از مقالاتی که مدعی اثبات تقلب گسترده در انتخابات است و گردآورنده آن فردی به نام (احتمالاً مستعار) کیان ایرانی است اشاره کنم. در قسمتی از مقاله مذکور [۱۱] بخشی از مقاله میبین ترجمه شده است ولی این کار با کمی تحریف همراه بوده است؛ میبین در جایی از مقاله خود می‌گوید:

«نتایج رضایی و کروی حاکی از سهم بسیار کم هر دو در آراء اخذ شده است. این اتفاق ممکن است به خاطر یکی از این دلایل رخ داده باشد (آ) حمایت ذاتی بسیار کم، (ب) رأی‌دهندگان به دلایل استراتژیک از این نام‌زدها چشم‌پوشی کرده‌اند^{۱۱} یا (ج) شمارش متقلبانه. اگر دلایل خوبی برای باور کردن (آ) یا (ب) وجود داشته باشد، آن‌گاه (ج) کم‌تر محتمل است که درست باشد.» [۳]

^۸ Emmy award

^۹ Rockefeller Brothers

^{۱۰} برخی معتقدند بسیاری از کسانی که در سال ۱۳۸۴ به دلیل طرح «پنج‌هزار تومانی» جذب آقای کروی شدند بعد از اجرای طرح «سهم عدالت» در دولت نهم، به آقای احمدی‌نژاد متمایل شدند.

^{۱۱} “(b) voters strategically abandoning the candidates”

این قسمت در مقاله فارسی مورد بحث با یک تغییر کوچک ولی تأثیرگذار به گونه‌ای دیگر ترجمه شده است؛ نویسنده مقاله فارسی به جای عبارت «رأی‌دهندگان به دلایل استراتژیک از این نامزدها چشم‌پوشی کرده‌اند» عبارت مبهم «تحریم توسط رأی‌دهندگان» را آورده است شاید با این هدف که بتواند مورد سوم، یعنی «تقلب»، را در ذهن خواننده منطقی‌ترین گزینه جلوه دهد. این در حالی است که من افرادی را می‌شناسم که قبل از برگزاری انتخابات معتقد بودند رقابت اصلی بین آقایان احمدی‌نژاد و موسوی است و بعید نیست برخی از طرفداران دو نامزد دیگر برای این که رأی‌شان هدر نرود از دادن رأی به نامزد مورد علاقه خود چشم‌پوشی کرده باشند؛ در چنین وضعیتی فرد طرفدار آقای کروبی که به آقای موسوی رأی داده نمی‌گوید «من کروبی را تحریم کردم!».

اثبات تقلب با استفاده از قانون بنفورد

قانون بنفورد^{۱۲} (یا قانون رقم اول) که توسط فیزیک‌دانی با همین نام^{۱۳} در سال ۱۹۳۸ کشف و ارائه شد، حاکی از آن است که در بسیاری از پدیده‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و... رقم اول (از سمت چپ) در اعدادی که در یک مجموعه داده‌ای ظاهر می‌شوند از توزیع آماری خاصی پیروی می‌کنند که با رابطه $p_n \approx \log(1 + \frac{1}{n})$ بیان می‌شود. به عبارت دیگر فراوانی اعدادی که با رقم یک آغاز می‌شوند تقریباً ۳۰ درصد، فراوانی اعدادی که با رقم دو آغاز می‌شوند تقریباً ۱۷ درصد،... و فراوانی اعدادی که با رقم نه آغاز می‌شوند تقریباً ۴ درصد است. این توزیع از آن پس به نام «توزیع بنفورد»^{۱۴} شناخته شد. قانون مشابهی در مورد توزیع رقم دوم وجود دارد که در برخی موارد، مثلاً در کارهای مبین، از آن استفاده شده است. ایده کلی این مقالات این است که اگر رأی‌ها دست‌کاری نشده باشند نتایج باید طبق این قوانین رفتار کنند. [۱۲] و [۱۳]

یکی از سؤالات بسیار مهم در این‌گونه بررسی‌ها این است که آیا داده‌های مورد بحث شرایط لازم برای این که در قانون بنفورد صدق کنند را دارند یا نه؟ اگر هدف تنها استفاده از این قانون برای کمک به کشف موارد احتمالی تقلب باشد جواب دادن به این سؤال لازم نیست ولی اگر بخواهیم از این که داده‌ها در مواردی از قوانین بنفورد پیروی نمی‌کنند وجود تقلب را ثابت کنیم باید مطمئن شویم که شرایط لازم برای استفاده از قانون بنفورد وجود دارد.

مبین بعد از انجام محاسباتی ادعا کرده که در برخی موارد داده‌های انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران با قانون بنفورد نمی‌خواند ولی این مطلب را تنها نشانه‌ای برای احتمال وجود تقلب می‌داند و نه اثباتی برای آن. به همین دلیل لازم ندانسته است که اثبات کند که داده‌های بررسی شده شرایط لازم برای صدق در قانون بنفورد را دارند. برای روشن تر شدن این مطلب به این قسمت از مقاله مبین توجه کنید که در آن منظور از «ارزیابی‌ها» محاسبات مربوط به قانون بنفورد و چند بررسی آماری دیگر است:

«برای این که به مبهم بودن این ارزیابی‌ها تأکید کنم، توجه کنید که الگوهای مشابهی، هم از داده‌های پرت^{۱۵} و هم از آمار ناشی از تست قانون رقم دوم بنفورد در داده‌های انتخابات ریاست جمهوری آمریکا (در سال ۲۰۰۸) مشاهده می‌شود.» [۳]

مبین این مثال را از آن جهت بیان می‌کند که نشان دهد لزومی ندارد داده‌های واقعی به دست آمده در یک انتخابات از قانون رقم دوم بنفورد پیروی کند، چرا که در انتخابات سال ۲۰۰۸ آمریکا، که به نظر مبین سالم بوده است، داده‌ها با قانون رقم دوم بنفورد سازگار نبوده‌اند. این در حالی است که برخی با برخورد سطحی با این مطلب آن‌ها را اثباتی برای وجود تقلب دانسته‌اند. به عنوان مثال به نقل از برخی بودوین اف. روکما^{۱۶} «بر اساس قانون بنفورد به این نتیجه‌گیری رسیده که با احتمال ۹۹ درصد در انتخابات ایران تقلب شده است!» [۱۴]

این احتمال ۹۹ درصد در واقع احتمال این است که داده‌های انتخابات ایران ناشی از توزیع بنفورد نباشند و در این استدلال این فرض که داده‌ها لزوماً باید از این قانون پیروی کنند، بی هیچ دلیلی، قطعی گرفته شده است.

^{۱۲} Benford's Law

^{۱۳} Frank Albert Benford

^{۱۴} Benford's distribution

^{۱۵} outliers

^{۱۶} Boudewijn F. Roukema

خلاصه این مطالب این است که در مورد اثبات تقلب به کمک بررسی قانون بنفورد نه تنها هیچ دلیلی ارائه نشده که داده‌های ناشی از انتخابات باید از قانون بنفورد پی‌روی کند، که مواردی هم وجود دارد، مثلاً انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۸ ایالات متحده، که داده‌ها از قانون بنفورد پی‌روی نکرده است.

کاهش آراء رضایی در مراحل اعلام نتایج



پای‌گاه اینترنتی آقای رضایی در تاریخ چهارشنبه، ۲۷ خرداد ۱۳۸۸، چنین گزارش کرد: «پی‌روی گزارش‌های مردمی متعدد مبنی بر این‌که آراء محسن رضایی در شبکه خبر صدا و سیما گم شده، پی‌گیری لحظه به لحظه تصاویر ضبط‌شده از آنتن پخش این شبکه نشان می‌دهد که متأسفانه گزارش‌های مردمی صحیح بوده است. تصویر اول، مربوط به اعلام رسمی نتیجه شمارش آراء توسط وزارت کشور است. این تصویر که از شبکه خبر در ساعت ۰۹:۴۷ مورخ ۲۳ خرداد ۸۸ ضبط شده، حاکی‌ست؛ از بین ۳۰ میلیون رأی شمارش‌شده، بر اساس اعلام رسمی وزارت کشور، محسن رضایی ۶۳۳ هزار رأی دارد. تصویر دوم، مربوط به اعلام رسمی نتیجه شمارش آراء توسط وزارت کشور است. این تصویر که چهار ساعت بعد (در ساعت ۱۳:۵۳ همان روز) از شبکه خبر ضبط شده، حاکی‌ست؛ درحالی که چهار ساعت گذشته و میزان آراء شمارش‌شده با سه و نیم میلیون افزایش به ۳۴ میلیون رسیده است، رأی محسن رضایی نه تنها افزایش نیافته بلکه به ۵۸۷ هزار کاهش یافته است!!» [۱۵]

وزارت کشور به این مسأله این‌چنین پاسخ داد:

«تجمیع نتایج انتخابات بر اساس ۲ فرم صورت می‌گیرد؛ فرم شماره ۲۲ که مخصوص شعب اخذ رأی است و فرم شماره ۲۸ که مخصوص فرمان‌داری‌ها و تجمیع آمار شهرستان‌ها است. تا ساعت ۹ بامداد روز ۲۳/۳/۸۸ تجمیع به صورت آن‌لاین و بر اساس فرم شماره ۲۲ صورت گرفت. از ساعت ۹ تا ۱۳ روند اعلام نتایج بر اساس فرم ۲۲ متوقف شد چرا که نتایج شهرستان‌های مختلف در قالب فرم ۲۸ به ستاد انتخابات کشور ارسال گردیده بود و تجمیع نتایج به جای شعبه به شعبه به صورت شهرستان به شهرستان صورت گرفت تا هم دقت کار بیش‌تر شود هم سرعت تجمیع و در نتیجه جمع‌بندی نهایی زودتر صورت گیرد... پاسخ این شبهه با تشریح روش تجمیع داده می‌شود؛ تا ساعت ۹ تجمیع بر اساس فرم ۲۲ صورت گرفته و در ساعت ۱۳ آمار بر اساس فرم شماره ۲۸ بوده است که نتیجه ساعت ۱۳ بر اساس فرم‌های شهرستان‌ها بوده است که ممکن است نتایج برخی صندوق‌ها در تجمیع شهرستانها محاسبه نگردیده باشد. در نهایت آراء آقای رضایی ۶۸۱۸۵۱ رأی بوده است اگر تعداد آراء نهایی آقای رضایی کم‌تر از ساعت ۹ بود این شبهه وارد بود لیکن الان فقط ملاک شمارش تغییر یافته است و شبهه‌ای درباره این موضوع مطرح نیست.» [۱۶]

به نظر من درست دانستن پاسخ وزارت کشور بسیار منطقی‌تر است تا این‌که تصور کنیم داده‌ها تقلبی هستند و متقلبان در طراحی چند عدد نهایی دچار چنین اشتباه بی‌فایده، روشن و فاحشی شده‌اند!

خطی بودن نمودار: آراء مهندسی شده است!

پدیده جالب خطی بودن نمودار اعلامی آراء بر حسب زمان، صبح ۲۳ خرداد کشف شد:

«نمودار آرائی که وزارت کشور به تدریج اعلام کرد تقریباً روی خط راست قرار می‌گیرد. در حالی که چنین چیزی می‌تواند غیرمعمول باشد زیرا میزان حمایت از احمدی‌نژاد در شهرها و روستاها احتمالاً متفاوت است و معمولاً نتایج شمارش آراء این دو با تأخیر نسبت به یک‌دیگر انجام می‌پذیرد و بنابراین این که شیب خط با این تقریب ثابت بماند محتمل نیست. این خطی بودن به معنای آن است که محبوبیت نام‌زدها در حوزه‌هایی که در یک نوبت شمارش شده‌اند با بقیه حوزه‌های مربوط به نوبت‌های دیگر تفاوتی نداشته است. این امر بسیار غیرعادی و چه بسا غیرممکن است. در تحلیل این موضوع باید دو نکته را

در نظر داشت: اولاً از آنجا که چند نوبت اول شمارش آراء در فاصله یک الی دو ساعت بعد از اتمام رأی‌گیری اعلام شد انتظار می‌رفت که این آراء مربوط به حوزه‌های کوچک، یعنی مناطق روستایی و شهرهای کوچک‌تر باشد، زیرا رأی‌گیری در این مناطق زودتر به اتمام می‌رسد و شمارش آراء هم بسیار زودتر تمام می‌شود... اگر نوبت‌های اولیه بیشتر مربوط به مناطق روستایی و نوبت‌های بعدی بیشتر مربوط به شهرهای بزرگ مثل تبریز، اصفهان، شیراز، مشهد، تهران و غیره بوده باشد، نمودار رشد آراء به هیچ‌وجه نباید خطی بماند. همان‌طور که می‌دانیم و نظرسنجی‌ها نیز نشان داده‌اند آقای احمدی‌نژاد در مناطق روستایی و شهرهای کوچک و فقیرتر بسیار محبوب‌تر است و آقای موسوی در شهرهای بزرگ که عمدتاً محل زندگی طبقه متوسط به بالا است، محبوبیت بیشتری دارد. در نتیجه نمودار احمدی‌نژاد- موسوی باید به تدریج به سمت بالا (شیب بیشتر) میل کند. اما حتی در سه مرحله آخر نیز این اتفاق رخ نداد و نمودار کماکان خطی باقی ماند.» [۱۱]

البته در این پاراگراف به نظرسنجی‌هایی نامشخص استناد می‌شود و روشن است که ذکر آن در این‌جا به معنی تأیید ادعای مطرح‌شده نیست. با این وجود شواهدی دال بر درستی این اختلاف سلیقه، بین از طرفی روستاها و شهرهای کوچک و از طرف دیگر شهرهای بزرگ وجود دارد.

آقای کروی نیز در نامه‌ای به شورای نگهبان این مطلب را این‌طور بیان کرده است:

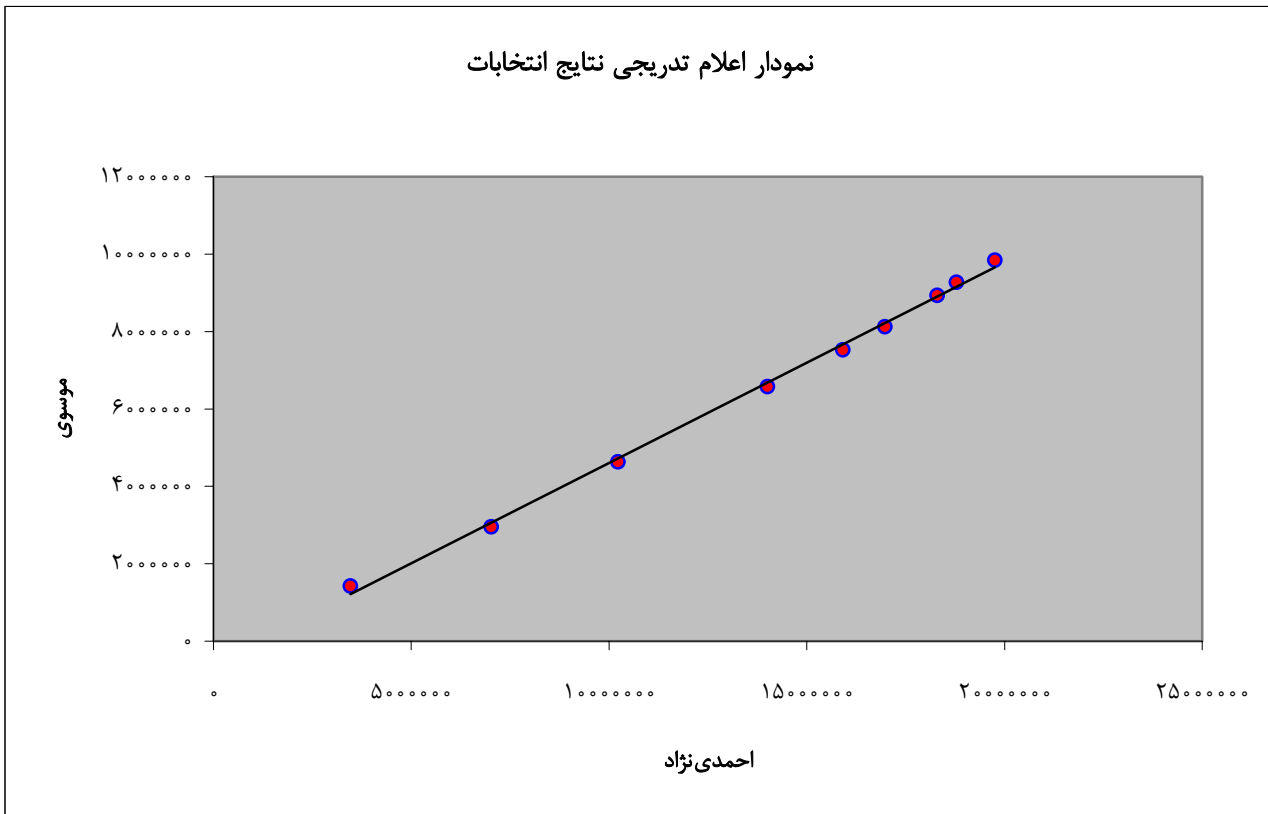
«نحوه اعلان و نسبت آراء در ۹ یا ۱۰ مرحله از سوی وزارت کشور نشان‌دهنده وجود فرمولی مشخص و از پیش تعیین‌شده برای آراء نامزدهاست.» [۱۷]

نتایج اعلام‌شده در نه مرحله در جدول زیر آمده است.

جدول اعلام تدریجی آراء توسط وزارت کشور					
مجموع	موسوی	کروی	رضایی	احمدی‌نژاد	
۵۰۱۵۱۸۸	۱۴۲۵۶۷۸	۴۵۴۵۳	۸۱۵۰۹	۳۴۶۲۵۴۸	۱
۱۰۲۳۴۴۳۱	۲۹۵۵۱۳۱	۸۸۴۷۴	۱۶۲۹۰۹	۷۰۲۷۹۱۹	۲
۱۵۲۵۱۷۸۱	۴۶۲۸۹۱۲	۱۳۲۹۳۵	۲۵۹۴۵۶	۱۰۲۳۰۴۷۸	۳
۲۱۱۷۰۲۶۳	۶۵۷۵۸۴۴	۱۸۵۵۷۸	۳۹۷۱۷۷	۱۴۰۱۱۶۶۴	۴
۲۴۱۲۲۷۷۷	۷۵۲۶۱۱۷	۲۱۲۸۵۵	۴۷۰۵۴۹	۱۵۹۱۳۲۵۶	۵
۲۵۸۲۶۲۹۹	۸۱۲۴۶۹۰	۲۲۸۴۳۱	۵۰۸۷۹۶	۱۶۹۷۴۳۸۲	۶
۲۸۰۵۰۷۶۱	۸۹۲۹۲۳۲	۲۴۸۴۳۱	۵۷۰۱۷۴	۱۸۳۰۲۹۲۴	۷
۲۸۹۰۹۶۸۹	۹۲۶۹۹۹۸	۲۵۷۰۶۱	۵۹۴۸۶۴	۱۸۷۸۷۷۶۶	۸
۳۰۵۰۶۴۲۲	۹۸۴۱۰۵۶	۲۷۰۸۸۵	۶۳۳۰۴۸	۱۹۷۶۱۴۳۳	۹

اگر نموداری رسم کنیم که یک محور آن نشان‌دهنده آراء آقای احمدی‌نژاد و محور دیگرش نشان‌دهنده آراء آقای موسوی باشد، پدیده (تقریباً) خطی بودن را می‌بینیم.

نمودار اعلام تدریجی نتایج انتخابات



مشاهده ریز نتایج انتخابات شهرها و روستاهای مختلف، که چند روز بعد توسط وزارت کشور منتشر شد، به خوبی نشان می‌دهد که بر اساس نتایج اعلام شده وزارت کشور درصد آراء آقای احمدی نژاد در مناطق مختلف تفاوت قابل ملاحظه دارد و به علاوه این داده‌ها تضادی با نتایج اولیه اعلام شده توسط وزارت کشور ندارد.

پس مشکل کجاست؟ اولین اشتباه در تحلیل ذکر شده این است که خطی که نقاط روی آن قرار گرفته‌اند از مبدأ نمی‌گذرد و لذا شیب آن، که ثابت است، حاکی از ثابت بودن نسبت آراء آقای احمدی نژاد و آقای موسوی نیست. برای این که نسبت آراء این دو نامزد را در نمودار ببینید باید به شیب خطهایی نگاه کنید که مبدأ را به نقاط مشخص شده متصل می‌کند؛ در شکل روشن است که این شیب به آرامی در حال تغییر است و خصوصاً این که در اعلام‌های آغازی نسبت آراء آقای احمدی نژاد به آقای موسوی بیش‌تر از این نسبت در اعلام نهایی بوده است. نکته دیگر این که در هر مرحله از ۹ مرحله مورد بحث تمام آراء گذشته نیز در محاسبه دخیل است و این باعث می‌شود تغییرات نسبت آراء قابل ملاحظه نباشد. برای مشاهده تغییرات این نسبت در طول زمان باید این آراء را از هم جدا کرد.

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	نسبت آراء احمدی نژاد به موسوی
۱.۷۱	۱.۴۲	۱.۶۵	۱.۷۷	۲.۰۰	۱.۹۴	۱.۹۱	۲.۳۳	۲.۴۳	

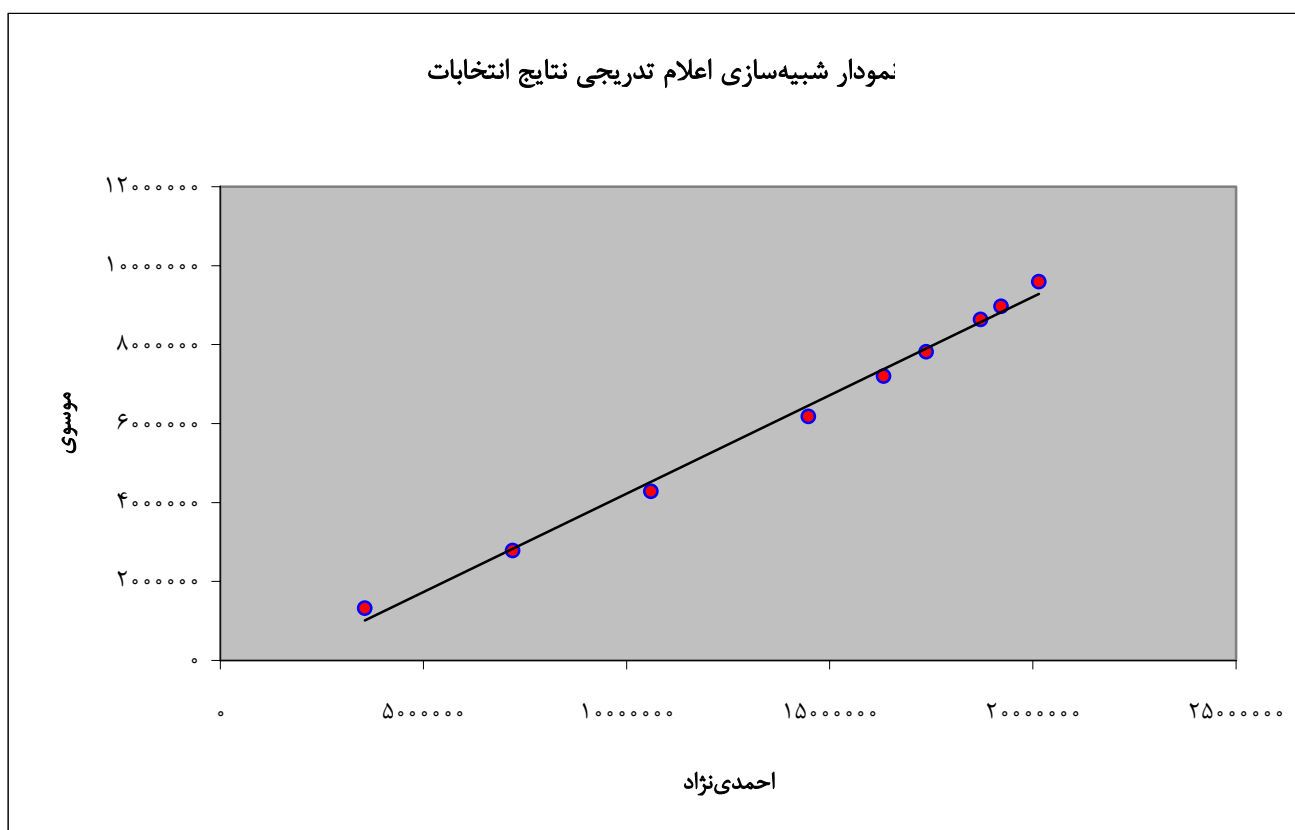
یعنی در اولین اعلام رأی تعداد آراء آقای احمدی نژاد ۲.۴۳ برابر تعداد آراء آقای موسوی است در حالی که در بین آرائی که در مرحله نهم اضافه شده‌اند تعداد آراء آقای احمدی نژاد ۱.۷۱ برابر تعداد آراء آقای موسوی است.

نکته مهم دیگر که در این تحلیل، شاید نادانسته، نادیده گرفته شده بود این است که در این دوره وزارت کشور، برای اعلام سریع‌تر نتایج به مردم، با استفاده از تجمیع رایانه‌ای، نتایج را با سبکی غیر از دوره‌های گذشته اعلام کرد به نحوی که نتایج هر شعبه اخذ رأی مستقیماً به وزارت کشور ارسال می‌شد و در نتیجه در اولین مرحله اعلام نتایج، که حدود پنج میلیون رأی محاسبه شده بود، آرائی از تمام مناطق کشور و نه فقط نقاط کم جمعیت نقش داشته است و نتیجه این اتفاق این است که درصد به دست آمده برای نامزدها در این مرحله، و مشابهاً در مراحل بعد، تخمین به تری از نتیجه نهایی بوده است. توجه کنید که شعبه‌هایی که رأی‌گیری در آنها به درازا نکشیده و شمارش آراء در آنها تا چند ساعت پس از اتمام قانونی زمان رأی‌گیری مقدور بوده است لزوماً مربوط به شهرهای کوچک و روستاها نبوده و حتی در تهران و شهرهای بزرگ دیگر نیز چنین شعبه‌هایی به تعداد زیاد وجود داشته است.

با همه این توضیحات باز هم این سؤال مطرح است که چرا این نقاط تقریباً روی یک خط قرار دارند. خوشبختانه آمار تمام صندوق‌ها در این دوره بر روی اینترنت در دسترس همه قرار گرفت و می‌توان برای اثبات طبیعی بودن چنین اتفاقی فرایند اعلام نتایج را شبیه‌سازی کرد؛ اگر آمار صندوق‌ها را بر حسب تعداد آراء ریخته‌شده در آن‌ها به ترتیب صعودی مرتب کنیم می‌توانیم به‌طور تقریبی آنچه در اعلام تدریجی آراء رخ داده است را بازسازی کنیم. من این کار را انجام دادم و شما می‌توانید نتیجه را در نمودار زیر ببینید. هر نقطه متناظر با بخشی از آراء است که تعداد کل آراء از کم‌رأی‌ترین صندوق تا آن‌جا برابر تعداد آراء در یکی از مراحل اعلام آراء توسط وزارت کشور است. البته با توجه به این‌که صندوق‌ها در جریان آن‌چه واقعاً رخ داده دقیقاً به ترتیب تعداد آراء آن‌ها اعلام نشده‌اند لزومی ندارد بتوان ستون مجموع در جدول زیر را دقیقاً برابر ستون مجموع در جدول قبل گرفت. به عنوان مثال در اولین اعلام وزارت کشور مجموع آراء برابر ۵۰۱۵۱۸۸ بوده است ولی در شبیه‌سازی، عدد متناظر ۵۰۱۵۰۷۴ است.

جدول شبیه‌سازی اعلام تدریجی آراء					
مجموع	موسوی	کروبی	رضایی	احمدی‌نژاد	
۵۰۱۵۰۷۴	۱۳۲۵۴۸۴	۴۷۱۳۴	۸۱۳۲۴	۳۵۶۱۱۳۲	۱
۱۰۲۳۴۰۸۴	۲۷۸۲۵۱۰	۹۳۱۰۲	۱۵۵۸۶۶	۷۲۰۲۶۰۶	۲
۱۵۲۵۱۷۰۹	۴۲۸۴۹۶۹	۱۳۷۵۲۲	۲۳۰۵۶۴	۱۰۵۹۸۶۵۴	۳
۲۱۱۷۰۴۹۲	۶۱۸۱۵۸۵	۱۸۴۵۸۸	۳۲۸۹۲۳	۱۴۴۷۵۳۹۶	۴
۲۴۱۲۲۴۶۴	۷۲۰۱۰۰۸	۲۰۸۵۵۴	۳۸۴۵۳۶	۱۶۳۲۸۳۶۶	۵
۲۵۸۲۶۲۷۱	۷۸۱۳۵۹۲	۲۲۱۳۶۸	۴۱۴۶۷۲	۱۷۳۷۶۶۳۹	۶
۲۸۰۵۰۷۵۵	۸۶۳۶۹۹۸	۲۳۸۴۵۴	۴۵۶۹۰۶	۱۸۷۱۸۳۹۷	۷
۲۸۹۰۸۸۱۶	۸۹۶۸۲۷۳	۲۴۵۹۶۱	۴۷۳۵۲۴	۱۹۲۲۱۰۵۸	۸
۳۰۵۰۷۰۹۱	۹۵۹۰۷۱۸	۲۵۹۷۳۲	۵۰۶۰۱۲	۲۰۱۵۰۶۲۹	۹

در شبیه‌سازی نتایج نیز نمودار احمدی‌نژاد-موسوی تقریباً روی یک خط قرار دارد و به‌علاوه بسیار شبیه نمودار قبل است.



این نشان می‌دهد که پدیده خطی بودن هر چند در نگاه اول غیرعادی به نظر می‌رسد ولی به دلایلی به طور طبیعی رخ می‌دهد. برای توجیه علمی‌تر این حقیقت به قضایای پیش‌رفته‌ای در علم آمار و احتمال (مانند قانون اعداد بزرگ^{۱۷}) نیاز است که ذکر آن از حوصله خواننده این مقاله خارج است.^{۱۸}

گفتنی است که ریاضی‌دانی با نام جردن النبرگ^{۱۹}، در مقاله‌ای با عنوان «گناه از راه محاسبه»^{۲۰} با فرض این که نتایج شمارش آراء به صورت یک‌نواخت از سطح کشور جمع‌آوری شود، واریانس نتایج اعلام‌شده را تخمین زده و ثابت کرده که نتایج اعلامی غیرعادی نیستند و کاملاً ممکن است با این تقریب روی یک خط راست قرار گیرند. در قسمت‌هایی از این مقاله آمده:

«آیا نتایج انتخابات ایران به‌تر از آن هستند که بتوانند واقعی باشند؟ این سؤالی بود که وبلاگ تهران بیرو^{۲۱}، چند ساعت بعد از انتخابات روز جمعه، بعد از مشاهده روند خطی نتایج اعلام‌شده دولتی، مطرح کرد. در عرض چند ساعت، نمودار موردنظر در تویترها و وبلاگ‌های سراسر دنیا در حال نمایش بود. وبلاگ‌نویس وبلاگ آتلانتیک^{۲۲}، اندرو سولیوان^{۲۳}، آن را به عنوان یک گواه منحصر به فرد دانست. او نوشت: «آن‌ها حتی سعی نکردند که تقلب را مخفی کنند. این گراف، پرچم قرمزی برای ایران و تمام دنیا است...» پس طبیعی است که مشکوک باشید وقتی ببینید مجموع رأی‌های گزارش‌های رسمی تقریباً به‌طور دقیق از یک فرمول خطی پی‌روی می‌کنند. اما در واقع، این دقیقاً همان چیزی است که ما به‌خاطر نحوه گزارش داده‌ها انتظار داریم. هر چه بیش‌تر و بیش‌تر رأی‌ها شمرده می‌شود، برای نام‌زدهای دیگر تغییر درصدها سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود. نیت سیلور^{۲۴}، متخصص آمار سیاسی، بر اساس یک سناریوی خیالی فرض کرد که نتایج انتخابات ۲۰۰۸ ریاست‌جمهوری ایالات متحده را به ترتیب حروف الفبا گزارش دهند و در نتیجه حاصل‌شده، روند خطی بسیار مستحکمی، مشابه آنچه در ایران رخ داده بود، مشاهده کرد.» [۱۸]

النبرگ در ادامه مدلی ارائه می‌کند و با تحلیل آماری آن مدل اثبات می‌کند که نتایج انتخابات ایران کاملاً طبیعی است:

«...به بیان دیگر، این اعداد، هر چند در نگاه اول ممکن است بسیار هم‌آهنگ به نظر برسند، ولی در واقع دقیقاً همان چیزی هستند که ما انتظار داریم. این خاصیت داده‌های حجیم است که از قانونی به نام «اعداد بزرگ» تبعیت می‌کند: کمیت‌هایی که تغییرات شدید دارند معمولاً میانگینی تقریباً یک‌سان و بدون نوسان را به وجود می‌آورند. با داشتن داده‌های کافی، انحراف داده‌های منحرف توسط یک‌دیگر خنثی می‌شوند.» [۱۸]

او در نهایت چنین می‌گوید:

«من ادعا نمی‌کنم که در انتخابات دست‌کاری نشده است؛ جوآن کول^{۲۵} و ریچارد سکتون^{۲۶} دلایل بیش‌تری برای شک کردن به نتایج دولتی مطرح کرده‌اند. در سوی دیگر، کن بالن^{۲۷} و پتریک دوهرتی^{۲۸} می‌گویند نظرسنجی‌های قبل از انتخابات حاکی از یک پیروزی بزرگ برای احمدی‌نژاد بوده است. در هر صورت نظر نهایی در مورد انتخابات ایران تنها با کشیدن یک گراف مشخص نمی‌شود. اعداد رسمی ممکن است ساختگی باشند یا نباشند، اما یقیناً برای واقعی بودن به اندازه کافی نامرتب هستند.» [۱۸]

^{۱۷} Law of Large Numbers

^{۱۸} چنین قضایایی، به‌طور خلاصه، نشان می‌دهند که اگر میانگین انبوهی از داده‌ها، با رفتار تصادفی، محاسبه شود نتیجه تقریباً غیرتصادفی است.

^{۱۹} Jordan Ellenberg

^{۲۰} “Guilt by Calculation, It takes more than an Excel sheet to prove the Iranian election was fixed.”

^{۲۱} Tehran Bureau

^{۲۲} Atlantic

^{۲۳} Andrew Sullivan

^{۲۴} Nate Silver

^{۲۵} Juan Cole

^{۲۶} Richard Sexton

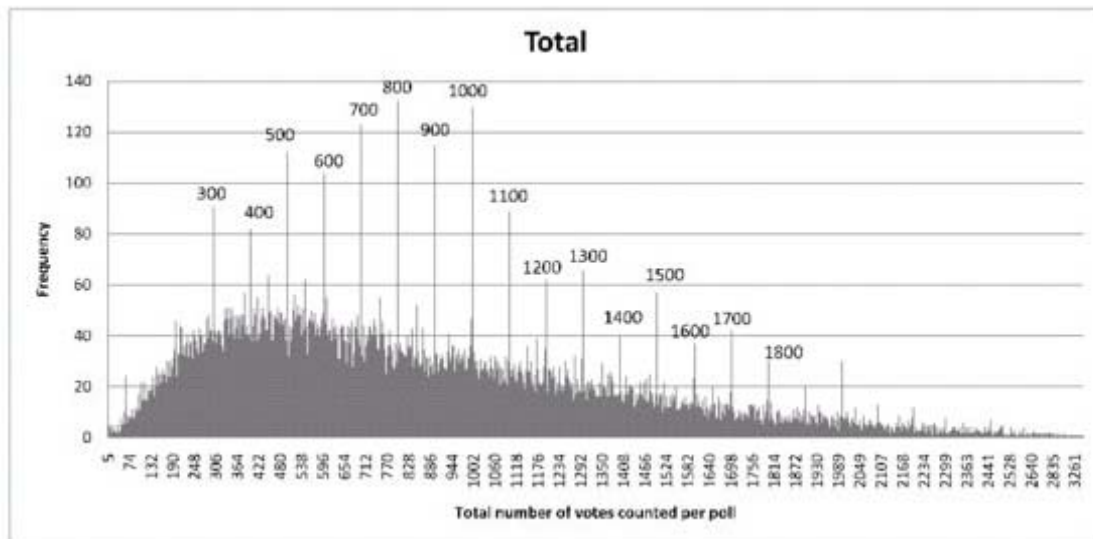
^{۲۷} Ken Ballen

^{۲۸} Patrick Doherty

دلایل جوآن کول و ریچارد سکتون، که در پاراگراف بالا به آن اشاره شده است، مشابه آن‌هایی هستند که در مقالهٔ میبین آمده است. نظرسنجی ذکر شده نیز همان نظرسنجی مؤسسهٔ آمریکایی «فردای بدون ترور» است که قبلاً در مورد آن صحبت کردم.

دو رقم سمت راست مشتمت وزارت کشور را باز کرد!

بعد از آن که وزارت کشور داده‌های تمام صندوق‌ها را اعلام کرد بستری وسیع به وجود آمد که مدعیان تقلب با پیدا کردن نظم‌ها و بی‌نظمی‌ها در اعداد تقلب را برملا کنند! یکی از کشفیات، مربوط به تعداد آراء موجود در صندوق‌ها است. در هر کدام از حدود ۴۶۰۰۰ صندوق موجود تا ۴۰۰۰ رأی ریخته شده است. اگر هیستوگرام تعداد آراء را رسم کنید با نکتهٔ جالبی مواجه می‌شوید.



صندوق‌هایی که تعداد آراء در آن‌ها مضربی از صد است، یعنی صد، دویست، سیصد و...، به شکل قابل توجهی زیاد هستند. از این موضوع چه نتیجه‌ای گرفته می‌شود؟ «عددسازی، تقلب، خیانت در امانت!» چرا؟ اولین پاسخی که من شنیدم این بود: این وضعیت نشان می‌دهد که این اعداد ساختگی هستند و سازندگان آن ناخودآگاه بیش از حد از مضارب صد استفاده کرده‌اند! بعد از این که مطالبی در مورد صدتایی بودن دسته‌های تعرفه مطرح شد تحلیل این اتفاق چنین تغییر کرد:

«از آن‌جا که احتمال وقوع آراء کل مضرب صد در هر صندوق یک درصد است و از سوی دیگر تعرفه‌ها به شکل بسته‌های صدتایی در اختیار صندوق‌ها قرار می‌گرفته است اگر درصد صندوق‌های با آراء کل مضرب صد، در هر بخش یا شهرستان بیش از یک درصد باشد شائبهٔ ریختن تعرفه‌های باقی‌مانده در پایان اخذ رأی به نام نامزد خاص را می‌افزاید، مثلاً در بخش رومشگان از توابع کوه‌دشت لرستان در ۴۹ درصد از صندوق‌ها، آراء کل ریخته شده به داخل صندوق مضرب صد است. در شهرستان کوه‌دشت لرستان نسبت صندوق‌های مضرب صد به کل، ۲۹ درصد، در بخش بزمان ایرانشهر، ۲۹ درصد، در بخش نرماشیر بم ۲۹ درصد، در شهرستان سلسله لرستان، ۲۳ درصد، در شهرستان دلفان لرستان ۲۰ درصد، در شهرستان فلاورجان اصفهان، ۱۹ درصد، در بخش مارگون بویراحمد، ۱۸ درصد و در شهرستان عنبرآباد کرمان، ۱۴ درصد بوده است.» [۸]

ولی آیا ممکن نیست به‌طور طبیعی چنین اتفاقی رخ داده باشد؟ طبق گفتهٔ وزارت کشور، همان‌طور که گفته شد، دسته‌های تعرفه رأی صدتایی بوده است. پس اگر در یک صندوق تعدادی دسته تعرفه به‌طور کامل مصرف شده باشد تعداد آراء آن صندوق مضربی از صد خواهد بود. این نشان می‌دهد که ستون‌هایی که در نمودار بالا یک سر و گردن بلندتر از مجاوران خود هستند چه‌گونه به وجود آمده‌اند. پس این که بگوییم احتمال مضرب صد شدن تعداد آراء در یک صندوق یک درصد است نادرست است، زیرا با پایان یافتن تعرفه‌ها این اتفاق رخ می‌دهد.

با این توضیح آیا این وضعیت حاکی از این است که گروه زیادی از مردم که می‌خواسته‌اند در وقت قانونی رأی دهند نتوانسته‌اند این کار را انجام دهند؟ ممکن است در برخی موارد چنین اتفاقی افتاده باشد ولی این تنها صورت قابل تصور نیست؛ فرض کنید در شعبه‌ای شامل چند صندوق باشد و یا چند شعبه در نزدیکی هم باشند. اواخر وقت رأی‌گیری در یکی از صندوق‌ها تعرفه تمام می‌شود

ولی هنوز چند نفر در صف ایستاده‌اند. طبیعی و عاقلانه است که مسئول صندوق به جای درخواست تعرفه بیشتر از وزارت کشور، از آن چند نفر بخواهد که به صندوق کناری یا شعبه نزدیک که هنوز تعرفه دارد بروند. یا فرض کنید پس از اتمام زمان رأی‌گیری، همان‌طور که قانون گفته، حاضرین را داخل محوطه شعبه رأی‌گیری برده و درها را بسته‌اند. در این لحظه اگر چند نفر دیگر تقاضا کنند که در این شعبه رأی دهند چه خواهد شد؟ من نمی‌دانم که آیا قانون پذیرفتن این درخواست را مجاز می‌داند یا نه ولی با توجه به شناختی که از فرهنگ مردم دارم بسیار محتمل می‌دانم که مسئولین شعبه به تعداد تعرفه‌هایی که باقی‌مانده به چنین تقاضایی جواب مثبت بدهند. چنین اتفاقاتی نیز باعث خواهد شد که تعداد آراء ریخته‌شده در یک صندوق مضرری از صد باشد. به نظر من چنین اتفاقاتی می‌تواند موجب شود که نسبت صندوق‌های مضرر صد در یک شهرستان بسیار بیش‌تر از یک درصد شود.

جالب این‌جاست که در مقاله میبینم هم به این موضوع اشاره شده است:

«توزیع تعداد تعرفه‌های ریخته‌شده در صندوق‌های رأی طرح عجیبی را نشان می‌دهد که دست‌کم نشان می‌دهد که انتخابات در سطح کشور به صورت یک‌نواخت اجرا نشده است. روشن نیست که این مقادیر قرار است بیان‌گر چه چیزی باشند (دست‌کم من توضیحی برای آن ندیده‌ام). اگر آن‌ها حاکی از تعداد تعرفه‌های موجود در هر دسته هستند می‌بایست همه مضرری از ۵۰ باشند: آن‌طور که به من گفته‌اند تعرفه‌ها در دسته‌های ۵۰ تایی توزیع شده بودند.» [۳]

برای من عجیب است که چرا میبینم در مورد تعداد تعرفه‌های در یک دسته دچار اشتباه شده است. توجه کنید که میبینم هم نتوانسته چنین مشاهده‌ای را صریحاً به تقلب ارتباط دهد و به نظر می‌رسد که اگر می‌دانسته تعداد تعرفه‌های یک بسته صد تا بوده علت وجود این طرح برایش روشن بوده است.

به عقیده من استدلال بیان‌شده تا این‌جا نشان می‌دهد که قصه «دو رقم آخر» به هیچ عنوان شاهی برای وجود تقلب نیست ولی می‌توان بررسی را باز هم عمیق‌تر کرد: آیا نسبت آراء آقای احمدی‌نژاد در صندوق‌هایی که تعداد آراء در آن‌ها مضرری از صد است تفاوت معناداری با این نسبت در کل صندوق‌ها دارد که حاکی از دست‌کاری این صندوق‌ها به نفع این نامزد باشد؟

انجام این کار چندان مشکل نیست و من بعید می‌دانم کسانی که نمودار قبل را به دست آوردند ناتوان از انجام آن بوده باشند. پس چرا برای تکمیل دلیل خود این کار را نکرده‌اند؟ جواب این سؤال را در جدول زیر بیابید. تعداد صندوق‌هایی که تعداد آراء داخل آن‌ها مضرر صد بوده ۱۵۱۳ تا است. در جدول زیر منظور از «صندوق‌های خاص» همین صندوق‌ها است که حدود ۳.۳ درصد صندوق‌ها هستند و حدود ۳.۷ درصد آراء در این صندوق‌ها ریخته شده است.

مقایسه کل صندوق‌های کشور و صندوق‌هایی که آراء ریخته‌شده در آن‌ها مضرر صد است						
مأخوذه	باطله	صحیح	احمدی‌نژاد	رضایی	کروبی	موسوی
تعداد در کل کشور	۳۹۴۸۸۷۳۲	۴۲۴۱۶۲	۳۹۰۶۴۵۷۰	۲۴۶۸۶۲۷۵	۶۷۸۰۶۶	۳۳۵۱۷۱
درصد در کل کشور	۱.۱	۶۳.۲	۱.۷	۰.۹	۳۴.۲	
تعداد در صندوق‌های خاص	۱۴۴۶۵۰۰	۱۷۲۱۱	۱۴۲۹۲۸۹	۹۱۰۷۵۷	۲۶۲۷۲	۱۶۲۴۹
درصد در صندوق‌های خاص	۱.۲	۶۳.۷	۱.۸	۱.۱	۳۳.۳	

همان‌طور که می‌بینید درصد رأی آقای احمدی‌نژاد در کل کشور تنها نیم درصد با درصد رأی ایشان در صندوق‌های خاص (یعنی آن‌هایی که تعداد آراء ریخته‌شده در آن‌ها مضرر صد است) تفاوت دارد و این اختلاف از نظر آماری معنادار نیست. اگر در هر یک از این ۱۵۱۳ صندوق به‌طور متوسط ۵۰ رأی اضافه به نام آقای احمدی‌نژاد ریخته شده باشد باید ۷۵۶۵۰ رأی اضافه شده باشد و این تعداد بیش از ۵ درصد آراء ریخته‌شده در صندوق‌های خاص است و لذا لازم است در صندوق‌های خاص رأی آقای احمدی‌نژاد ۵ درصد بیش‌تر باشد در حالی که این اختلاف تنها نیم درصد است! نکته جالب دیگر این‌که اگر فرض کنیم در این ۱۵۱۳ صندوق چنین تقلبی صورت گرفته بود، ۷۵۶۵۰ رأی تقلبی تنها موجب افزایش دو دهم درصدی در نتیجه نهایی می‌شد!

توجه کنید که حتی درصد آراء باطله هم در دو وضعیت بسیار نزدیک به هم است. این شباهت‌ها حاکی از این است که وضعیت پر شدن صندوق‌های خاص تفاوتی با صندوق‌های دیگر نداشته است. نکته آخر این که، همان‌طور که اشاره شد، نسبت صندوق‌های خاص حدود ۳.۳ درصد کل صندوق‌ها است و این یعنی ۲.۳ درصد بیش از یک درصد سهمی که در ابتدا انتظار داشتیم. پس آنچه من ادعا می‌کنم این است که در چیزی حدود ۲.۳ درصد صندوق‌ها به دلایلی که ذکر شد دسته‌های تعرفه به طور کامل ریخته شده است.

جمع‌بندی نکات مطرح‌شده این‌هاست:

- صد تایی بودن دسته‌های تعرفه می‌تواند منجر به مضرب صد شدن تعداد آراء در بسیاری از صندوق‌ها شود.
- صندوق‌هایی که تعداد آراء در آن‌ها مضرب صد است از نظر آماری مشابه مابقی صندوق‌ها هستند.
- اضافه کردن تقلبی باقی‌مانده آخرین دسته تعرفه موجب افزایش ۵ درصدی در صندوق‌های مضرب صد می‌شود که به راحتی برملا می‌شود.
- اگر واقعاً چنین تقلبی در صندوق‌های مضرب صد انجام شده بود کم‌تر از دو دهم درصد برای متقلبان فایده داشت!

آراء خاموش طرف‌دار تغییر هستند

یکی از دلایل تقلبی دانستن نتایج انتخابات تحلیلی بر پایه افزایش تعداد رأی‌دهندگان، و به عبارت دیگر به میدان آمدن آراء خاموش است. خلاصه تعدادی از چنین نظراتی را در ادامه آورده‌ام:

«مشارکت حدود ۸۵ درصدی مردم در انتخابات و افزایش قریب ۱۰ میلیون نفری به جامعه رأی‌دهندگان دوره‌های گذشته نشان از ناراضی عمومی از وضع موجود اداره کشور و عزم قاطبه مردم برای ایجاد تغییر در این روند از طریق مجاری قانونی دارد و لذا این که قریب ۶۵ درصد از رأی‌دهندگان یعنی ۲۴ میلیون نفر از رئیس‌جمهور فعلی حمایت کرده‌اند غیرواقعی است. در این انتخابات حدود ۱۰ میلیون از کسانی که پیش از این انتخابات را تحریم کرده بودند رأی دادند. نتایج اعلام‌شده نشان می‌داد که احمدی‌نژاد ۸ میلیون از رأی این افراد را کسب کرده است؛ در حالی که اگر تاریخ انتخابات در ایران را بررسی کنید چنین چیزی غیرممکن است زیرا معمولاً این رأی‌دهندگان بر ضد وضعیت موجود و برای «تغییر» رأی می‌دهند و چنین رأی‌دهندگانی بر ضد احمدی‌نژاد رأی داده‌اند.»

این استدلال چند ایراد دارد. به چه دلیل کسی که در انتخابات دوره قبل شرکت نکرده و این بار شرکت کرده برای تغییر وضع موجود آمده است؟ این که بگوییم تاریخ انتخابات شاهد این ادعاست قابل قبول نیست زیرا کسی از محتوای رأی افرادی که در گذشته چنین وضعیتی داشته‌اند مطلع نیست که توانسته باشد در دوره‌ای درستی چنین گزاره‌ای را مشاهده کرده باشد. پس به نظر می‌رسد این یک گزاره عقلانی است و نه یک گزاره تجربی. اجازه دهید مدلی ارائه کنم که طبق آن فردی برای حفظ وضع موجود، بر خلاف دوره گذشته که رأی نداده، پای صندوق رأی حاضر شود؛ فردی را در نظر بگیرید که با چند بار شرکت در انتخابات به این نتیجه رسیده که رئیس‌جمهور از هر گروه و جناحی که باشد توجه لازم به نیازهای واقعی او نمی‌کند. این وضعیت موجب شده تا انرژی‌اش را صرف شرکت در انتخابات نکند و لذا در سال ۱۳۸۰ هم پای صندوق‌های رأی نرفته است. بعد از روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد، سیاست‌هایی اجرا شده که تغییر مثبت قابل‌ملاحظه‌ای در زندگی او به وجود آورده است. چنین شخصی آیا ممکن نیست برای حفظ وضع موجود در انتخابات شرکت کند؟

نکته دیگر این که چرا باید باور کنیم که همه این افزایش ناشی از ۱۰ میلیون نفری است که چهار سال گذشته در انتخابات شرکت نکرده‌اند؟ آیا ممکن نیست برخی از کسانی که چهار سال گذشته به فردی غیر از آقای احمدی‌نژاد رأی دادند امسال او را به سه نامزد دیگر ترجیح داده باشند؟ در این مورد می‌توان حدس و گمان‌هایی را مطرح کرد. من کسانی را می‌شناسم که چهار سال گذشته چون به آن‌ها گفته بودند «احمدی‌نژاد می‌خواهد خیابان‌ها را مردانه زنانه کند!» به او رأی ندادند. آیا ممکن نیست این افراد از مروجان آن گزاره فاصله گرفته باشند و در این دوره به آقای احمدی‌نژاد رأی داده باشند؟ آیا ممکن نیست سهام عدالت، افزایش حقوق بازنشستگان، سفرهای استانی، آزادسازی سواحل، موفقیت‌های هسته‌ای، پرتاب ماهواره امید و... موجب تغییر رأی گروهی از رأی‌دهندگان شده باشد؟

ممکن است شما معتقد باشید که این موارد دروغ، بزرگ‌نمایی، ظاهرسازی، موقتی و یا فریب‌کارانه بوده‌اند و یا به هر دلیل دیگر عاقلانه ندانید که چنین چیزهایی مبنای انتخاب کردن رئیس‌جمهور باشد. فرض کنیم در تمام این موارد حق با شما باشد ولی مسأله چیز دیگری است؛ آیا ممکن نیست همین‌ها موجب گرایش گروهی از مردم به آقای احمدی‌نژاد شده باشد؟ افرادی که یا در دوره قبل رأی نداده‌اند و یا به فرد دیگری رأی داده‌اند. جواب منصفانه به تمام این سؤال‌ها به نظر من این است: شاید!^{۲۹}

قضاوت نهایی در این مورد باید بر مبنای مطالعات علمی باشد و نظریه‌پردازی‌های ذهنی در مقابل نتایج انتخابات و نظرسنجی‌های علمی فاقد ارزش است.

مقایسه انتخابات دوره نهم و دهم و بررسی گرایش مردم به اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان

برخی استدلال‌های ارائه‌شده برای اثبات تقلب گسترده بر مبنای مقایسه انتخابات اخیر و انتخابات دوره گذشته بوده است. به عنوان مثال در نمونه‌ای از این نوع تحلیل‌ها چنین آمده است:

«یکی از فاکتورهایی که می‌توان ملاک مقایسه قرار داد، درصد کلی آرائی است که به نمایندگان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب در هر استان داده شده است. معمولاً فضای سیاسی هر استان در مجموع به سمت یکی از این دو گروه گرایش دارد، یعنی اکثریت مردم برخی از استان‌ها اصول‌گرا و اکثریت مردم برخی استان‌های دیگر اصلاح‌طلب هستند و این الگو معمولاً در طول بازه‌های زمانی کوتاه مانند چهار سال تغییر چندانی نمی‌کند. بسیار بعید به نظر می‌رسد که مردم یک استان که چهار سال پیش اکثریت قاطع آن به تندروترین اصلاح‌طلبان رأی داده‌اند ظرف چهار سال چنان تغییر عقیده بدهند که اکثریت‌شان به تندروترین اصول‌گرا رأی بدهند. برعکس این نیز به همان اندازه بعید است، یعنی این که استانی با اکثریت اصول‌گرا ناگهان ظرف چهار سال به استانی با اکثریت اصلاح‌طلب تبدیل شود. البته عوامل زیادی در تصمیم‌گیری مردم نقش خواهد داشت، اما الگوی کلی اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در مناطق مختلف همه کشورهای از پای‌داری نسبی بالایی برخوردار است و معمولاً نحوه معرفی نامزدها و این که خود را در کل جزو کدام یک از دو دسته می‌دانند یک معیار مهم در توزیع آراء است.» [۱۱]

این نوع تحلیل در برخی موارد برگرفته از وضعیت انتخابات در آمریکا است که در آن رقابت واقعی بین دو حزب اصلی جمهوری خواه و دموکرات است. به عقیده من این نگاه به انتخابات ایران چندان صحیح نیست؛ در آمریکا جمهوری خواه‌ها و دموکرات‌ها رسماً حزب هستند و احزاب مذکور خط مشی اعلام‌شده‌ای دارند در حالی که اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی نه عناوینی رسمی است و نه بسیاری از سیاست‌مداران به نام، رسماً خود را متعلق به این دو طیف می‌دانند. از این رو است که برخی اصلاح‌طلبان برخی دیگر را زیر سؤال می‌برند و همین وضعیت در مورد اصول‌گرایان هم رخ می‌دهد و حتی برخی از اصول‌گرایان بدون این که طیف خود را تغییر دهند از نامزدی که مشهور به اصلاح‌طلبی است حمایت می‌کنند و از نظر مردم این یک موضوع متناقض قلم‌داد نمی‌شود. در حالی که این برای یک آمریکایی مضحک است که سیاست‌مداری در عین ادعای جمهوری خواهی برای دموکرات‌ها تبلیغ کند. عباراتی چون «اصلاح‌طلبی مبتنی بر اصول‌گرایی» و «اصلاح‌طلبی که به اصول باز می‌گردد»^{۳۰} (که در توصیف آقای موسوی به کار می‌رفت) اگر به مشابه آن در ادبیات سیاسی آمریکا ترجمه شود چیزی شبیه این عبارت می‌شود که بیش‌تر یک طنز است تا شعار سیاسی: «دموکرات جمهوری خواه!»

آقای موسوی پیش از انتخابات خود به این موضوع بارها اشاره کرده‌اند:

«جامعه ما در متن خود به اصول‌گرا و اصلاح‌طلب تقسیم نمی‌شود و اصرار نیروهای سیاسی به سرایت دادن تفرقه خویش به جامعه کمکی به حفظ وحدت و پای‌داری مردم در شرایط سخت نمی‌کند.» [۱۹]، «جامعه ما در ارتباط با چنین شعارهای

^{۲۹} اگر چنین اتفاقاتی را نادر بدانیم قانداً باید قسمت‌های زیادی از فصل مربوط به «تطمیع و خرید رأی» در «گزارش تفصیلی کمیته صیانت از آراء مهندس میرحسین موسوی» را نیز بی‌مورد بدانیم. از مواردی که در این فصل موجب افزایش آراء آقای احمدی‌نژاد شمرده شده این‌هاست: «پرداخت سود سهام عدالت، پرداخت اضافه حقوق‌های ناشی از قانون مدیریت خدمات کشوری، اعمال افزایش حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی، توزیع سیب‌زمینی مجانی در نقاط مختلف کشور و...» اگر احتمال می‌دهیم رأی در صدی از مردم با دریافت چند کیلو سیب‌زمینی مجانی تغییر کرده باید محتمل بدانیم که موارد برجسته‌تر دیگری که در کارنامه رئیس‌جمهور آمده اثراتی شدیدتر داشته باشد. البته من شخصاً چنین تصویری در مورد مردم ندارم که رأی‌شان تابع چند کیلو سیب‌زمینی باشد!

^{۳۰} آقای موسوی در نامه‌ای به آقای سیدمحمد خاتمی در سال ۱۳۸۷ می‌نویسد «خود می‌دانید که این‌جانب چون شما، راه درست را اصلاحات همراه بازگشت به اصول، و نیز پیرایش و نوزایی در این مسیر تلقی می‌کنم.»

اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی یک چهره ژانوسی دارد به این معنا که جامعه در خرد و عقل جمعی خود هم اصلاح‌طلب است و هم اصول‌گرا است. آنچه در سطح مبارزات سیاسی متضاد و معارض یک‌دیگر دیده می‌شود، در دید مردم دو سر یک مجسمه یا دو سوی یک سکه تلقی می‌شوند... ما ده‌ها مسأله دیگر نیز به همین ترتیب می‌توانیم پیدا کنیم که ظاهراً در کلیشه‌هایی که از اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی ساخته شده محبوس هستند و متناقض و غیرقابل جمع به نظر می‌آیند ولی در نظر مردم عادی و جامعه کشورمان تضاد و تناقضی با هم ندارند و می‌توان آن‌ها را در کنار هم قرار داد. هم اصول‌گرا بود و هم اصلاح‌طلب.» [۲۰]

تجربه محدود من نیز حاکی از این است که در بین اکثریت جامعه ما این تقسیم‌بندی سیاسی معیار انتخاب یک رئیس‌جمهور نیست و سؤال «به اصلاح‌طلب‌ها رأی می‌دهی یا اصول‌گراها؟» برایشان بی‌معنی است. ما نباید جامعه را با فضای محدود و خاص دانش‌گاهی یا مطبوعاتی یک‌سان فرض کنیم. از این نکته که بگذریم در چنین تحلیل‌هایی، که الگو گرفته از انتخابات حزبی آمریکاست، لازم است در مورد هر نامزدی مشخص شود که اصول‌گراست یا اصلاح‌طلب. پیش‌فرض ناگفته همه این تحلیل‌ها این است که ما باید شعارهای اصول‌گرایانه آقای موسوی را نادیده بگیریم و او را اصلاح‌طلب بدانیم، شاید با این توجیه که ایشان مورد حمایت آقای سیدمحمد خاتمی واقع شدند. ولی در مواردی مشکل شدیدتر است. در مورد آقای هاشمی‌رفسنجانی چه باید گفت؟ آیا باید با توجه به تخریب‌های ایشان توسط نویسندگان مشهور به اصلاح‌طلبی، در سال‌های بعد از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، ایشان را خارج از دایره اصلاح‌طلبان بدانیم یا با توجه به حمایت‌های اصلاح‌طلبان در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۴ باید ایشان را اصلاح‌طلب دانست؟!

در مقاله «بررسی تحلیلی انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ ایران و احتمال تقلب در آن» در توجیه نموداری که توصیف‌کننده گرایش مردم استان‌ها به دو طیف اصلاح‌طلب و اصول‌گرا در دو انتخابات اخیر است، آمده است:

«[در این نمودار] رأی آقای هاشمی‌رفسنجانی در سال ۸۴ جزو رأی اصول‌گرایان نیامده است، زیرا ایشان یک میانه‌رو دانسته می‌شود. اما احتمال دارد که بسیاری از اصول‌گرایان نیز در آن سال به ایشان رأی داده باشند. با این حال افزودن تمام رأی هاشمی نیز به وضوح اشتباه است زیرا بسیاری از اصلاح‌طلبان نیز به ایشان رأی می‌دهند. این مسأله وضعیت را کمی پیچیده‌تر می‌کند. با این حال از آن‌جا که در سال ۸۴ هاشمی رقیب احمدی‌نژاد (در دور اول و دوم) و در سال ۸۸ حامی رقیب وی و آماج حملات وی بود احتمالاً تعداد کسانی که ممکن است در سال ۸۴ به هاشمی و در سال ۸۸ به احمدی‌نژاد رأی داده باشند چندان زیاد نیست و در نتیجه آن دسته از آراء هاشمی که از جانب اصول‌گرایان تأمین شده بود سهم بالای اصول‌گرایان در سال ۸۸ را توجیه نمی‌کند. به عبارت دیگر چون بخش زیادی از آراء این گروه احتمالاً در محور عمودی شمرده نشده‌اند، می‌توان در محور افقی نیز با اغماض آن‌ها را نادیده گرفت.» [۱۱]

به عقیده من چنین استدلال‌هایی بسیار سست و در بسیاری از موارد متناقض است. آیا این مطالب ظنی می‌تواند مبنای اثبات تقلب باشد؟ بحث اصلاً این نیست که آقای هاشمی‌رفسنجانی آیا واقعاً اصول‌گرا هستند یا اصلاح‌طلب. بحث این است که آیا این تقسیم‌بندی آن‌قدر بامعنی و روشن است که مبنای تصمیم مردم در انتخابات باشد؟ و حتی اگر فرض کنیم که این تقسیم‌بندی‌ها بامعنی است، آیا مبنای تصمیم‌گیری اکثریت مردم این قبیل چیزها است؟ آیا هر کس که به آقای سیدمحمد خاتمی، به عنوان نماد اصلاح‌طلبی نزد گروهی از مردم، علاقه‌مند است به احتمال زیاد طرفدار آقای هاشمی‌رفسنجانی است و یا به احتمال زیاد ایشان است؟!^{۳۱} آیا اگر کسی در سال ۱۳۸۴ آقای هاشمی‌رفسنجانی را به آقای احمدی‌نژاد ترجیح داد در سال ۱۳۸۸ به احتمال زیاد آقای موسوی را هم به آقای احمدی‌نژاد ترجیح می‌دهد؟ آیا اگر کسی در سال ۱۳۸۴ به آقای کروبی رأی داد در ذهنش این بود که به «شیخ اصلاحات» رأی داده یا به کسی که قرار است «به هر ایرانی بالای ۱۸ سال ماهانه پنجاه هزار تومان بدهد»؟ آیا ممکن نیست کسی که در سال ۱۳۸۴ از بین آقایان هاشمی‌رفسنجانی و احمدی‌نژاد به کسی که می‌شناخته رأی داده، در سال ۱۳۸۸ به کسی رأی داده باشد که هم می‌شناخته و هم، برای حل مشکلات مردم، به بسیاری از نقاط دورافتاده کشور سفر کرده است؟ شاید شما معتقد باشید که مثلاً این سفرها بی‌ارزش بوده است ولی آیا لزومی دارد که اکثریت مانند شما فکر کنند؟

^{۳۱} گفتنی است که در سال ۱۳۸۴ نامزد مورد حمایت آقای سیدمحمد خاتمی، دکتر مصطفی معین، تنها موفق به کسب ۴ میلیون رأی (کم‌تر از ۱۴ درصد کل آراء) شد و در رتبه پنجم قرار گرفت.

خلاصه این که به عقیده من شاید این گونه تحلیل‌ها در انتخابات آمریکا معنی‌دار و روشن‌گر باشد ولی در انتخابات ایران بی‌معنی و گمراه‌کننده است.

کدهای ملی ثبت‌شده در اینترنت

در نتایج اعلام‌شده تعداد آراء آقایان رضایی و کروی آن قدر کم بود که خود یا طرفداران آن‌ها روشی خاص برای اثبات نادرست بودن نتایج رسمی به کار بردند؛ ثبت‌نام اینترنتی! هواداران آقای رضایی در سایت «ثبت‌نام رأی‌دهندگان به محسن رضایی» آدرس www.nazarsanji.ws و هواداران آقای کروی در آدرس www.campaign88.com/register.php (در این لحظه ظاهراً از بین رفته است!) به جمع‌آوری اطلاعات کسانی پرداختند که ادعا می‌کردند به این نام‌زدها رأی داده‌اند. پس از مدتی سایت تابناک، وابسته به آقای رضایی، چنین گزارش داد:

«به نوشته خبر، پس از آن که محسن رضایی اعلام کرد مستنداتی در مورد کدهای ملی شهروندان ایرانی دارد که حکایت از آراء سه و نیم میلیونی او دارد، خبرنگار انتخاب به نقل از یک منبع نزدیک به او به اطلاعات تازه‌ای دست پیدا کرد. این منبع مطلع گفت: محسن رضایی تا بعد از ظهر روز گذشته موفق به جمع‌آوری اطلاعاتی شده که حکایت از آن دارد که ۹۰۰ هزار ایرانی (با استناد به کدملی) تأیید کرده‌اند که به محسن رضایی رأی داده‌اند. این در حالی است که آراء محسن رضایی کم‌تر از ۶۵۰ هزار از سوی وزارت کشور اعلام شده است.» [۲۱]

در همین راستا آقای دانشجو، رئیس ستاد انتخابات کشور، چنین گفت:

«ما به شعب اخذ رأی‌مان اطمینان کامل داریم و هر شعبه‌ای را بخواهند می‌توانند برای بازشماری اعلام کنند و این که برخی بیان می‌کنند که ما کد ملی افرادی را که به ما رأی داده‌اند را در اختیار داریم باید گفت: مشخصات بر روی بخش انتهایی برگه رأی که نام فرد نام‌زد بر روی آن نوشته و به صندوق انداخته می‌شود دارای هیچ نشانه و یا شاخصه‌ای نیست که اساساً نشان‌دهنده رأی برای فردی خاص باشد و این نکته تناسبی با داشتن شماره ملی افراد رأی‌دهنده ندارند اما افراد می‌توانند با توجه به ریز آراء هر یک از صندوق‌ها از شورای نگهبان بخواهند با حضور نماینده‌شان بار دیگر موضوع مورد بررسی قرار گیرد.» [۲۲]

به عقیده من بسیار طبیعی است که علاوه بر کسانی که به آقای رضایی رأی داده‌اند، برخی از مخالفان آقای احمدی‌نژاد، هر چند به آقای رضایی رأی نداده باشند، نام و کد ملی خود را در سایت ثبت کنند و واضح است که تفکیک این افراد ممکن نیست. پس با استناد به چنین عددی نمی‌توان نتیجه انتخابات را زیر سؤال برد؛ آقای رضایی چه‌گونه می‌تواند ثابت کند که حتی یک فرد خاص از آن ۹۰۰ هزار نفر واقعاً به او رأی داده است؟ تنها استفاده منطقی از چنین داده‌هایی این بود که با مقایسه آن‌ها با نتایج رسمی، شهرستان‌هایی کشف شود که آمار رسمی کم‌تر از آمار ناشی از سایت ایشان است و در نهایت بررسی مجدد صندوق‌های آن شهرستان‌ها مشخص کند که آیا نتایج رسمی نادرست است یا اطلاعات ناشی از سایت ایشان.

شمارش خیابانی در راه‌پیمایی دوشنبه ۲۵ خرداد

دو روز بعد از اعلام رسمی نتایج انتخابات به دعوت آقایان موسوی و کروی بود تجمعی در تهران در اعتراض به آن‌چه رخ داده بود تشکیل شد. محل رسمی این تجمع از میدان انقلاب تا میدان آزادی بود. پس از این برنامه برخی با میلیونی شمردن تعداد شرکت‌کنندگان ادعا کردند که این جمعیت اثبات می‌کنند که نتایج رسمی قطعاً تقلبی است و آراء آقای موسوی بسیار بیش‌تر است. برای بررسی درستی این ادعا لازم است تخمینی از تعداد راه‌پیمایان روز دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ به دست آوریم.

دکتر احمد شیرزاد^{۳۲} در ژوئن سال ۲۰۰۷ میلادی (۱۳۸۶)، یعنی دو سال قبل از انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری، در وب‌لاگش مطلبی با عنوان «بیش‌انگاری تعداد شرکت‌کنندگان در تجمعات» نوشت تا نشان دهند که جمعیتی که در تظاهرات یا در مراسم نماز جمعه شرکت می‌کنند آن‌قدرها که تبلیغ می‌شود زیاد نیست:

^{۳۲} استاد فیزیک دانشگاه صنعتی اصفهان، نماینده اصلاح‌طلبان در مجلس ششم و یکی از مخالفان آقای احمدی‌نژاد

«در شهری، بنا بر برنامه‌ای،... اجتماعی تشکیل می‌شود. هدف برگزارکنندگان آن است که مراسم‌شان هر چه بزرگ‌تر و باشکوه‌تر برگزار شود و در فضای اجتماعی و در سطح رسانه‌ها تا جایی که ممکن است طنین گسترده‌تری یابد. هر یک نفری که به جمع اجابت‌کنندگان دعوت‌شان افزوده شود آن‌ها خوشحال‌تر می‌شوند و تلاش می‌کنند عدد شرکت‌کنندگان تا جایی که قابل‌تصور است بزرگ‌تر گزارش شود. فرقی نمی‌کند اجتماع تشکیل شده مربوط به گردهم‌آیی‌های قبل از انقلاب باشد یا تجمعات بعد از انقلاب، مراسم نماز جمعه باشد یا میتینگ سیاسی یک گروه مخالف انقلاب، مراسم خاصی از طرف اصول‌گرایان باشد یا اصلاح‌طلبان،... مراسم و گردهم‌آیی مربوط به هر چه و هر که باشد، یک سؤال اساسی آن است که چه تعداد در آن شرکت کرده‌اند... مسأله تخمین جمعیتی که در مراسم گوناگون سیاسی شرکت دارند از دیرباز دست‌خوش اشتباهی رایج است که قریب به سه دهه قدمت دارد. یک بررسی ساده نشان می‌دهد که چشم‌ناظرین معمولی غالباً با نگاه اولیبه، جمعیت‌های با تعداد حدود ۵۰ نفر و کم‌تر را می‌توانند شمارش سریع کنند و با تقریب نسبتاً خوبی تعداد را حدس بزنند. اما اغلب وقتی تعداد از ۱۰۰ نفر تجاوز کند چشم کسانی که تجربه و دقت خاصی در شمارش و تخمین تعداد جمعیت‌ها ندارند، آن‌ها را در یک کلمه «زیاد» یا «کثیر» می‌دانند... حتی گاهی کسانی که خودشان هم در مراسم شرکت داشته‌اند، ممکن است آن‌چنان ابهت جمعیت آن‌ها را گرفته باشد که تخمینی بسیار بالاتر نیز داشته باشند. این مشکل با پدیده اجتماعی دیگری که متأسفانه در جامعه ما ریشه‌دار است و اکنون نمی‌خواهم به آن بپردازم نیز تشدید می‌شود و آن به قول بچه‌ها کیلویی حرف زدن است، به این معنا که افراد چندان عادت ندارند با عدد و رقم و بر حسب اعداد و مقادیر نسبتاً مطمئن سخن بگویند. آن‌ها بیش‌تر احساسشان را از کثرت‌ها و قلت‌ها بیان می‌کنند بدون آن‌که چندان به محک و متر سنجش‌شان توجه داشته باشند، بگذریم. در هر حال اگر کسی بخواهد از تعداد افراد شرکت‌کننده در یک اجتماع تخمین مناسبی داشته باشد به‌ترین راه این است که سعی کند سنجش مناسبی روی طول و عرض مکانی که برنامه در آن برگزار شده است و درصدی از سطح آن [قسمتی] که از جمعیت پوشیده شده است داشته باشد. سپس باید تخمینی از میزان فشردگی جمعیت داشته باشد و به این سؤال جواب دهد که در هر مترمربع به طور میانگین چند نفر قرار گرفته‌اند.» [۲۳]

دکتر شیرزاد در ادامه سعی می‌کند تخمین‌هایی به دست ما بدهند تا بتوانیم در مواقع لازم تعداد افراد را محاسبه کنیم:

«در اغلب موارد و برای فشردگی‌های نسبتاً معمولی، در هر مترمربع به طور متوسط یک نفر قرار می‌گیرد. برای جمعیتی که روی زمین نشسته‌اند و آن را کاملاً فرش کرده‌اند این تقریب نسبتاً خوبی است. اگر جمعیت در صفوف نماز قرار گرفته باشند تراکم از این کم‌تر است و به طور میانگین هر نفر در ۱.۲ تا ۱.۵ مترمربع جا می‌گیرد. برای جمعیت در حال راه رفتن با توجه به دامنه حرکت پاها نیز تراکم از یک نفر در مترمربع کم‌تر است. جمعیت‌های شرکت‌کننده در میتینگ‌ها و اجتماعات ایستاده وقتی کاملاً به هم فشرده شوند و امکان تکان خوردن نداشته باشند تراکم بیش‌تری دارند و در فشرده‌ترین شرایط ممکن است در یک مترمربع دو نفر جای گیرند. در کشور ما اگر دقت کرده باشید در اغلب اجتماعات، شرکت‌کنندگان در حرکت دائمی‌اند و در یک‌جا نمی‌ایستند. به هر طرف که نگاه کنی کسانی در جهات مختلف در حال حرکتند و اغلب تراکم بسیار پایین است. اما این نکته‌ای است که فقط اگر تصویر از بالای سر شرکت‌کنندگان گرفته شود قابل تشخیص خواهد بود.» [۲۳]

بد نیست همین‌جا به نکته‌ای اشاره کنم. فاصله دو صف در نماز جماعت، طبق مشاهدات من، حدود ۱.۱ متر است و در نتیجه در صورتی تراکم نمازگزاران برابر یک نفر در ۱.۲ مترمربع می‌شود که فاصله دو نمازگزار مجاور تقریباً ۱.۱ متر باشد و در صورتی تراکم نمازگزاران برابر یک نفر در ۱.۵ مترمربع می‌شود که فاصله دو نمازگزار مجاور تقریباً ۱.۴ متر باشد. با فاصله ۱.۱ متر اتصال شرعی محل اشکال است و با فاصله ۱.۴ متر اتصال شرعی به‌وضوح برقرار نیست! این نشان می‌دهد که حتی یک استاد فیزیک هم اگر نسبت به مسأله‌ای دید منفی داشته باشد، این دید منفی ممکن است علم و تخصصش را تحت تأثیر قرار دهد.^{۳۳}

ایشان در ادامه می‌گویند:

^{۳۳} در حالتی که صفوف نماز فشرده باشد هر نمازگزار در یک جانماز می‌ایستد. مساحت جانمازهای مختلف متفاوت است ولی مساحت دو تایی که من در منزل دارم ۰.۵۷ مترمربع و ۰.۷۵ مترمربع است و این یعنی تراکم نمازگزارانی که با جانمازهای خود زمین را فرش کرده‌اند دست‌کم یک و نیم نفر در هر مترمربع است.

«در یک جمع‌بندی کلی لازم است به نتیجه‌گیری‌های سیاسی از سوی افرادی که چندان به شمارش و سنجش دقیق اعتقادی ندارند اشاره کرد، که در اغلب موارد با «بیش‌انگاری» تعداد شرکت‌کنندگان در مراسم خاص درباره نظر مردم قضاوت‌های دور از واقع دارند. تخمین درست نفرت در بسیاری از موارد ناقض ادعاهای کلی اصحاب ادعاست.» [۲۳]

خلاصه این که به عقیده دکتر شیرزاد برای محاسبه جمعیت‌ها تراکم یک نفر در یک مترمربع تخمین مناسبی است. در حالتی که افراد راه می‌روند تراکم از این هم کم‌تر است و در فشرده‌ترین حالت، که مردم امکان تکان خوردن نداشته باشند، ممکن است دو نفر در یک مترمربع جا شوند.

دو سال بعد دکتر شیرزاد، پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، در وب‌لاگش مشاهدات خود از راه‌پیمایی دوشنبه ۲۵ خرداد را چنین بیان می‌کنند:

«ساعت ۴ در یکی از خیابان‌های منتهی به خیابان آزادی ماشین را پارک کردم. به همراه هم‌سرم راه افتادیم به سمت میدان انقلاب. هر چه می‌گذشت جمعیت متراکم‌تر می‌شد. از هر خیابان فرعی جوی‌باری از جمعیت به سمت خیابان آزادی جریان داشت و سیلی عظیم را رقم می‌زد... با هم‌سرم دوش به دوش و دست به دست راه می‌رفتیم و دستان دیگرمان علامت پیروزی را بر فراز سرهایمان بالا برده بود. موجی از نشاط سیاسی خیابان آزادی را در برگرفته بود. چهره‌های غم‌زده‌ای که از بعد از ظهر جمعه ۲۲ خرداد بر اثر ضربات پیاپی کودتا درهم کشیده شده بود، با دیدن یک‌دیگر و با اشاره علامت پیروزی به هم لبخند می‌زدند و شاد می‌شدند. راه‌پیمایی در اصل از میدان انقلاب به سمت میدان آزادی بود. منطقه‌ای در حدود ۲ کیلومتر اطراف میدان انقلاب منطقه تجمع و شکل‌گیری جمعیت بود و افواج مردمی از آن‌جا به سمت آزادی به راه می‌افتاد. آن‌طور که می‌گفتند جریان راه‌پیمایان از شرق تا میدان فردوسی و با تراکم کم‌تر تا میدان امام حسین و از غرب تا میدان آزادی گسترده بود. راه‌پیمایی از ۴ بعد از ظهر اعلام شده بود اما تا ۷ شب نیز هم‌چنان سمت و سوی حرکت از پیرامون خیابان آزادی به سمت آن بود... در ابتدا از غرب به شرق راه رفتیم تا به موج اصلی جمعیت برسیم که از شرق به غرب می‌آمد. حدود ۵ بعد از ظهر حوالی وزارت کار به آن موج رسیدیم. آن موج که آمد تمام سطح خیابان از جمعیت فرش شد... جمعیت عمدتاً آرام بودند و شعار نمی‌دادند. گفته می‌شد که میرحسین از مردم درخواست کرده که فقط آرام پیاده‌روی کنند. اما این قاعده در سرتاسر برنامه نبود. در بخش‌هایی از جمعیت، گاه امواج ده‌ها هزار نفری را می‌دیدید که یک‌پارچه شعار می‌دادند. شعارهایی که کتاب‌ها معنی پشت سر برخی از آن‌ها بود، با زبانی شیوا، ساده و گاه مطالبه‌آمیز: «رای ما رو دزدیدن، دارن باهات پز می‌دن»، «دروغ‌گو، دروغ‌گو، ۶۳ درصد کو؟»، «... راه‌پیمایان به حوالی دانش‌گاه صنعتی شریف که رسیدند دیگر تراکم جمعیت به حد اعلای رسیده بود. سر جمعیت در میدان آزادی قرار داشت و انتهای آن تا میدان انقلاب و با تراکم کم‌تر تا میدان فردوسی ادامه داشت. من قبلاً که چند بار در سال‌های اخیر در راه‌پیمایی‌های سال‌گرد انقلاب شرکت کرده بودم، با یک حساب سرانگشتی تعداد راه‌پیمایان مراسم ۲۲ بهمن را که با جمعیتی غیرمتراکم از ضلع شرقی میدان آزادی تا حوالی میدان انقلاب را در بر می‌گیرند حدود ۳۰۰ هزار نفر تخمین می‌زدم. این رقم با تخمین مسافت حدود ۶ کیلومتری مسیر با عرض مفید حدود ۵۰ متر و با تراکم خوش‌بینانه یک نفر در مترمربع به دست می‌آید. در راه‌پیمایی مردمی دوشنبه ۲۵ خرداد ماه تراکم از حدود تقاطع جیحون تا میدان آزادی به چهار نفر در مترمربع می‌رسید، یعنی جمعیت نمی‌توانست به راحتی قدم بردارد. دنباله جمعیت نیز به میدان فردوسی می‌رسید. تمام خیابان‌های منشعب از خیابان آزادی نیز تا عمق حدود یک‌صد متری مملو از جمعیت انبوه بود. بر این میزان نیز باید افزود جمعیت کثیری که در ترافیک خیابان‌ها گیر کرده بودند و نمی‌توانستند خود را به راه‌پیمایی برسانند... بر مبنای این محاسبات به راستی جمعیت یک میلیون شرکت‌کننده در راه‌پیمایی کاملاً به دور از اغراق است. در این محاسبه این نکته را نیز باید در نظر گرفت که در نهایت برای راه‌پیمایی مجوز صادر نشده بود و شاید بسیاری نسبت به شرکت در آن دچار تردید شده بودند.» [۲۴]

هدفم از نقل نسبتاً کامل گزارش ایشان این است که نشان دهم حتی یک استاد فیزیک، که با تخمین به شکل علمی برخورد می‌کند، تا چه حد ممکن است نظرات علمی‌اش متأثر از هیجان‌ها و خواسته‌های درونی‌اش باشد. ایشان به وضوح می‌گویند که جمعیت در حال حرکت بودند و در حالی که دو سال قبل معتقد بودند تراکم چنین جمعیتی کم‌تر از یک نفر در مترمربع است و تراکم یک جمعیت متراکم که امکان تکان خوردن نداشته باشند بیش از دو نفر در مترمربع نیست، ظاهراً همه این نظرات را فراموش می‌کنند و تراکم جمعیتی را که قدم برمی‌داشتند، البته به سختی، را چهار نفر در مترمربع تخمین می‌زنند!

دکتر شیرزاد برای تخمین زدن محدوده راه‌پیمایی به کرات به نقل قول دیگران استناد می‌کنند و آن‌ها را طوری بیان می‌کنند که گویا خود شاهد مستقیم جزئیات ذکر شده بوده‌اند. به عنوان مثال می‌گویند «سر جمعیت در میدان آزادی قرار داشت و انتهای آن تا میدان انقلاب و با تراکم کم‌تر تا میدان فردوسی ادامه داشت.» آیا کسی که در خیابان آزادی است می‌تواند چنین اتفاقی را مشاهده کند و چشمش جمعیت را از طرفی تا میدان آزادی و از طرف دیگر تا میدان فردوسی ببیند؟! و آیا اظهار نظر فرد دیگری که یک ساعت قبل در میدان انقلاب بوده و می‌گوید جمعیت تا میدان فردوسی ادامه دارد را می‌توان معتبر دانست و نتیجه گرفت که در این لحظه که سر جمعیت در میدان آزادی است انتهای آن به میدان فردوسی می‌رسد؟ واضح است که نه!

اکنون می‌خواهم با روش علمی تعداد افراد شرکت‌کننده در این راه‌پیمایی را تخمین بزنم. قبل از این کار بد نیست به این نکته اشاره کنم که روزنامه اعتماد ملی، همان روزها، به نقل از یک نماینده اصول‌گرای مجلس، بدون ذکر نام، نوشت که محمداقبر قالیباف، شهردار تهران، در گزارشی که در جلسه غیرعلنی مجلس قرائت شده اعلام کرده که بر اساس محاسبات انجام‌شده توسط شهرداری تعداد حاضران در راه‌پیمایی بیش از ۳ میلیون نفر برآورد می‌شود. [۲۵] البته روز سی خرداد ۱۳۸۸، خبرگزاری فارس اعلام کرد که روابط عمومی شهرداری تهران هرگونه گزارش توسط آقای قالیباف به مجلس درباره این تظاهرات را تکذیب کرده است. [۲۶]

به نظر من به دلایلی گزارش یادشده مشکوک است ولی در هر صورت با انجام محاسبات، امکان درستی چنین تخمینی را نیز بررسی خواهم کرد. برای این کار باید اولاً مساحت محدوده حضور مردم را بفهمیم و ثانیاً تراکم مردم در نقاط مختلف را در یک بازه زمانی مشخص تخمین بزنیم. برای محاسبه مساحت یک خیابان می‌توان طول آن را با کمک نقشه و عرض آن را با مشاهده حضوری و یا با استفاده از عکس‌های هوایی به دست آورد. من این کارها را انجام داده‌ام و نتایج را در جدول زیر خلاصه کرده‌ام. لازم به ذکر است که اعدادی که دکتر شیرزاد در مورد خیابان آزادی گفته‌اند ظاهراً ظنی است و با توجه به اندازه‌گیری‌های من دقیق نیست.^{۳۴} به عنوان مثال ایشان می‌گویند عرض مفید خیابان آزادی حدود ۵۰ متر است ولی با بررسی‌های من عرض این خیابان، با در نظر گرفتن همه قسمت‌ها حتی جوب‌ها، در قسمت‌های مختلف بین ۴۰ تا ۴۵ متر است. تخمین ۶ کیلومتر برای خیابان آزادی، آن هم از ضلع شرقی یعنی بدون در نظر گرفتن میدان آزادی، دقیق نیست. این فاصله، با در نظر گرفتن قطر میدان آزادی، از ۵.۲ کیلومتر بیش‌تر نیست. به‌علاوه در نظر گرفتن جمعیت‌هایی که در خیابان‌های منتهی به محل راه‌پیمایی دیده شده‌اند نیز نادرست است زیرا این افراد اکثراً در نهایت وارد محل اصلی راه‌پیمایی شده‌اند. دکتر شیرزاد که دو سال قبل معتقد بودند یکی از مشکلات جامعه ما اظهارنظر بدون استناد به مقادیر مطمئن است، خود برای به‌دست آوردن عدد یک میلیون از محاسبات نهایی صرف‌نظر کرده‌اند.

محدوده	غرب م. آزادی تا م. انقلاب	م. انقلاب تا م. فردوسی	م. فردوسی تا شرق م. امام حسین (ع)
طول	۵۲۰۰ متر	۲۵۰۰ متر	۲۷۰۰ متر
عرض	۴۵ متر	۳۰ متر	۳۰ متر
مساحت	۲۳۴۰۰۰ مترمربع	۷۵۰۰۰ مترمربع	۸۱۰۰۰ مترمربع

این سه ناحیه را از این جهت جداگانه در جدول آوردم که اولاً عرض خیابان‌ها را با دقت بیش‌تری محاسبه کنم و ثانیاً بتوانم در هر قسمت تراکم مناسبی را فرض کنم. اجازه دهید مقدمتاً ببینیم آیا ممکن است محتوای گزارشی که به آقای قالیباف نسبت داده‌اند راست باشد؟ جمع مساحت سه ناحیه ذکر شده در جدول ۳۹۰ هزار مترمربع است و در نتیجه اگر در این محدوده سه میلیون نفر جمع شوند تراکم از میدان آزادی تا میدان امام حسین (ع) باید تقریباً برابر ۷.۷ نفر در مترمربع باشد و اگر برای عرض بدن یک نفر نیم متر جا در نظر بگیریم، هر نفر باید در مستطیلی به طول نیم متر و عرض ۲۶ سانتی‌متر بگنجد!!

^{۳۴} من عرض خیابان آزادی (در تقاطع جیحون)، عرض خیابان انقلاب (در چهارراه ولی‌عصر (عج) و در نزدیکی میدان امام حسین (ع)) را شخصاً اندازه گرفتم. برای محاسبه طول خیابان‌ها ابتدا از نقشه‌های کاغذی استفاده کردم ولی متوجه شدم که متأسفانه این نقشه‌ها در مواردی تا ده درصد با هم اختلاف دارند! به همین دلیل از تصاویر هوایی سایت www.map.tehran.ir استفاده کردم. عرض و طول‌هایی که در جدول آمده بر مبنای اندازه‌گیری‌های واقعی و تصاویر این سایت است.

اگر در تمام این محدوده، یعنی از غرب میدان آزادی تا شرق میدان امام حسین (ع)، تراکم را ۴ نفر در مترمربع (!) فرض کنیم، که دکتر شیرزاد گفته‌اند چنین تراکمی از تقاطع جیحون تا میدان آزادی^{۳۵} وجود داشته است، جمعیت حدود یک میلیون و ششصد هزار نفر خواهد بود. این‌ها تخمین‌هایی است که به وضوح بسیار بیش‌تر از تعداد واقعی است.

ولی واقعاً چه‌گونه باید فهمید که تراکم در نقاط مختلف چه‌قدر بوده است. آیا می‌توان با استفاده از عکس‌های مربوط به آن روز این کار را انجام داد؟ این عکس‌ها به چند دلیل تراکم را بیش از آنی که بوده نمایش می‌دهند:

- عکس‌ها معمولاً ناحیه‌ای را برای گرفتن عکس انتخاب می‌کنند که از جمعیت پرتر باشد.
- عکس‌ها معمولاً تقریباً افقی گرفته می‌شوند و در چنین عکس‌هایی فضاهای خالی دیده نمی‌شود.
- عکاس در به معرض دید گذاشتن عکس‌های خود به‌ترین‌ها، در این‌جا یعنی پرتراکم‌ترها، را انتخاب می‌کند.^{۳۶}



تصویر روبه‌رو، که مربوط به همان روز است، را ببینید. جمعیت «موج می‌زند» ولی در قسمت‌هایی، مثلاً گوشه سمت راست-پایین، تراکم از یک نفر در مترمربع کم‌تر است. البته در قسمت‌هایی هم تراکم از یک نفر در متر مربع بیش‌تر است. [۲۷]

تصویر دوم از زاویه‌ای گرفته شده است که هر چند عمق جمعیت را نشان می‌دهد ولی کم‌تراکم بودن جمعیت را در قسمت‌هایی نیز به

تصویر کشیده است. عکاسی که آن پایین، داخل جمعیت است می‌تواند از زاویه‌ای عکس بگیرد که نتیجه چیزی تقریباً مشابه عکس قبلی باشد. [۲۸]

دکتر شیرزاد، البته در سال ۱۳۸۶، همین موضوع را به‌خوبی توضیح می‌دهند:

«در اغلب موارد که دوربین صدا و سیما از ارتفاع چند متری تصویر برمی‌دارد امکان تشخیص تراکم جمعیت دشوار است و در تصویر درهم‌رفته‌ای که دیده می‌شود همه‌جا پر از آدم به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر فضای خالی بین افراد با تصاویری که از آن‌ها گرفته می‌شود پوشانده می‌شود. هنر تصویربرداران نیز مهم است. آن‌ها می‌توانند از اجتماعاتی که می‌خواهند تعداد آن‌ها زیاد نشان داده شود زوایایی را انتخاب کنند که جمعیت کاملاً متراکم باشد.» [۲۳]

در نهایت اگر بخواهم تخمینی دست بالا ولی واقع‌بینانه‌تر ارائه کنم، با توجه به این‌که هر چه تصویر از آن روز در اینترنت دیده‌ام مربوط به خیابان آزادی است، برای این محدوده تراکم دو نفر در مترمربع و برای میدان انقلاب تا میدان امام حسین (ع) تراکم یک نفر در مترمربع را در نظر می‌گیرم که البته تصور من این است که تراکم کم‌تر از این مقادیر بوده است.



^{۳۵} فاصله تقاطع جیحون تا میدان آزادی تقریباً دو کیلومتر است.

^{۳۶} مشکل دیگر، استفاده از فوتوشاپ است که در مواردی نیز به‌سختی قابل کشف و یا اثبات است. شخصاً در مورد راه‌پیمایی دوشنبه ۲۵ خرداد تصاویری دست‌کاری شده دیده‌ام که در آن‌ها جمعیت، تا چشم کار می‌کند، آن‌چنان روی سر و کول هم سوار شده‌اند که مترو چنین تراکمی به خود ندیده است!

نتیجه این خواهد بود: حداکثر ۶۲۴ هزار نفر در آن روز راه‌پیمایی کردند. البته اگر بخواهیم نظرات دکتر شیرزاد در سال ۱۳۸۶ را معیار قرار دهیم باید بگوییم چون جمعیت در حال حرکت بوده است پس تراکم به یک نفر در مترمربع هم نمی‌رسیده و نتیجه آن این است که بگوییم جمعیت در آن روز، حتی اگر از میدان امام حسین (ع) تا میدان آزادی گسترده بوده باشد، کم‌تر از ۳۹۰ هزار نفر بوده است. من اصرار چندانی در مورد درستی یا نادرستی این تخمین‌ها ندارم؛ شما خود، بر مبنای اطلاعاتی که دارید، تراکم جمعیت در این مناطق را مشخص کنید و با استفاده از جدولی که مشخص‌کننده مساحت‌ها است جمعیت را به دست آورید.

اکنون باید به سؤالی دیگر پاسخ دهیم. چه جمعیتی باید در آن راه‌پیمایی شرکت می‌کرد تا نشان دهد که نتایج اعلام‌شده توسط وزارت کشور در مورد شهر تهران پذیرفتنی نیست؟

طبق آمارهای موجود جمعیت شهر تهران تقریباً ۷.۹۸ میلیون نفر است که در انتخابات ریاست‌جمهوری دهم تقریباً ۶.۰۴ میلیون آن‌ها واجد شرایط شرکت در انتخابات بوده‌اند.

طبق نتایج رسمی، مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری دهم در شهر تهران حدود ۶۹.۲ درصد بوده است؛ از واجدین شرایط ۴.۱۸ میلیون شرکت کردند و ۱.۸۶ میلیون در انتخابات شرکت نکردند. طبق همین نتایج ۲۱۶۶۲۴۵ نفر به آقای موسوی رأی دادند و ۲۰۳۰۸۸ به آقایان رضایی و کروبی.

در راه‌پیمایی موردبحث چه کسانی ممکن است شرکت کرده باشند؟ در درجه اول کسانی که به آقای موسوی رأی داده‌اند. در درجه دوم کسانی که به دو نامزد دیگر رأی داده‌اند و در درجه سوم کسانی که رأی نداده‌اند؛ انگیزه دو گروه آخر این است که احتمالاً با دولت بر سر کار آمده موافق نیستند و به‌علاوه به آن‌ها این‌طور گفته شده که در انتخابات تقلب شده است. همه این افراد روی هم بیش از ۴.۲ میلیون نفر می‌شوند. البته می‌توان گفت سال‌خورده‌گان به احتمال زیاد در راه‌پیمایی شرکت نکرده‌اند ولی در مقابل ممکن است نوجوانانی که حق رأی نداشته‌اند به دنبال خانواده خود در این برنامه شرکت کرده باشند. یعنی در نگاهی سخت‌گیرانه اگر جمعیت معترضان به ۴ میلیون هم می‌رسید با فرض درستی نتایج قابل توجیه می‌بود.

ولی واقعاً نیازی به این سخت‌گیری‌ها نیست؛ تعداد رأی‌دهندگان به آقای موسوی در شهر تهران، طبق آمار رسمی ۲.۱ میلیون نفر است و در محاسبات قبلی دیدیم که جمعیت شرکت‌کننده در راه‌پیمایی دوشنبه ۲۵ خرداد قطعاً کم‌تر از یک‌سوم این عدد بوده است. در انتها بد نیست به دو اظهارنظر متفاوت اشاره کنم. در ۲۶ آبان ۱۳۸۸ آقای سیدمحمد خاتمی در دیدار با جمعی از دانش‌جویان دانشگاه‌های تهران در مورد راه‌پیمایی ۲۵ خرداد گفت:

«مردم سالم‌ترین و نجیبانه‌ترین حرکت را از خود نشان دادند که نشانه بلوغ در رشد این ملت است، صدها هزار نفر از مردم بسیار آرام و بدون سامان‌دهی آمدند و اعتراض ساده‌ای کردند.» [۲۹]

خبرگزاری آلمانی دویچه‌وله، خبر راه‌پیمایی دوشنبه ۲۵ خرداد را چنین منعکس کرد:

«تجمع مسالمت‌آمیز معترضان به نتایج انتخابات، با شرکت صدها هزار نفر از مردم تهران برگزار شد. میرحسین موسوی، مهدی کروبی و محمد خاتمی در این تظاهرات حضور داشتند.» [۳۰]

تخمین «صدها هزار نفر» با اعدادی که محاسبات به ما نشان داد سازگار است. البته ناگفته نماند که این راه‌پیمایی واقعاً یک راه‌پیمایی بزرگ بوده است ولی نه آن‌قدر بزرگ که، صرف‌نظر از قضاوت‌های احساسی، بتواند نتایج انتخابات را اندکی زیر سؤال ببرد. به‌علاوه بحث بر سر این نیست که در مقام پاسخ‌گویی به ابهامات، این جمعیت کم هستند که برعکس، به عقیده من، سؤالات و ابهامات منطقی جمعیتی بسیار کم‌تر از این هم باید با متانت پاسخ داده شود.

در پایان به این هم توجه کنید که اگر واقعاً دو میلیون نفر از کسانی که به آقای موسوی رأی داده بودند وارد خیابان‌ها می‌شدند چه اتفاقی در شهر تهران رخ می‌داد و وقتی جمعیت نیم میلیونی را بتوان سه میلیون نفر گزارش کرد آیا در این صورت نمی‌توان گفت ده میلیون نفر وارد خیابان‌ها شدند؟!

دلایل آماری ذکر شده در «گزارش کمیته صیانت از آراء مهندس میرحسین موسوی»

تا این جا به برخی از استدلال‌های آماری ذکر شده در «گزارش کمیته صیانت از آراء مهندس میرحسین موسوی» پاسخ داده‌ام. در ادامه به چند مورد دیگر نیز مختصراً می‌پردازم:

«وجود مغایرت در آمار ارائه‌شده استان‌های مختلف به تفکیک شهرستان و صندوق. یکی از روش‌ها، بررسی تطبیقی و توازن آمار ارائه‌شده از طرق مختلف است که از این روش معمولاً در مؤسسات مالی و حتی آمارگیری‌های اجتماعی برای کنترل پرسش‌نامه‌ها بهره‌گیری می‌شود. به‌طور مثال مؤسسات مالی در انتهای روز، سال و یا ماه برای بستن حساب‌ها نیازمند گرفتن تراز مالی و تطبیق فی‌مابین حساب‌های مختلف هستند به‌طوری‌که حتی یک ریال اختلاف فی‌مابین حساب‌ها کلیه عملیات مالی مجموعه را با خدشه مواجه می‌سازد. این موضوع به این دلیل اهمیت دارد که می‌بایست روایی آمار و اطلاعات ارائه‌شده از طرق مختلف تطبیق نماید. در بحث انتخابات نیز با عنایت به این که آمار ارائه‌شده در ترکیب‌های مختلفی حسب نیاز احصاء و ارائه شده است برای آزمون فرضیه روایی آمار و اطلاعات آراء هر یک از نام‌زدها آمار آراء مأخوذه استان‌های مختلف که از سوی وزارت کشور در دو طبقه‌بندی متفاوت ارائه شده است با یکدیگر تطبیق داده شده است. به گونه‌ای که آمار تفکیکی شهرستان‌های استان (ارائه‌شده در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۵ بر روی سایت رسمی وزارت کشور) با آمار تفکیکی صندوق‌ها (ارائه‌شده در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۲ بر روی سایت رسمی وزارت کشور) مقایسه شده است که متأسفانه در ۲۴ استان کشور آمار منتشره وزارت کشور دارای مغایرت می‌باشد. که این مغایرت آراء از یک رأی تا ۲۹ هزار رأی قابل مشاهده است. به نحوی که به نظر می‌رسد آراء تفکیکی شهرستان‌ها از مجموع آراء صندوق‌های آن شهرستان حاصل نشده است. این فرضیه وقتی قابلیت توجه بیشتری می‌یابد که آزمون فوق در تک تک شهرستان‌های هر یک از استان‌ها انجام می‌گیرد. نتایج آزمون فرضیه فوق در سطح شهرستان‌ها نیز نشان از مغایرت آماری آراء فوق در ۷۸ شهرستان کشور می‌باشد. مجموع آراء این شهرستان‌ها که عملاً از این روش خدشه‌دار بودنش به اثبات رسیده است، ۱۱۱۷۵۸۵۳ رأی می‌باشد.» [۸]

همان‌طور که گفته شده محاسبه اعداد و ارقام در حساب‌های مالی از راه‌های مختلف و مقایسه آن‌ها روشی مرسوم است ولی این ادعا که «یک ریال اختلاف فی‌مابین حساب‌ها کلیه عملیات مالی مجموعه را با خدشه مواجه می‌سازد» نادرست است. اصولاً در جمع‌آوری داده‌هایی که انسان در آن نقش دارد «اشتباهات انسانی» از مسائل طبیعی است؛ کسی که جداول مالی را پر می‌کند و یا نتایج صندوق‌ها را ثبت می‌کند ممکن است دچار اشتباهات کوچکی شود که از نتایج آن می‌تواند نااهم‌آهنگی بین داده‌ها باشد. در چنین مواردی افراد به دنبال اشتباهی می‌گردند که موجب اختلاف چند ریالی، و یا حتی بیش‌تر شده است نه این‌که از همان ابتدا حساب‌های مالی را ساختگی و تقلبی بدانند! اتفاقاً در مورد انتخابات اگر اعداد ساختگی باشند تولید سازگار آن‌ها بسیار ساده‌تر است. توجه کنید که در این انتخابات ۴۰ هزار صندوق وجود داشته و برای هر صندوق ۶ عدد ثبت شده است و وجود یک اشتباه در یکی از این اعداد موجب ناسازگاری در یک استان و در یک شهرستان می‌شده است؛ واقعاً اختلاف یک رأی را چه‌گونه باید توجیه کرد: تقلب در انتخابات یا اشتباه انسانی ناخواسته در ثبت یک رقم؟ نویسندگان این گزارش با کشف هر اشتباه در اعداد یک شهرستان کل آراء آن شهرستان را خدشه‌دار دانسته‌اند و از جمع کردن تعداد آراء مربوط به این ۷۸ شهرستان به عدد ۱۱ میلیون رسیده‌اند!

استدلال بعدی نیز جالب است:

«تمرکز آراء یک کاندیدا در استان‌های مشخص. اصولاً در پدیده‌های اجتماعی و آمارهای منطقی همه اعداد و ارقام می‌بایست از یک منطق تبعیت نمایند به‌نحوی که حتی در تحلیل‌های آماری مشاهدات عینی دور از منطق به دلیل استدلال فوق به عنوان مشاهدات عینی پرت از مجموعه آمارها خارج می‌شود. بر همین اساس تمرکز آراء یک کاندیدا در یک شهر، بخش و یا روستا به نوعی آن هم بدون دلایل کافی عملاً نشان از ابهام بسیار زیاد در آراء مورد نظر است. یکی از مهم‌ترین مصادیق این موضوع تمرکز آراء جناب آقای احمدی‌نژاد در صندوق‌های مشخص استان‌های مختلف کشور است که در ۳۰۷ صندوق رأی ایشان بالای ۹۹ درصد است که این موضوع مبین ریختن آراء یک‌نواخت به صورت کاملاً ناشیانه به صندوق‌ها است. تعداد صندوق‌هایی که آقای احمدی‌نژاد بالای ۹۵ درصد رأی دانسته است، ۲۲۳۳ صندوق معادل ۱۲۶۲۲۲۶ رأی است.» [۸]

البته هیچ چیز در این جهان از جمله پدیده‌های اجتماعی بی‌منطق نیست ولی لزومی ندارد هر کس بتواند به‌راحتی منطق آن را کشف کند. آن‌چه آماردان‌ها تحت عنوان داده پرت می‌شناسند عددی از یک مجموعه داده است که با اکثریت قریب به اتفاق داده‌های همان مجموعه ناسازگار است. در این صورت آماردان به این دلیل که احتمالاً این عدد بر اثر اشتباه در اندازه‌گیری، ثبت و یا موارد دیگر

تولید شده است آن را مشکوک قلمداد می‌کند و اگر امکان بررسی نباشد آن را حذف می‌کند. پس صندوقی که درصد آراء یک نامزد در آن بسیار زیاد است داده پرت محسوب نمی‌شود مگر این‌که در مواردی اندک چنین اتفاقی افتاده باشد و در مابقی موارد درصد آراء آن نامزد فاصله قابل ملاحظه با آن درصد بسیار زیاد داشته باشد. به‌طور خلاصه، این‌که یک نامزد در دو هزار صندوق و یا حتی در ده هزار صندوق بیش از ۹۹ درصد رأی داشته باشد به هیچ‌عنوان شاهدهی برای تقلب نیست بلکه حاکی از این است که در موارد مربوطه بیش از ۹۹ درصد رأی‌دهندگان طرفدار آن نامزد هستند! نویسندگان گزارش در این قسمت واقعاً مغلظه کرده‌اند.

مورد بعدی ظاهری علمی‌تر دارد:

«مقایسه آراء صندوق‌های ثابت و سیار. از ابتدا یکی از نقاط بدگمانی، احتمال تقلب وسیع در صندوق‌های سیار به دلیل جابه‌جایی مکرر و کنترل کم‌تر بود. فرضیه تقلب‌خیز بودن صندوق‌های سیار در تنها موردی که وزارت کشور آمار تفکیکی صندوق‌های ثابت و سیار را ارائه داده اثبات گردیده است. بر اساس آمار وزارت کشور در شهرستان قائنات از استان خراسان جنوبی در صندوق‌های سیار درصد رأی آقای احمدی‌نژاد بین ۸۰ تا ۹۰ درصد است در حالی که در صندوق‌های ثابت رأی ایشان بین ۴۰ تا ۵۰ درصد است.» [۸]

من شخصاً درستی اعدادی که در پاراگراف بالا آمده را بررسی نکرده‌ام ولی در هر صورت اشتباه این استدلال این است که یک احتمال در نظر گرفته نشده است؛ ما می‌دانیم که صندوق‌های سیار اکثراً برای رأی‌گیری در مناطق دورافتاده و صعب‌العبور استفاده می‌شود. در این صورت اگر نامزدی در بین افرادی که در چنین مناطقی زندگی می‌کنند محبوبیت بیش‌تری داشته باشد ممکن است تفاوت چشم‌گیری بین نتیجه حاصل از صندوق‌های ثابت و نتیجه حاصل از صندوق‌های سیار مشاهده شود. پس این اختلاف می‌تواند دست‌کم ناشی از دو دلیل باشد؛ تقلب در صندوق‌های سیار یا اختلاف سلیقه سیاسی مردمی که در نقاط دورافتاده و صعب‌العبور زندگی می‌کنند با مردمی که به‌طور نسبی در نقاط مرفه‌تر زندگی می‌کنند. در نتیجه، بر خلاف ادعای نویسندگان گزارش، در این مورد تقلبی اثبات نشده است.

دلایل واقعی اعلام پیروزی و ادعای تقلب گسترده

به نظر من دلیل این‌که گروهی از مردم تصور کردند که در این انتخابات تقلب گسترده‌ای رخ داده بیش از آن‌که نمودارها و تحلیل‌های آماری بوده باشد، اظهار نظر افرادی است که مردم به آن‌ها اعتماد دارند و یا تصور می‌کنند که در مورد چنین مسائلی بی‌دلیل چیزی نمی‌گویند. به عنوان مثال کسی که طرفدار رئیس‌جمهور شدن آقای موسوی است وقتی ایشان، بعد از اتمام رأی‌گیری، خود را برنده انتخابات می‌خواند این مطلب را باور می‌کند. اظهار نظر افراد مشهور دیگر نیز کم و بیش چنین اثری دارد. به همین دلیل لازم است برخی از این گفته‌ها، از روزهای قبل از برگزاری انتخابات تا روزهای پس از آن در کنار هم گذاشته شود تا ببینیم ریشه این مسائل چه بوده است. طبیعتاً آن‌چه در ادامه می‌آید قسمتی از این گفته‌ها است که من توانسته‌ام به‌طور مستند پیدا کنم.

آقای محسن سازگارا، قبل از برگزاری انتخابات در تلویزیون صدای آمریکا^{۳۷} چنین گفت:

«این‌که آقای احمدی‌نژاد می‌برد تقریباً احتمالش نزدیک به صفر است، برای این‌که آقای احمدی‌نژاد بین هفت تا یازده



میلیون، برآورد هر جوری بکنیم نشون می‌ده که بیش‌تر رأی نداره. من اینا همه رو دارم می‌گم بدون فرض تقلب که بعداً بهش می‌پردازیم. اگر انتخابات سالم برگزار شه آقای احمدی‌نژاد تنها و تنها در صورتی دور اول می‌بره که فقط بیست میلیون آدم بیاد رأی بده، یعنی چهل درصد دارندگان حق رأی. اگر مردم این موجی که برداشته جمعیت در کشور، بره مشارکت بالای هفتاد درصد، بره هفتاد و پنج درصد، بره به مرز ۲ خرداد، اگر ۸۳ درصد مردم بیان رأی بدن یعنی می‌شه جمعیتی بالای چهل میلیون، چهل و پنج میلیون، اگر بیان و رأی بدن اون وقت به‌طور قطع در دور اول آقای احمدی‌نژاد حذف می‌شود و آقای موسوی یا در

دور اول می‌بره، طرفداراش الان دنبال اینن، یا با آقای کروبی با هم می‌رن دور دوم... اگر این بخواد تحقق پیدا کنه به نظر

من اون مردمی که تصمیم گرفتن آقای احمدی‌نژاد بره باید به اصطلاح تا کربلا یک یا حسین دیگه، روی روز جمعه در واقع بتونن بیان پای صندوق برسون مشارکت رو به هشتاد، هشتاد و سه درصد، اون وقت به طور قطع دور اول آقای احمدی‌نژاد حذف می‌شه.» [۳۱]

شاید شنوندگان این سخنان با خود فکر نکردند که چه‌گونه می‌توان تعداد طرفداران آقای احمدی‌نژاد را قطعاً کم‌تر از یازده میلیون نفر دانست در حالی که چهار سال قبل بیش از ۱۷ میلیون نفر ایشان را به آقای هاشمی‌رفسنجانی ترجیح دادند! ولی شواهدی که در ادامه خواهد آمد حاکی از این است که برخی نخبگان سیاسی بر همین مبنا انتخابات را تحلیل کرده‌اند.

آفتاب‌نیوز، سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۱۳:۲۱:

«موسوی لاری: عضو شورای مرکزی روحانیون مبارز و وزیر کشور دولت اصلاحات گفت: «بر اساس برخی نظرسنجی‌های صورت گرفته از سوی ارگان‌های رسمی، موسوی ۷۰ تا ۸۰ درصد آراء دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری را به خود اختصاص خواهد داد.»» [۳۲]

مشخص نیست منظور کدام نظرسنجی‌ها و کدام ارگان‌ها است. به خاطر بسپارید که نسبت ۸۰ به ۲۰، برابر نسبت چهار به یک است. بعداً در مورد این نسبت بیش‌تر خواهیم گفت. توجه کنید که آقای موسوی لاری زمانی وزیر کشور بوده‌اند و قاعداً تجربه‌ای که در این پست کسب کرده‌اند باید موجب شود حساب‌شده صحبت کنند.



آفتاب‌نیوز، چهارشنبه ۶ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۱۱:۰۴:

«پس از پایان پخش سخنان کاندیداهای ریاست‌جمهوری، ارزیابی ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی و کارشناسان مستقل، از جهش چشم‌گیر آراء موسوی حکایت دارد و این جهش به حدی است که نظرسنجی دستگاه‌های دولتی نیز آن را تأیید می‌کند. بنا بر پیش‌بینی کارشناسان، با توجه به جهش صورت گرفته، در صورتی که میرحسین موسوی موفق به کسب ده درصد دیگر از آراء طی دو هفته باقی‌مانده شود، انتخابات یک مرحله‌ای شده و وی در دور نخست، هفتمین رئیس‌جمهور ایران خواهد شد.» [۳۳]

این کارشناسان مستقل چه کسانی هستند؟ چرا نام دستگاه دولتی تأییدکننده نیامده است؟ البته اگر خبر را تحلیل کنید به نکات جالبی می‌رسید؛ طبق این خبر آراء آقای موسوی بعد از یک جهش چشم‌گیر به جایی رسیده که با اضافه شدن ۱۰ درصد دیگر انتخابات یک مرحله‌ای می‌شود. انتخابات در صورتی یک مرحله‌ای می‌شود که یکی بتواند بیش از ۵۰ درصد آراء را کسب کند و در نتیجه خبر را می‌توان این‌چنین بازنویسی کرد: «آقای موسوی چندی پیش بسیار کم‌تر از ۴۰ درصد آراء را داشته است و تا این لحظه به مرز ۴۰ درصد رسیده است.» اگر طرفداران آقای موسوی این برآورد را داشته باشند که رقابت اصلی بین آقایان موسوی و احمدی‌نژاد است این خبر نباید چندان برای آن‌ها شادکننده باشد. به‌علاوه این خبر به‌وضوح با خبر روز قبل، به نقل از آقای موسوی لاری، در تضاد است مگر این که رسیدن از ۷۰ درصد به ۴۰ درصد جهش چشم‌گیر محسوب شود!

آفتاب‌نیوز، جمعه ۸ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۱۹:۳۱:

«نخست‌وزیر دوران دفاع مقدس پیش از ظهر جمعه در یک نشست خبری با نمایندگان رسانه‌های خارجی، در پاسخ به سؤال خبرنگار العربیه درباره رقیب اصلی خود گفت: «نظرسنجی‌ها شیب تندی به سمت بالا دارد و به نظر می‌آید اگر این شیب حفظ شود، احتمال این که تکلیف انتخابات در مرحله اول روشن شود وجود دارد. رقیب اصلی من روشن است و طبیعتاً نفر بعدی در نظرسنجی‌ها رقیب اصلی من خواهد بود.»» [۳۴]

آفتاب‌نیوز، شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۱۸:۳۳:

«طبق آخرین نظرسنجی انجام‌شده در شهر تهران، مهندس موسوی با حداقل ۵۴ درصد آراء در رتبه نخست و احمدی‌نژاد با ۳۵ درصد در جای‌گاه دوم قرار گرفته است. به گزارش سرویس سیاسی آفتاب، کمیته رسانه و تبلیغات ستاد مهندس موسوی اعلام کرد: «این نظرسنجی از سوی یک نهاد بسیار معتبر ملی و دانش‌گاهی و با نمونه آماری ۱۶۵۰ نفر، روز گذشته انجام شده است.»» [۳۵]

باز هم نام نهاد بسیار معتبر ملی و دانش‌گاهی مشخص نشده است. البته نتیجه در مورد آقای موسوی تقریباً برابر نتایج رسمی اعلام شده است؛ آقای موسوی در تهران حدود ۵۲ درصد آراء را به دست آورد. در مورد آقای احمدی‌نژاد ادعای این خبر ۸ درصد کم‌تر از نتیجه رسمی است زیرا ایشان در تهران موفق به جذب حدود ۴۳ درصد آراء شد.

آفتاب‌نیوز، شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۱۹:۵۴:

«محمد عزلتی مقدم، مسئول کمیتهٔ ایثارگران ستاد انتخاباتی مهندس میرحسین موسوی، در نامه‌ای به مسئولان شاخه‌های استانی این کمیته، با اشاره به احتمال قریب به یقین انتخاب مهندس میرحسین موسوی در دور اول انتخابات، از آنان خواست که از هم‌اکنون تمهیدات لازم را به منظور برپایی نماز شکر در مساجد بزرگ شهرها در مورخهٔ ۸۸/۳/۲۴ اتخاذ کنند.» [۳۶]

آیا این صرفاً یک عمل تبلیغاتی بوده است یا آقای عزلتی مقدم با توجه به دلایل و شواهد واقعی برای انتخاب شدن آقای موسوی احتمال قریب به یقین قائل شده‌اند؟

آفتاب‌نیوز، سه شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۱۶:۲۸:

«دکتر زهرا رهنورد هم‌سر آخرین نخست‌وزیر ایران و رئیس سابق دانش‌گاه الزهرا (س) طی سخنانی و در پاسخ به تشویق‌های مکرر و شعار رهنورد، رهنورد حمایت می‌کنیم، خطاب به حاضرین گفت: «چرا حمایت از زنان شعاری کفرآمیز است؟ چرا، چرا و چرا؟! و همین چراها باعث شده تا نود درصد مردم ما در خیابان‌ها با نوار سبز در دست بخواهند که این دولت روی کار نباشد. ما با شعارهایی که می‌دهیم و رنگ سبزی که انتخاب کردیم می‌گوییم که این دولت را نمی‌خواهیم. همان‌طور که موسوی گفت هر فرد یک ستاد، می‌گوییم هر فرد یک کمیتهٔ صیانت از آراء. ما حضور مردم را می‌بینیم اما از صیانت از آراء نگرانیم.» به گزارش خبرنگار آفتاب، حاضران در جمع در این هنگام شعار دادند «اگر تقلب بشه، ایران قیامت می‌شه!» رهنورد نیز در پاسخ به این شعار آن‌ها گفت: «من همین‌جا به وزارت کشور می‌گویم به این شعار مردم توجه کنید یعنی اگر در ایران قیامت شود وزارت کشور مسئول آن است.» به گزارش خبرنگار آفتاب، حاضران یک‌صدا فریاد



می‌زدند «حضرت زهرا را صدا می‌کنیم دوم خرداد به پا می‌کنیم.» رهنورد نیز خطاب به حاضران گفت: «حالا که حضرت زهرا را صدا کردید می‌خواهیم که از آراء ما صیانت کند. و با دعوت وی حاضران یک‌صدا سورهٔ کوثر را قرائت کردند، سپس همه یک‌صدا فریاد زدند رهنورد رهنورد تساوی زن و مرد.» [۳۷]

نود درصد مردم در خیابان‌ها با نوار سبز؟! و با چنین پیش‌فرض‌هایی شعار یادشده در واقع به این معناست «موسوی پیروز نشه، ایران قیامت می‌شه!»

آفتاب‌نیوز، سه‌شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۲۰:۲۶:

«به گزارش گروه سیاسی آفتاب، بر اساس یک نظرسنجی معتبر که توسط یک گروه دانش‌گاهی طی روزهای ۵ تا ۱۵ خرداد در سراسر کشور انجام گرفته است، میرحسین موسوی با اخذ ۵۴ درصد از آراء کل کشور در دورهٔ اول انتخابات ریاست‌جمهوری به عنوان منتخب مردم برگزیده خواهد شد.» [۳۸]

این خبر غیر از خبر ۱۶ خرداد است زیرا آن یکی در مورد تهران بود. وجه مشترک این دو خبر ناشناس بودن دانش‌گاهیان مجری این «نظرسنجی معتبر» است!

آفتاب‌نیوز، پنج‌شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۱۳:۴۵:

«بر اساس این نظرسنجی که دو روز قبل با حجم نمونهٔ ۳۶,۴۰۰ نفر در ۱۴ استان کشور (هر استان شامل مرکز استان، یک شهر اصلی، یک شهرستان و ۳ روستا) انجام شده؛ میرحسین موسوی با ۵۰.۳ درصد آراء بر رقیب اصلی خود یعنی محمود احمدی‌نژاد با ۳۴.۶ درصد آراء پیروز خواهد شد. مهدی کروبی و محسن رضایی نیز به ترتیب ۸.۲ و ۶.۹ درصد آراء را به

دست خواهند آورد. این نظرسنجی در فاصله ۳ و ۴ روز مانده به انتخابات انجام شده و با توجه به این که ساعات منتهی به روز رأی گیری شاهد تحولات سریع در افکار عمومی است و موج سبز در دو روز گذشته فراگیری بیش تری پیدا کرده است؛ به نظر می رسد که آراء نهایی میرحسین موسوی در روز انتخابات به میزان قابل توجهی بیش تر از نتایج این نظرسنجی خواهد بود. سطح خطای این نظرسنجی ۳ درصد اعلام شده است.» [۳۹]

باز هم مجری نظرسنجی مشخص نشده است. عبارات انتهایی نیز بسیار غیرعلمی است و حال و هوای تبلیغ و تهییج دارد.



آفتاب نیوز، جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۰۴:۲۵:

«میرحسین موسوی با صدور بیانیه ای از مردم ایران خواست که نسبت به برگزارکنندگان انتخابات حسن ظن داشته و اطمینان داشته باشند که کوچک ترین تنازلی از حق آنان برای برگزاری انتخابات سالم نخواهد داشت.» [۴۰]

اخبار روز انتخابات هم خواندنی است. خانم عفت مرعشی، همسر آقای هاشمی رفسنجانی، پس از آن که رأی خود را به صندوق حسینیه جماران انداخت، در پاسخ به فردی که پرسید توصیه شما به هواداران نامزدها فردای انتخابات چیست، گفت:

«اگر قلب کردن بریزن تو خیابونها!»

البته در برخی منابع از ایشان نقل شده است که در هنگام رأی دادن پیروزی آقای موسوی را هم اعلام کرده بودند ولی من چون این معنا را صریحاً در قسمتی از فیلمی که از ایشان گرفته شده و در اختیار من است نشنیدم این موضوع را با قطعیت نمی گویم ولی کلیت صحبت های ایشان حاکی از این است که اگر اعلام کردند که آقای احمدی نژاد برنده انتخابات است به خیابان ها بریزید زیرا قطعاً قلب شده است! [۴۱] و [۴۲]

آفتاب نیوز، جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۱۲:۲۲:



«نخست وزیر دوران دفاع مقدس پس از انداختن رأی خود در صندوق شعبه اخذ رأی مسجد جامع ارشاد شهر ری به همراه همسر خود دکتر زهرا رهنورد در برابر جمع کثیر نمایندگان رسانه های داخلی و خارجی حاضر شد و در سخنان کوتاهی ضمن تبریک به مناسبت ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) گفت: «از حضور سبز همه ملت تشکر می کنم که معجزه آفریدند.»» [۴۳]

آفتاب نیوز، جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۱۳:۲۳:

«سید محمد خاتمی با حضور در حسینیه جماران رأی خود را به صندوق انداخت. خاتمی در برابر سؤال خبرنگاری که از او درباره نتیجه رأی گیری امروز سؤال کرد گفت: «همه شواهد امر حاکی است که مهندس موسوی انتخابات را برده است، اما من پیش گو نیستم.»» [۴۴]

آیا شواهدی که مد نظر آقای خاتمی چیزی بیش تر از درصد بالای مشارکت بوده است؟ نمی دانم آیا ایشان تا این لحظه در مورد چیستی آن «شواهد» چیزی گفته اند یا خیر.

قبل از اعلام نتایج در گفت و گویی تلویزیونی مجری شبکه العربیه خطاب به آقای شریعتی، مشاور آقای خاتمی در دوران ریاست جمهوری ایشان، چنین گفت:

«مجری العربیه: جناب آقای شریعتی، مشاور رئیس جمهور سابق ایران، خوش آمدید. آقای شریعتی! خبرها حاکی از این است که احمدی نژاد اعتراف کرده است که شکست خورده است اما وزارت کشور از اعلام این خبر امتناع دارد. آیا خبرهایی در این مورد دارید؟»



آقای شریعتی: بسم ... الرحمن الرحيم. همه علائم بیان‌گر پیروزی قاطع اصلاح‌طلبان در این مرحله است. به علائم پیروزی اصلاح‌طلبان اعتراف کرده‌اند اما هنوز به نتیجه انتخابات معترف نیستند. نشانه اول، مشارکت بالای هشتاد درصدی مردم است و هر چه تعداد شرکت‌کنندگان بیشتر شود شانس اصلاح‌طلبان بیشتر است و فکر می‌کنم این برای همه آشکار است.» [۴۵]



آقای احمدی‌نژاد اعتراف کرده که شکست خورده؟! احتمالاً ایشان اعتراف کرده که درصد مشارکت مردم بسیار بالا بوده است و در ذهن برخی این حقیقت معادل شکست است!

آقای شریعتی پیروزی اصلاح‌طلبان را نتیجه بدیهی مشارکت بالای هشتاد درصدی می‌داند! این همان فرمول آقای محسن سازگارا است. توجه کنید که ایشان از خبر پیروزی اصلاح‌طلبان حرف می‌زنند ولی نمی‌گویند آقایان موسوی و کروبی جداگانه چند درصد از این پیروزی را به دست آورده‌اند!

آفتاب‌نیوز، جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۲۳:۵۸:

«موسوی در جمع خبرنگاران گفت بر اساس شواهد و قرائن ما خود را پیروز قطعی میدان می‌دانیم و امیدواریم که همه تسلیم اراده مردم شویم. وی مشارکت مردم را قابل قیاس با اوایل انقلاب عنوان کرد و گفت امروز شاهد صف‌های طولانی مردم بودیم که در برخی آن‌ها مردم تا ۲ ساعت برای رأی دادن منتظر مانده بودند و این نشان‌دهنده امید آن‌ها است که فکر می‌کنند می‌توانند تغییراتی را در جهت مطلوب در کشور ایجاد کنند. حالا باید دید که آیا دولت به شکل مناسبی با این پدیده خارق‌العاده برخورد کرده است یا خیر؟ پاسخ این است که نه. متأسفانه قدر این حرکت دانسته نشده است. من با نسبت آراء بسیار زیادی برنده قطعی انتخابات هستم. اکثریت مردم به من رأی دادند. البته نتایج قطعی اعلام می‌شود و آن‌چه من گفتم نتایجی است که ما از استان‌ها و شهرستان‌های سطح کشور گرفته‌ایم. ما با اخراج وسیع ناظران خود،



حمله به ستادها و معطل کردن تعرفه‌ها روبه‌رو بودیم.» [۴۶] و [۴۷]

«شواهد و قرائن» یعنی چه؟ یعنی چیزی غیر از نتایج واقعی رأی‌های مردم در صندوق؟ برداشت طبیعی هر شنونده‌ای از این سخنان این است که ایشان با توجه به اطلاعاتی که در مورد آراء مردم در صندوق‌ها دارد خبر پیروزی قطعی خود را اعلام کرده است. به هر حال این چند جمله در کنار هم واقعاً سؤال‌برانگیز است. ایشان هم با اخراج وسیع ناظران خود و معطل کردن تعرفه‌ها مواجه بوده‌اند و هم پیروز قطعی انتخابات شده‌اند و هم مطلع شده‌اند که پیروز قطعی انتخابات شده‌اند؟!

آفتاب‌نیوز، شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۰۰:۰۲:

«میرحسین موسوی در اطلاعیه‌ای با اشاره به این‌که رأی اکثریت ملت متوجه وی بوده است، از مسئولان امر خواست نهایت دقت را در شمارش آراء داشته و از مردم شریف ایران خواست آماده برگزاری جشن پیروزی باشند. متن بیانیه مهم میرحسین موسوی خطاب به ملت ایران به این شرح است: مردم شریف ایران، ضمن تشکر از حضور پرشور و استقبال گسترده شما از انتخابات ریاست‌جمهوری، به اطلاع می‌رساند طبق گزارش‌ها و مستندات واصله علی‌رغم تخلفات و کارشکنی‌های متعدد و نارسایی‌های گسترده، مستندات واصله حاکی از آن است که رأی اکثریت قاطع مردم متوجه این خدمت‌گزارشان بوده است. از مسئولان امر می‌خواهم در شمارش آراء نهایت دقت را بنمایند و اعلام می‌کنم در غیر این صورت از همه امکانات قانونی برای احقاق حقوق حقه ملت ایران اقدام خواهم کرد. همین‌جا فرصت را مغتنم می‌شمارم و از ملت شریف ایران می‌خواهم آماده برگزاری جشن پیروزی در شام‌گاه میلاد بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (س) باشند.» [۱]

«گزارش‌ها و مستندات واصله» چه بوده‌اند؟ این سؤالی است که باید پاسخ داده شود ولی تا امروز جوابی به آن داده نشده است. به نظر من، در صورتی که واقعاً مستنداتی در کار بوده باشد، در لحظاتی که هنوز شمارش آراء در مراحل اولیه بوده، این مستندات نمی‌تواند در مورد محتوای آراء ریخته‌شده در صندوق‌ها باشد و فقط در مورد درصد مشارکت مردم است.

پس از این که نتایج شمارش‌های اولیه اعلام شد، سایت قلم‌نیوز ساعت ۱:۴۴:۴۴ بامداد شنبه ۲۳ خرداد چنین خبر داد:

«سید محمود میرلوحی عضو کمیتهٔ صیانت از آراء در گفت‌وگو با قلم‌نیوز گفت: آن چه امروز ۵۰ هزار نمایندهٔ ما در



صندوق‌های رأی گزارش دادند و آن چه در شعب اخذ رأی قابل حس بود و خود ما و دیگران نیز آن را حس کردیم حاکی از یک پیروزی قطعی است... میرلوحی ضمن اشاره به این که تا این مرحله صرفاً آراء صندوق‌های روستایی سیار آمده و نتایج شهرهای بزرگ هنوز معلوم نیست اظهار داشت...» [۴۸]

این خبر سؤالاتی را به ذهن متبادر می‌کند. آیا واقعاً در این زمان کوتاه چیزی در حدود ۵۰ هزار گزارش دریافت شده است؟ اگر برای دریافت و ثبت هر گزارش فقط سی ثانیه وقت صرف شود، دریافت این تعداد گزارش به بیش از ۴۰۰ نفر ساعت کار نیاز دارد! البته این کار مثلاً با استفاده از اینترنت و داشتن یک سیستم قوی شدنی است ولی آیا واقعاً چنین چیزی وجود داشته است؟ محتوای این گزارش‌ها، در صورت وجود، در ساعاتی که هنوز شمارش بسیاری از حوزه‌ها تمام نشده، چه چیزی بوده است؟! منظور از «حس کردن در شعب اخذ رأی» چیست؟! من در خوشبینانه‌ترین حالت یک احتمال به ذهنم می‌رسد؛ برخی از نمایندگان گزارش داده‌اند که حضور مردم در انتخابات بسیار بالاست و احتمالاً بر پایهٔ نظریاتی مانند آن چه آقای محسن سازگارا گفتند پیروزی قطعی استنتاج شده است! توجه کنید که این مطالب در حالی گفته شده است که نتایج اولیه را وزارت کشور اعلام کرده و آقای میرلوحی برای توجیه ناسازگاری ادعای خود با نتایج اعلام‌شده آن‌ها را مربوط به صندوق‌های روستایی سیار می‌داند و حرفی از تقلبی بودن آن‌ها نمی‌زند.

آقای محسن مخملباف نیز که خود را سخن‌گوی آقای موسوی در خارج از کشور معرفی می‌کند، احتمالاً در این ماجرا نقشی داشته است. ایشان در دو مقطع وقایع را چنین توصیف می‌کند:

«جمعهٔ آخر شب دوازده ژوئن در تهران کمیتهٔ انتخابات به آقای موسوی اطلاع داد که تو با اکثریت آراء برندهٔ انتخابات هستی و بیانیهٔ خود را بنویسید.» [۴۹]



«حمله به ستاد اطلاع‌رسانی آقای موسوی در قیطره، هم‌زمان بود با این که از وزارت کشور به آقای موسوی خبر پیروزی در انتخابات را داده و به ایشان گفته بودند که این مسأله به آقای خامنه‌ای هم اطلاع داده شده است. بر اساس اطلاع مسئولان ستاد آقای خامنه‌ای هم در پاسخ گفته بود مانعی ندارد، فقط نحوهٔ اعلام این خبر مدیریت شود. در نتیجه اعضای ستاد آقای موسوی که از این پیروزی خوش‌حال بودند، حمله به ستاد آقای موسوی را به عنوان عکس‌العمل و انتقام‌گیری شخصی جناح شکست‌خورده تلقی کردند نه برنامه‌ای برای شروع یک کودتا. یکی دو ساعتی هم ارتباطات بین‌المللی این‌ها قطع بود و به همین دلیل مسئولیت اطلاع‌رسانی در این مدت به دوش من گذاشته شد که به دنیا اطلاع بدهم برندهٔ این انتخابات، طبق اطلاع رسمی وزارت کشور و بر اساس آمارها، آقای موسوی است و انتخابات به دور دوم هم کشیده نشده است؛ حتی خبر این پیروزی به هنرمندان دیگر هم داده شد، از جمله خانم فاطمه معتمدآریا که خبر را از آقای موسوی شنیده بود و به این طرف

و آن طرف خبر می‌داد که سبزه‌ها پیروز شدند. اما در حالی که آقای موسوی بیانیه‌اش را می‌نوشت، یک‌باره فرماندهان سپاه با نامه‌ای از آقای خامنه‌ای در ستاد او حضور پیدا می‌کنند که در آن نوشته شده بود [نقل به مضمون] من نمی‌گذارم انقلاب سبز شما پیروز بشود. شکست احمدی‌نژاد، شکست من است. فرماندهان سپاه سپس به آقای موسوی می‌گویند: «شلوغ هم نکن!» در این لحظه آقای مجید مجیدی که در کارهای تبلیغاتی آقای موسوی حضور داشته، به آقای کامبوزیا پرتوی می‌گوید که ناامید شدم و ستاد را ترک می‌کند و به خانه‌اش می‌رود. او گفته فردا صبح در تهران کودتا خواهد شد.» [۵۰]

واقعاً چه کسی مسئولیت اطلاع‌رسانی را به آقای مخملباف سپرده است؟ آیا آقای موسوی جایی این موضوع را تأیید یا تکذیب کرده است؟ چرا در بیانیه‌های رسمی آقای موسوی حرفی در مورد این‌که خبر پیروزی آقای موسوی را «کمیته انتخابات» و وزارت کشور اعلام کرده‌اند زده نشده است؟! چرا آقای مجیدی در دیدار هنرمندان با رهبر در خلال صحبت‌هایش هیچ اشاره‌ای به این مطالب مهم نکرد؟! آیا گفته‌های آقای مخملباف تنها داستان‌پردازی‌های صرف است تا در سریع‌ترین زمان ممکن نظریه تقلب و کودتا در ذهن مخاطبان‌ش جا بیفتد؟

آفتاب‌نیوز، شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۱۳:۲۹:

«در پی روی‌دادهای شب گذشته و امروز، مهندس میرحسین موسوی، خطاب به ملت ایران پیامی منتشر کرد. متن پیام به این شرح است: ملت شریف ایران، نتایجی که برای دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام شد بهت‌آور است. مردمی که در صف‌های طولانی اخذ رأی شاهد ترکیب آراء بودند و خود می‌دانند که به چه کسی رأی داده‌اند با حیرت تمام به شعبده‌بازی دست‌اندرکاران انتخابات و صدا و سیما نگاه می‌کنند. آنان اینک بیش از همیشه به دنبال آن هستند که بدانند چه‌گونه و توسط چه کسانی و مقاماتی طرح این بازی بزرگ ریخته شده است. این‌جانب ضمن اعتراض شدید به روند موجود و تخلفات آشکار و فراوان روز انتخابات هشدار می‌دهم که تسلیم این صحنه‌آرایی خطرناک نخواهم شد.» [۲]

مردمی که رأی داده‌اند از رأی شخص خود اطلاع دارند ولی چه‌گونه باید از رأی دیگران نیز مطلع شده باشند و «شاهد ترکیب آراء» باشند؟! آیا ایشان دلیل و شاهی منطقی‌تر برای اثبات تقلب در دست نداشته‌اند که به چنین استدلال بی‌پایه‌ای متوسل شده‌اند؟! در هر صورت مطالب مطرح‌شده در این پیام حاکی از این است که آقای موسوی معتقدند اکثریت مردم به او رأی داده‌اند در حالی که در روزهای بعد مطالب دیگری مطرح شد که گویا ایشان معتقدند آقای احمدی‌نژاد با فریب توانسته رأی مردم را در سبد خود بریزد.

به این نکته نیز توجه کنید که اگر هر کدام از طرفداران آقای موسوی از اعلام پیروزی آقای احمدی‌نژاد حیرت کرده باشد به این معنی است که روند انتخابات را به‌گونه‌ای دیده که انتظار داشته آقای موسوی برنده شود. لازمه این انتظار این است که انتخابات دست‌کم از دید آن شخص آن‌قدر سالم برگزار شده است که انتظار داشته نامزد منتقد دولت در صندوق‌ها پیروز شده باشد.

آفتاب‌نیوز، شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ ساعت ۱۵:۰۲:

«مهدی کروبی در اعتراض به روند شمارش آراء بیانیه‌ای را صادر کرد. وی در این بیانیه اعلام کرده است که در مقابل این مهندسی و تنظیم ناشیانه رأی ملت سکوت نخواهد کرد: «نتایج اعلام‌شده برای انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری چنان مضحک و شگفت است که در بیان و بیانیه نمی‌آید و باید فکر دیگری کرد. این شیوه رأی‌گیری و شمارش آراء یادآور شمارش آراء مرحوم مدرس است که حتی از شمارش رأی که آن مرحوم به خویش داده بود دریغ کردند.» [۵۱]

گفته‌های دیگر آقای کروبی حاکی از این است که منظور ایشان از «مهندسی و تنظیم ناشیانه رأی ملت» همان پدیده خطی بودن است که در موردش مفصلاً صحبت کردم.

بعد از مشخص شدن نتایج، خانم زهرا رهنورد، همسر آقای موسوی، شنبه ۲۳ خرداد ساعت سه بعد از ظهر، در گفت‌وگو با تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی، دلایل اثبات تقلب را چنین بیان کردند:

«ببینید به شکل‌های مختلف البته این مسأله پیش آمده است. در شهرستان‌ها و تهران در واقع تجمع مردم حاکی از این بود که آراء موسوی بسیار بالاتر از آن است که اصلاً قابل‌تصور باشد. هر وقت طرفداران دو طرف حاضر می‌شدند طرفداران احمدی‌نژاد در حد یک‌صدم بودند در مقابل طرفداران موسوی. هم‌چنین در شهرستان‌هایی که برای سخنرانی در کنار ایشان قرار داشتیم این را می‌دیدم. این‌ها تحلیل‌های من است. ولی اقداماتی انجام شد مثلاً اول صبح به طور سنتی آن‌هایی

که به احمدی‌نژاد رأی می‌دهند، همه می‌شناسند که چه تیپ خاصی هستند، رفتند و رأی خودشان را دادند و از ساعت یازده تعرفه‌ها در دست مردم قرار نگرفت و مردم له‌له می‌زدند برای این‌که تعرفه به‌شان داده بشود. حتی تا یازده و نیم و دوازده شب هم پشت در ستاد و محل‌های انتخابات جمع شده بودند و گاهی درها روی‌شان بسته شده بود. به هر صورت تعرفه در اختیارشان قرار نمی‌گرفت. یعنی یک تمهید در اختیار قرار ندادن تعرفه بود... از صبح هم مرتب اطلاعاتی که در اختیار ما قرار می‌گرفت اغلب چهار به یک بود. به‌خصوص یک سری نقاطی هستند که اصلاً مشخص است که خودش ملاک تشخیص نادرست بودن این مطلب وزارت کشور است. مثلاً آذربایجان و ترک‌زبان‌ها هیچ وقت فرزند خودشان را نمی‌گذارند که به کس دیگری رأی بدهند. یا لرستان که خود من لر هستم و موسوی هم بارها گفته که من داماد لرستان هستم، موسوی را نمی‌گذارند که به آقای احمدی‌نژاد رأی بدهند. این دو تا برای ما ملاک این است که باقی موارد هم شبیه به همین است ضمن این‌که مرتب هم گزارش می‌شد حتی چهار و نیم به یک بود نسبت‌های موسوی به احمدی‌نژاد. با یک ترتیبی که خودشان می‌دانند البته من دقیقاً نمی‌دانم چه روش‌هایی را به کار بردند و این آمار بسیار غلط و نامعقول را دادند که به هیچ‌وجه نه مردم ما قبول کردند و نه آقای موسوی و نه من که به عنوان هم‌سر ایشان و در عین حال یک مبارز در کنار ایشان حضور داشتم، این را نمی‌توانم قبول کنم. حالا باید دید که بعد از این آقای موسوی چه برنامه‌ای خواهد داشت... آن‌چه که مهم است این‌که واقعاً وزارت کشور غیربی‌طرفانه عمل کرد و متأسفانه به بخش عظیمی شاید بشود گفت نزدیک به چهارصد پانصد نفر از ناظرین ستاد آقای موسوی اجازه داده نشد [اسر صندوق حاضر شوند] و نقص مدارک را بهانه کرده بودند. البته فقط این مسأله نیست. بلکه ما نمی‌دانیم چه‌گونه با صندوق‌ها عمل شده و رأی‌ها چه‌گونه دست برده شده. فقط می‌دانیم نسبت رأی آقای موسوی و احمدی‌نژاد چهار به یک بوده. یا در جاهای دیگر ممکن است مثلاً سه به یک و نیم بوده باشد.» [۵۲] و [۵۳]

برای من واقعاً عجیب است که کسی مشاهداتش در تجمع طرفداران یک نام‌زد را معیار درصد طرفداران او قرار دهد! آیا این روشن نیست که در برنامه تبلیغاتی یک نام‌زد تقریباً صد درصد شرکت‌کنندگان طرفدار او هستند؟!

اطلاعاتی که از صبح به ایشان می‌رسیده محتوایش چه بوده است؟ برداشت اول این است که منظورشان اطلاعاتی در مورد محتوای آراء است زیرا صحبت از نسبت آراء آقای موسوی به آقای احمدی‌نژاد می‌کنند. ولی چه‌گونه نمایندگان نام‌زدها از صبح رأی‌گیری به چنین اطلاعاتی دسترسی داشته‌اند؟! شاید منظورشان از «صبح»، صبح شنبه ۲۳ خرداد و ساعت‌ها بعد از اعلام پیروزی توسط آقای موسوی است. در این صورت می‌بایست در روزهای آینده دست‌کم یک مورد به شورای نگهبان یا به رسانه‌ها ارائه می‌شد که در فلان صندوق به گزارش نماینده آقای موسوی نسبت چهار به یک بوده ولی در اعلام نهایی این‌طور نبوده است در حالی که بعد از گذشت ماه‌ها چنین گزارشی مشاهده نشده است. از طرف دیگر صحبت از شواهدی است که برگزارکنندگان کاری کرده‌اند که طرفداران سنتی آقای احمدی‌نژاد رأی بدهند و طرفداران آقای موسوی نتوانند به‌راحتی رأی بدهند و این با ادعای چهار به یک کمی ناسازگار است!

پس ماجرا چه بوده است؟ جواب این سؤال را طبیعتاً خانم رهنورد باید بدهند ولی بعد از این مدت یا کسی این سؤال را از ایشان نپرسیده یا اگر پرسیده پاسخی داده نشده و لذا من در این مورد حدس خود را بیان می‌کنم؛ طبیعی است که کسانی که تجربه حضور پای صندوق‌های رأی را دارند بتوانند پس از چند ساعت از شروع انتخابات، با مقایسه جمعیت با آن‌چه در سال‌های گذشته دیده‌اند، تخمینی از درصد مشارکت بدهند و گزارش‌هایی که ایشان به آن‌ها اشاره می‌کنند، در صورت وجود، گزارش‌هایی در مورد درصد مشارکت است و در نتیجه می‌توانیم فرض کنیم که آن‌ها می‌دانسته‌اند که حدود ۴۰ میلیون نفر در انتخابات شرکت کرده‌اند.

پس نسبت‌های چهار به یک و چهار و نیم به یک از کجا آمده است؟ اگر ۴۰ میلیون رأی را به این نسبت‌ها تقسیم کنیم سهم آقای احمدی‌نژاد، بین ۷ میلیون تا ۹ میلیون می‌شود و این سازگار با همان نظریه آقای سازگارا است که «آقای احمدی‌نژاد بین هفت تا یازده میلیون بیش‌تر رأی ندارد». یعنی راه محاسبه نسبت چهار به یک، ابتدا تخمین زدن درصد مشارکت بوده است، که به نظر من شدنی بوده است، و سپس قطعی گرفتن نظریه‌ای است که می‌گوید آقای احمدی‌نژاد حدود ۸ میلیون رأی دارد. در مورد منطقی و معقول بودن این قسمت قضاوت را به خواننده می‌سپارم؛ آیا می‌توان بر پایه چنین دلایلی تقلب را قطعی قلم‌داد کرد و مردم را برای پس گرفتن رأی خود به خیابان‌ها کشاند؟

در مورد استدلال «داماد لرستان» بسیار حرف زده شده است و من تنها به چند جمله کوتاه اکتفا می‌کنم: اگر گفته شود حتی یک نفر هم با انگیزه این که «موسوی داماد لرستان است» به او رأی نداده باشد من تعجب نمی‌کنم.

در مورد اخراج چهارصد پانصد نفر از نمایندگان ستاد آقای موسوی نیز این نکته گفتنی است که آقای موسوی در ۴۰۶۷۶ صندوق که حدود ۹۰ درصد صندوق‌ها می‌شود نماینده داشته است و حتی اگر فرض کنیم نمایندگان اخراج شده بی‌دلیل اخراج شده‌اند، آن‌ها تنها حدود یک درصد از کل نمایندگان ستاد آقای موسوی بوده‌اند!

به نظر من درست‌ترین قسمت نظرات خانم رهنورد قسمتی است که می‌گوید «باقی موارد هم شبیه به همین است»!

خانم فائزه هاشمی‌رفسنجانی، دوشنبه ۲۵ خرداد در پاسخ سؤالی در مورد تقلب گفت:

«اونا همه ناظرین رو بیرون کردن، سر شمارش آراء، سر تجمیع آراء، اینا از ۱۳ خرداد باید تو هیأت‌های اجرایی می‌بودن، راهشون ندادن. یعنی تو مراحل که قانون گفته ناظرین باید حضور داشته باشن راهشون ندادن. دوم، خود کارت ناظرین رو بخش عمده‌اش رو



ندادن. همه رو اعلام کردن سر صندوق‌ها بیاین بگیرین. اینا همه خلافه. بعد مثلاً من ایشون رو معرفی کردم برای این صندوق، فرستادنش اون‌ور شهر، چون اسم آدم‌ها رو صندوق‌هاست. کل سیستم رو به هم ریختن به خاطر این که افراد تازه بیان جاهاشون رو پیدا کنن کجا باید برن. بعد پیام‌های پیامک‌ها قطع شد. ناظرین تمام برنامه‌ریزی‌شون رو این پیامک‌ها بود یعنی کلی نشسته بودن سیستم داده بودن و اینا که هر کدوم رو یک کد داده بودن از طریق این با هم ارتباط برقرار کنن اصلاً رابطه بین ناظرین قطع شد. این خلاف‌هایی که مال ناظرین بود. بعد الان صندوق‌ها پر احمدی‌نژاد. یعنی اگه برن بازشماری کنن چیزی گیر کسی

نمی‌آد، چون اینا پر کردن یعنی سندسازی‌شون کامله. مطلب بعدی تعرفه‌هاست. تعرفه‌ها نبود! یعنی از ساعت دوازده ظهر به بعد بسیاری از شهرستان‌ها تعرفه تموم کردن، بعد تعرفه هم نمی‌رسوندن. یکی دو جا مثلاً تعرفه رسوندن، دیگه نرسوندن. بعد ده شب به بعد محصولی تو تلویزیون اعلام کرد که گفتیم تا آخرین نفر رأی بگیرن، کسی نمونه. ده شب تمام صندوق‌ها بسته شد تازه بعضی جاها هم نه شب بسته شد مردم تو صف‌های طولانی پشت درآ موندن. بعد سایت‌های خبری رو بستن، پیامک‌ها قطع شد، ستادهای اطلاع‌رسانی ستادها رو مختل کردن سیستم‌هاشون رو. خوب اگه تقلب نبوده پس این کارا برا چی شده؟ چرا این کارا رو کردن؟ اینا همه خودش پایه انتخابات مخدوشه. چون پایه انتخابات مخدوشه اینا نمی‌تونن بگن بازشماری کنین رأی‌ها رو، چون صندوق‌ها درسته. یعنی اینا هر چی رأی داشتن، بینین ۵۷ میلیون تعرفه چاپ شد، یعنی ۱۷ میلیون بیش‌تر از جمعیت رأی‌دهنده. اینا کجاس؟ اینا رو پر کردن ریختن تو صندوق‌ها! صندوق‌ها کامله، همون آرائی که اعلام می‌کنن توش هست. اینا اصلاً دنبال بازشماری آراء نیستن. ناظرین بیچاره‌ها اصلاً گزارش ندارن، چون اصلاً بیرونشون کردن. صورت جلسه‌هایی که باید امضاء می‌شد بعد از هر شمارش آراء اصلاً همون‌هایی هم که بودن سر صندوق‌ها شمارش آراء صورت سر جلسه امضاء نشده، سندی اصلاً اینا ندادن که بتونن بر اساس اون سند...
!! آقای کروبی اومد؟ آفرین!...» [۵۴] و [۵۵]

اگر این مطالب راست است پس باید بسیاری از مطالبی که در روز انتخابات و در بامداد روز بعد از انتخابات از زبان آقای موسوی و طرفدارانش شنیدیم کذب باشد؛ با این وضعیت چه‌گونه ممکن است گزارش‌هایی از نمایندگان که حاکی از پیروزی قاطع آقای موسوی است به دست آقای موسوی، خانم رهنورد، اعضای ستادها و... رسیده باشد؟ این گزارش‌ها حتی اگر در مورد محتوای رأی‌ها نبوده باشد دست‌کم حاکی از حضور پرشور و مشارکت بالای مردم بوده است در حالی که فضای ترسیم‌شده توسط خانم فائزه هاشمی به‌طور خلاصه این است: نمایندگان آقای موسوی و کروبی اکثراً یا راه داده نشده‌اند، یا اخراج شده‌اند و یا در سطح شهر سرگردان هستند، مردم پشت در شعبه‌ها صف کشیده‌اند، در شعبه‌ها را بسته‌اند و عده‌ای مشغول نوشتن رأی به نفع آقای احمدی‌نژاد و سندسازی هستند!!

سخن‌گوی شورای نگهبان درخصوص شایعاتی که در مورد میزان چاپ تعرفه‌های رأی، مطرح شده است گفت:

«مجموع تعرفه‌هایی که برای این دوره از انتخابات چاپ شده بود، حدود ۶۰ میلیون برگه بود که شورای نگهبان در روزهای گذشته، برای اطمینان بیش‌تر، سه نفر از کارشناسان و بازرسان خود را به وزارت کشور فرستاد و آن‌ها قراردادهای مربوط به چاپ، تعداد تعرفه‌هایی که در انبارها باقی مانده، تعداد تعرفه‌هایی که مصرف شده و تعداد تعرفه‌هایی که در صندوق‌ها است را با آمار و ارقام و اسناد کافی جمع‌آوری کردند و گزارش آن را به اعضای شورای محترم نگهبان ارائه کردند و خوش‌بختانه هیچ‌گونه مشکلی در این زمینه نبوده و این گزارش قابل ارائه است... روند رأی‌گیری، تنها در دو منطقه، آن هم به دلیل استقبال گسترده مردم، با تأخیر ۲۰ دقیقه و ۴۰ دقیقه‌ای مواجه شد. غیر از این موارد هیچ‌گونه گزارشی مبنی بر این که برگه تعرفه رأی در حوزه‌ای وجود نداشته باشد به ما واصل نشده است.» [۵۶]

در گزارش تفصیلی شورای نگهبان پیرامون دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری آمده است:

«آقای میرحسین موسوی ۴۵۶۹۲ نفر به‌عنوان نماینده به وزارت کشور و فرمان‌داری‌ها معرفی نموده است که برای ۴۰۶۷۶ نفر کارت صادر شده و علت کسری صدور کارت برای نمایندگان آقای موسوی کامل نبودن مدارک ارائه شده بوده است.» [۶]

رئیس ستاد انتخابات کشور در پاسخ به سؤالی درباره عدم صدور کارت از سوی فرمان‌داری‌ها برای نمایندگان نام‌زدها اظهار داشت:

«آقای میرحسین موسوی در بیش از ۹۲ درصد از شعب، محمود احمدی‌نژاد در ۸۶ درصد شعب، مهدی کروبی در ۱۹ درصد از شعب و محسن رضایی در ۱۱ درصد شعب نماینده داشتند و با توجه به این که بیش از ۹۲ هزار کارت برای نمایندگان کاندیدا در سراسر کشور صادر شده بود، تقریباً در هر یک از شعب به طور متوسط بیش از ۲ نماینده حضور داشتند. ما در این دوره از انتخابات بنا را بر این قرار دادیم که کارت نمایندگان کاندیداها به صورت متمرکز از تهران صادر شود و بر این اساس از هر یک از کاندیداها خواستیم تا در نرم‌افزار ویژه‌ای که برای این دوره طراحی شده اسامی نمایندگان خود را از تاریخ ۲ خرداد تا ۱۵ خرداد ماه وارد کنند. اما شاهد آن بودیم که برخی کاندیداها در روز ۱۴ یا ۱۵ خرداد ماه به ما اطلاع دادند که این امکان برای آن‌ها وجود ندارد که وزارت کشور نیز به منظور تعامل بیش‌تر با هر یک از کاندیداها و ستادهای انتخاباتی آن‌ها بنا را بر این قرار داد که فرمان‌داران در سراسر کشور کارت نمایندگان کاندیداها را صادر کنند و در این شرایط نیز مدارکی که از سوی برخی ستادها به فرمان‌داری‌ها ارسال می‌شد ناقص بود و هم‌چنان فرمان‌داری‌ها در راستای تعامل تا یک روز قبل از انتخابات نیز اقدام به صدور کارت کردند تا مشکل و شبهه‌ای در این زمینه وجود نداشته باشد و مجموعه ستاد انتخابات کشور متهم به کارشکنی در این موضوع نشود و کاندیدای معترض در این دوره از انتخابات در سراسر کشور بیش از ۴۰ هزار و ۶۰۰ نماینده بر سر صندوق‌ها داشتند که این تعداد تقریباً در هیچ دوره‌ای سابقه نداشت.» [۵۷]

این اعداد و ارقام از طرف آقای موسوی و کمیته صیانت از آراء هیچ‌گاه تکذیب نشد. با وجود داشتن نماینده در ۹۰ درصد صندوق‌ها کدام را باید باور کنیم: درصد کمی از نمایندگان آقای موسوی به دلیل مشکلات قانونی نتوانسته‌اند سر صندوق‌ها حاضر شوند یا این که برنامه‌ای برای کودتا در کار بوده و در اجرای آن تنها جلوی حضور تعدادی از نمایندگان آقای موسوی را گرفته‌اند ولی اجازه حضور اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها را داده‌اند!

این مطالب را در کنار این حقایق بگذارید که آقای موسوی و کمیته صیانت از آراء در این مورد اکثراً از عباراتی کلی استفاده کرده‌اند و از پیش‌نهاد مراجع قانونی که حاضر شده بودند در هر مورد دلیل آن را ذکر کنند استقبال نکردند؛ در قسمت «اخلال و کارشکنی در زمینه حضور نمایندگان نام‌زدها در شعب اخذ رأی» از جزوه «گزارش تفصیلی کمیته صیانت از آراء مهندس میرحسین موسوی» از چنین عباراتی استفاده شده است:

«عدم صدور کارت برای صدها نفر از افراد معرفی شده به بهانه نقص مدارک... کارت‌های صادره در موارد متعددی به صورتی بوده که... در موارد زیادی نام افراد اشتباه قید شده... در موارد زیادی شماره صندوق‌هایی که... در موارد متعددی کارت‌های ناظرین معرفی شده... اقدام فوق موجب شد که مثلاً در تهران نمایندگان ستاد آقای مهندس موسوی در حدود ۵۰ درصد از شعب نتوانند حضور یابند و بسیاری دیگر نیز... از بین ناظرین حاضر شده در شعب اخذ رأی نیز در موارد متعددی...» [۸]

می‌بینید که تنها در دو مورد کلی‌گویی نشده است: «صدها مورد» و «۵۰ درصد در تهران». صدها مورد در مقابل چهل هزار عددی کوچک است و با داشتن حتی کم‌تر از ۵۰ درصد نماینده در تهران می‌توان برای اثبات تقلب شواهد مستندی را با ذکر شماره صندوق اعلام کرد که چنین شواهدی هیچ‌گاه اعلام نشد!

در نهایت این سؤال برای من مطرح است که خانم فائزه هاشمی به استناد چه دلایل و مدارکی به چنین نتایجی رسیده‌اند.

دکتر شیرزاد در نوشته‌ای با عنوان «دروغ بزرگ تاریخ» چنین می‌گوید:

«در ۲۴ ساعت گذشته رخدادهایی به وقوع پیوست که به اندازه دو سال افشاگری و سخن‌رانی‌های آگاهی‌دهنده و هزاران صفحه مطلب تحلیلی در جامعه نقش روشن‌گرانه [داشته] است. دی‌روز، شنبه ۲۳ خرداد اعلام کردند حدود ۸۵ درصد مردم



ایران در انتخابات ۲۲ خردادماه شرکت کرده‌اند. این خبر قریب به صحت است. اما در کنار آن دروغ بزرگ تاریخ ایران اعلام شد که بر مبنای آن ۶۴ درصد از این تعداد به احمدی‌نژاد رأی داده‌اند. این دو عدد را در هم ضرب کنید ببینید چه می‌شود: $0.85 \times 0.64 = 0.544$. معنای این محاسبه کوتاه آن است که به طور خالص ۵۴.۴ درصد از کل مردم ایران طرفدار احمدی‌نژاد هستند. یعنی از هر ۲ نفر آدمی که در کوچه و بازار و خیابان و شهر و روستا می‌بینید ۱۱ نفر آن‌ها علاقه‌مند و سینه‌چاک او هستند! در جواب باید به قول معروف گفت: زکی! از خوانندگان

عزیز به خاطر کاربرد این کلمه عذر می‌خواهم. اما گاهی هیچ چیز رساتر از یک کلمه کوتاه عامیانه نمی‌تواند جای استدلال‌های معضل را بگیرد. انصافاً بر این ادعا که نزدیک ده میلیون نفر از کسانی که در دوره‌های گذشته رأی نمی‌دادند در این دوره محض گل روی آقای احمدی‌نژاد در انتخابات رأی داده‌اند، پاسخی ندارد جز همان کلمه عامیانه...! اگر کمی تخفیف می‌دادند شاید کسانی باور می‌کردند که احتمالاً احمدی‌نژاد طرف‌دارانی در بدنه جامعه دارد. اگر هیچ دلیل دیگری بر دروغین بودن نتیجه ادعایی انتخابات ۲۲ خرداد نباشد، همین بزرگی و اغراق‌آمیز بودن نتیجه، بر کذب آن گواه است.» [۵۹]

اولاً مشخص نیست ایشان چه‌گونه از نتایج اعلام‌شده نتیجه گرفته‌اند که «ده میلیون نفر از کسانی که در دوره‌های گذشته رأی نمی‌دادند در این دوره محض گل روی آقای احمدی‌نژاد در انتخابات رأی داده‌اند»؟ شاید فرض کرده‌اند تمام کسانی که چهار سال پیش به طرف مقابل آقای احمدی‌نژاد رأی داده‌اند در این دوره نیز به آقای احمدی‌نژاد رأی نداده‌اند که این البته فرضی بی‌دلیل است. ثانیاً از دکتر شیرزاد که «کیلویی حرف زدن» را بیماری جامعه ما می‌دانند انتظار می‌رود که توضیح بدهند با چه آمارگیری یا محاسبه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که آقای احمدی‌نژاد کم‌تر از ۵۴.۴ درصد طرفدار دارند؟

دکتر شیرزاد جایی دیگر می‌گوید:

«اگر در هر کشور دموکراتیک دنیا رئیس‌جمهور منتخبی توانسته باشد در یک انتخابات ۸۵ درصدی ۶۳ درصد آراء را کسب کرده باشد، یعنی حدود ۵۴ درصد آراء خالص مردم را به دنبال خود داشته باشد، از آن‌چنان محبوبیتی برخوردار خواهد بود که هر شخصیت سیاسی در جهان حسرت آن را می‌خورد. چنین شرایطی در صورتی رخ خواهد داد که فرد منتخب با یک گفت‌وگو کاملاً مقبول و گیرا و با عمل‌کردی قاطع و در راستای منافع عموم طبقات مردم و یا لاقلاً بخش‌های اجتماعی عمده کشور، توانسته باشد به چنین محبوبیت فراگیری دست یابد. در چنین صورتی چرا چنین فردی نتواند در به میدان کشیدن فوج عظیم طرف‌دارانش در خیابان‌ها توفیق داشته باشد؟» [۶۰]

اولاً طبق نتایج رسمی اکثریت در شهر تهران به آقای موسوی رأی دادند. ثانیاً آیا ایشان انتظار دارند که نتیجه انتخابات با یک رودررویی خیابانی اثبات شود؟ طرف‌داران هیجان‌زده نام‌زدها در خیابان باید چه کنند؟ هم‌دیگر را بشمرند، بزنند یا بکشند؟! بعید می‌دانم که دکتر شیرزاد در حالتی عادی این پیش‌نهاد را محکوم نکنند و رأی به غیرعقلانی بودنش ندهند. ولی اگر ایشان به این نتیجه برسند که تقلبی در کار نبوده آیا هم‌چنان بر روی حرف خود خواهند بود که «آقای احمدی‌نژاد با گفتمانی مقبول و گیرا و با عمل‌کردی قاطع و در راستای بخش‌های اجتماعی عمده کشور توانسته به محبوبیتی کم‌نظیر دست پیدا کند؟»

در این عدد ۵۴ درصد نکته دیگری نیز نهفته است. اگر تمام ۱۵ درصدی که در این دوره انتخابات شرکت نکردند، شرکت می‌کردند و به کسانی غیر از آقای احمدی‌نژاد رأی می‌دادند ایشان باز هم در دور اول برنده انتخابات بود؛ در این سال‌ها در هر انتخاباتی که جریان اصلاح‌طلب به موفقیت نمی‌رسید قسمتی از گناه را به گردن کسانی می‌انداختند که انتخابات را تحریم کرده بودند ولی این بار چنین توجیهی دیگر وجود ندارد و در دور بعد اصلاح‌طلبان دیگر نمی‌توانند بگویند «مشارکت بالا موجب پیروزی ما خواهد شد.»

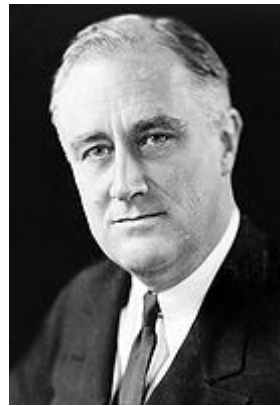
یک تجربه تاریخی: انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، سال ۱۹۳۶ میلادی

شاید برایتان جالب باشد که هفتاد و چهار سال پیش در آمریکا انتخاباتی رخ داد که از جهاتی بسیار شبیه انتخابات اخیر ایران بود. در دائره‌المعارف اینترنتی انگلیسی‌زبان ویکی‌پدیا در مورد انتخابات آن سال آمده است:

«انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده سال ۱۹۳۶، نامتعادل‌ترین انتخابات ریاست جمهوری از نظر رأی‌های الکترال^{۳۸} در تاریخ ایالات متحده به شمار می‌آید. انتخابات در حالی برگزار شد که رکود بزرگ اقتصادی وارد هشتمین سال خود شد. رئیس‌جمهور فرانکلین روزولت^{۳۹} هنوز داشت سعی می‌کرد تا مواد برنامه اقتصادی جدید خود را در کنگره تصویب کند. با این وجود، اثبات شده بود که برنامه‌های جدیدی که او به اجرا گذاشته، مانند امنیت اجتماعی و بیمه بی‌کاری، نزد اکثر آمریکایی‌ها از محبوبیت زیادی برخوردار است. رقیب جمهوری‌خواه روزولت، آلف لندون^{۴۰}، یک سیاستمدار میانه‌رو بود. اگر چه برخی نخبگان سیاسی رقابت نزدیکی را پیش‌بینی کردند، اما روزولت موفق شد بزرگ‌ترین دست‌آورد انتخاباتی از آغاز سیستم دو حزبی در سال ۱۸۵۰ را از آن خود کند. او همه آراء الکترال به جز ۸ تا را از آن خود کرد و در همه ایالت‌ها غیر از مین^{۴۱} و ورمونت^{۴۲} برنده شد. به علاوه روزولت برنده ۶۰.۸ درصد آراء ملی شد. لاندون آن‌چنان نتیجه بدی در انتخابات داشت که حتی در ایالت خود یعنی کانزاس^{۴۳} نیز برنده نشد.» [۶۱] و [۶۲]



آلف لندون



فرانکلین دی. روزولت

البته در انتخابات اخیر ایران نیز برخی نامزدها در شهر یا استان خود اول نشدند ولی گروهی از نخبگان سیاسی و دانش‌گامیان آن را نه به عنوان رخدادی قابل توجه که به عنوان دلیلی برای اثبات تقلب مطرح کردند! از همه جالب‌تر مطالبی است که در این مورد در کتاب «آمار مقدماتی» نوشته تامس اچ. ووناکت^{۴۴} و رانلد جی. ووناکت^{۴۵} آمده است:

«برخی درس‌های جالب را می‌توان از اشتباه‌های گذشته آموخت. برای مثال زمانی که روش‌های نظرسنجی در مرحله‌های اولیه خود بود، در سال ۱۹۳۶ دبیران مجله لیتراری دایجست^{۴۶} (گزیده‌های ادبی) سعی کردند که نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده را پیش‌گویی کنند. اما آن‌ها از نمونه‌ای از رأی‌دهندگان استفاده کردند که از فهرست‌هایی مانند راه‌نماهای تلفن و عضویت باش‌گاه‌ها انتخاب شده بودند، فهرست‌هایی که به نسبت خیلی بیش‌تر از جامعه رأی‌دهندگان

^{۳۸} Electoral

^{۳۹} Franklin D. Roosevelt

^{۴۰} Alf Landon

^{۴۱} Maine

^{۴۲} Vermont

^{۴۳} Kansas

^{۴۴} Thomas H. Wonnacott

^{۴۵} Ronald J. Wonnacott

^{۴۶} Literary Digest

کشور جمهوری خواه داشتند. حتی بدتر از آن، تنها یک چهارم اعضای نمونه به پرسشنامه آنان جواب دادند و چنان که بعد معلوم شد، بیش تر آن ها در مقایسه با کسانی که پاسخ نداده بودند متمایل به جمهوری خواهها بودند. روی هم رفته، این نمونه به قدری اریب (یعنی متمایل به یک سو، و نماینده غیرمنصف جامعه) بود که به پیش گویی گم راه کننده ای مبنی بر پیروزی یک جمهوری خواه انجامید. روز انتخابات شگفتی آزاردهنده ای مشخص شد: کم تر از ۴۰ درصد به جمهوری خواهان رأی دادند و رئیس جمهور دمکرات وقت، روزولت، با اکثریت زیاد دوباره انتخاب شد. نامزد جمهوری خواه، آلف لندون، را که آن روز صبح با این انتظار بیدار شد که رئیس جمهور بشود، اکنون تنها چند تن از مورخان به یاد می آورند.» [۶۳]

استفاده از راهنامه های تلفنی در آن روزها احتمالاً مانند نظرسنجی های اینترنتی در زمان ما بوده است. در همین مورد، یعنی نظرسنجی های انجام شده در سال ۱۹۳۶، در دائره المعارف ویکی پدیا آمده است:

«در همان سال یک مجری امور تبلیغاتی، جرج گالوپ^{۴۷}، که یک رأی گیری علمی را آغاز کرده بود، پیش گویی کرد که روزولت انتخابات را خواهد برد. او هم چنین به اشتباه بودن روش لیترا ری دایجست اشاره کرد. پیش گویی های درست او موجب شد تا نظرسنجی عمومی به عنصری مهم از انتخابات برای روزنامه نگاران و به ویژه سیاستمداران تبدیل شود. نظرسنجی گالوپ به جزء اساسی انتخابات آینده تبدیل شد و تا امروز به عنوان برجسته ترین مؤسسه نظرسنجی باقی مانده است.» [۶۱]

خوش بختانه امروزه آماردانان کشور ما از روش های درست و نادرست آمارگیری مطلع هستند ولی با این وجود لازم است آگاهی جامعه غیرمتخصصین در علم آمار، که متأسفانه شامل اکثر سیاستمداران و دانش گاهیان هم می شود، افزایش پیدا کند. البته من نمی دانم که آیا تقلبی دانستن انتخابات اخیر بر مبنای نظرسنجی های غیرعلمی بوده است و یا تنها حدس و گمان های بی دلیل منشاء آن بوده است ولی اگر شق اول رخ داده شایسته است ما نیز مانند امریکایی ها آن چه رخ داد را در راستای ارتقای نگاه علمی به مسائل جامعه به یک فرصت تبدیل کنیم.

مصاحبه حسنین هیکل با الجزیره: «شما در برابر یک نقشه قرار دارید!»

جریانات پیش آمده و انبوه شبهه هایی که در مورد انتخابات با سرعت تولید شد برای من بسیار عجیب بود و تصور نمی کنم یک واکنش طبیعی در بین مردم به دلیل شک به نتیجه انتخابات بوده باشد. در این مورد مصاحبه محمدحسنین هیکل^{۴۸} با شبکه تلویزیونی الجزیره حاوی نکات جالبی است:

«ما سال ۲۰۰۶ را فراموش می کنیم که چه رخ داد. فراموش می کنیم که کنگره یک اعتبار مالی به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار به رئیس جمهور آمریکا می دهد، و این اعتبار با رقمی کم تر در سال های بعد هم تخصیص یافت، تا در ایران بی ثباتی ایجاد شود.



شما در برابر یک نقشه قرار دارید... می خواهید من چه بگویم؟ بگویم که این توطئه نیست؟ کشوری می خواهد یک نظام را ساقط کند. با همه ابزارها علیه وی می جنگند. بنده در این جا روزی که او با ما انتخاب شد با استاد کریشان صحبت می کردم. گفتم به احتمال زیاد حمله ای صورت نخواهد گرفت ولی تلاش برای تغییر نظام ایران وجود دارد. چون آمریکا می خواهد از شر نظامی که با وی مخالف است رها شود... بیایید یک مسأله بسیار عجیب را با هم بررسی کنیم. آن پدیده «تویتر»^{۴۹} است. تویتر یک شرکت اینترنتی جدید است که مانند گوگل ابزار ارتباطات ایجاد می کند. خیلی عجیب بود. عملیات زیر سؤال بردن نتیجه انتخابات

^{۴۷} George Gallup

^{۴۹} twitter

^{۴۸} مورخ، روزنامه نگار و تحلیل گر به نام مصری

حتی قبل از این که نتایج اعلام شود، شروع شد. به بنده بگویند که تابلوهایی که یک دفعه به زبان انگلیسی در تهران پیدا شد، علیه چه کسانی بود؟ می‌دانم که گروه‌هایی از مردم ایران ناراضی هستند و می‌دانم که جوانان زیادی در ایران وجود دارند که مجذوب عصر مدرن و ابزارهایش هستند و هیچ اطلاعی از تاریخ ندارند و با تاریخ اصلاً کاری ندارند. الگوی آمریکایی شاید برای آن‌ها جذاب باشد، ولی آن چه رخ داد این بود که از همه این ابزارها سوءاستفاده شد. این بسیار توجه‌برانگیز است که چند روز قبل از انتخابات در سایت تویتر ده‌ها هزار صفحه به وجود آمد و در روز رأی‌گیری فعال شد. در روز انتخابات هجده هزار سایت تویتر فعال شد. تویتر یک ابزار تماس است ولی با ابزارهای دیگر متفاوت است. ابزار تویتر، ای‌میل نیست، پیامی نیست که از طرف شخصی به شخصی ارسال می‌شود. بلکه یک پیام باز است و هر کس که بخواهد آن را دریافت می‌کند. یک پیام کوتاه است. جوانان خیلی وقت است که این شیوه را به کار می‌برند و محدودیت آن این است که نمی‌توانید بیش از تقریباً ۱۰۰ کلمه برای کسی پیام بفرستید. مشکل آن این است که نمی‌توانید فرستنده پیام را شناسایی کنید. من می‌گویم اکثرشان از طرف اسرائیل است ولی نمی‌توانید بدانید از طرف چه کسی است: «به راه‌پیمایی بروید»، «ما الان در یک راه‌پیمایی هستیم»، «صد نفر کشته شده‌اند». شما در برابر یک وضعیت سوءاستفاده از فضای اینترنت هستید. از موضع‌گیری‌ها سوءاستفاده و آتشی شعله‌ور می‌شود.» [۶۴] و [۶۵]

بعید نیست که ما باز هم با موقعیت‌هایی مانند آن چه پس از انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری رخ داد مواجه شویم. ممکن است ادعای بعدی که پیش روی ما گذاشته می‌شود حقیقت داشته باشد و یا مطلبی خلاف واقع باشد که ظاهر علمی به خود گرفته است. در چنین مواردی اگر متخصص هستید تا ادعا برایتان ثابت نشده است آن را نپذیرید و اگر متخصص نیستید تنها در صورتی ادعا را بپذیرید و به دیگران منتقل کنید که یک متخصص مورد اعتماد آن را تأیید کرده باشد.

تشکر

از همه کسانی که در نوشتن این مقاله مرا یاری کردند ممنونم؛ پیش از همه و بیش از همه از هم‌سرم تشکر می‌کنم که در موارد بسیاری در نوشتن این مقاله به من کمک کرد. از دوستانم دکتر کسری علیشاهی که قسمت مربوط به بیان «قانون بنفورد» نوشته ایشان است تشکر می‌کنم. از دوستانم احمد احیایی و هادی محضرنیا که برخی از داده‌ها و مطالب سایت‌ها با کمک ایشان جمع‌آوری شد ممنونم. از دکتر محمدرضا رزوان و آقایان سیدمصطفی سیادت‌موسوی، میرامید حاجی‌میرصادقی، سالار مصداقی‌نیا، عماد نصرا...پور و همه دوستانی که برای خواندن نسخه‌های اولیه این مقاله وقت صرف کردند و نکاتی را به من تذکر دادند نیز تشکر می‌کنم.

تهران، جمعه، ۲۰ فروردین ۱۳۸۹

۱. در بیانیه مهمی اعلام شد؛ موسوی: اکثریت با من است، ملت آماده جشن باشد مسئولان دقت کنند
<http://www.aftabnews.ir/vdca0ino.49nwo15kk4.html>
۲. در پیامی مهم خطاب به ملت ایران اعلام شد؛ موسوی: تسلیم این صحنه آرایی خطرناک نخواهم شد
<http://www.aftabnews.ir/vdcd550n.yt0zf6a22y.html>
۳. Walter R. Mebane, Jr., "Note on the presidential election in Iran, 29 June 2009".
<http://www-personal.umich.edu/~wmebane/note29jun2009.pdf>
۴. Walter R. Mebane, Jr., "Note on the presidential election in Iran, 23 June 2009".
<http://www-personal.umich.edu/~wmebane/note23jun2009.pdf>
۵. گزارش کدخدایی از بازشماری آراء و رسیدگی به شکایت کاندیداها
<http://alef.ir//1388/content/view/48352>
۶. گزارش تفصیلی شورای نگهبان پیرامون دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری
<http://www.shora-gc.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&CategoryID=4d425fd9-748e-4826-8378-24118396b087&LayoutID=d87e74e2-bb58-412e-9af1-ac48f0efd470&ID=4086d4f9-0a6d-4f02-a597-2bdced99f99e>
۷. احتمال تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۸۸)
http://fa.wikipedia.org/wiki/احتمال_تقلب_در_انتخابات_ریاست_جمهوری_ایران_۱۳۸۸
۸. گزارش تفصیلی کمیته صیانت از آراء مهندس میرحسین موسوی
۹. نظرسنجی مؤسسه آمریکایی «فردای بدون ترور»
http://www.terrorfreetomorrow.org/upimagestft/TFT_Iran_Survey_Report_0609.pdf
۱۰. Ken Ballen and Patrick Doherty, "The Iranian People Speak", Washingtonpost, Monday, June 15, 2009.
<http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2009/06/14/AR2009061401757.html>
۱۱. کیان ایرانی، «بررسی تحلیلی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ ایران و احتمال تقلب در آن»
۱۲. http://en.wikipedia.org/wiki/Benfords_law
۱۳. <http://mathworld.wolfram.com/BenfordsLaw.html>
۱۴. Roukema, Boudewijn F., "Benford's Law anomalies in the 2009", submitted to the Annals of Applied Statistics.
http://arxiv.org/PS_cache/arxiv/pdf/0906/0906.2789v1.pdf
۱۵. <http://www.rezaee.ir/vdch.in6t23nmzftd2.html>
۱۶. پاسخ مشروح وزارت کشور به نامه موسوی
<http://alef.ir/1388/content/view/48168/>
۱۷. شکایت نامه مهدی کروی به شورای نگهبان / احمدی نژاد صلاحیت ندارد
<http://www.karroubi.ir/manifests/520-2009-06-16-06-35-34.html>
۱۸. Ellenberg, Jordan, "Guilt by Calculation", June 17 2009, Retrieved on 2009-08-03.
<http://www.slate.com/id/2220608>
۱۹. توجه به اقشار ضعیف با اقتصاد صدقه‌ای اشتباه گرفته می شود
<http://www.mardomsalari.com/Template1/News.aspx?NID=50763>
۲۰. انتقاد صریح موسوی از روحانیت دولتی، اقتصاد صدقه‌ای و توقیف مطبوعات
<http://www.aftabnews.ir/vdcdzs0j.yt0kj6a22y.html>
۲۱. رأی حداقل ۹۰۰ هزار ایرانی با کدملی به رضایی
<http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=52164>
۲۲. پاسخ رئیس ستاد انتخابات کشور به شبهه‌های اخیر؛ رأی گیری تا آخرین فرد و به هر میزان تعرفه مورد نیاز ادامه داشت
<http://www1.farsnews.com/newstext.php?nn=8803310003>

۲۳. بیش‌انگاری تعداد شرکت‌کنندگان در تجمعات

http://shirzad.ir/2007/06/post_87.html

۲۴. یک روز- یک تاریخ

http://shirzad.ir/2009/06/post_144.html

۲۵. قالیباف: حداقل سه میلیون نفر در تجمع حامیان میرحسین در میدان آزادی

<http://www.entekhabnews.com/portal/index.php?news=6467>

۲۶. تکذیب برآورد قالیباف از تعداد راه‌پیمایان آزادی

<http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8803300183>

۲۷. <http://mm.blogtak.com/post-37631.html>

۲۸. <http://khordad-sabz.mihanblog.com/post/8>

۲۹. دیدار با جمعی از دانش‌جویان دانش‌گاه‌های تهران

<http://www.khatami.ir/fa/news/936.html>

۳۰. تظاهرات صدها هزار نفری در تهران

<http://www.dw-world.de/dw/article/0,,4329544,00.html>

۳۱. فایل تصویری گفت‌وگوی محسن سازگارا در تلویزیون VOA

۳۲. موسوی لاری: میرحسین با ۷۰ درصد آراء رئیس‌جمهور می‌شود

<http://www.aftabnews.ir/vdcbs0bw.rhb9apiuur.html>

۳۳. با جهش غیرمنتظره یکی از کاندیداها: انتخابات دو مرحله‌ای نمی‌شود

<http://www.aftabnews.ir/vdcawina.49noa15kk4.html>

۳۴. موسوی: احتمالاً تکلیف انتخابات در مرحله اول روشن می‌شود

<http://www.aftabnews.ir/vdch-qn6.23nw6dftt2.html>

۳۵. رشد آراء موسوی به حداقل ۵۴ درصد و ریزش آراء احمدی‌نژاد

<http://www.aftabnews.ir/vdcfc0d1.w6dxeagiiw.html>

۳۶. ۲۴ خرداد، نماز شکر پیروزی موسوی

<http://www.aftabnews.ir/vdcdox0n.yt0zn6a22y.html>

۳۷. در همایش انتخاباتی حزب اعتدال و توسعه مطرح شد؛ هشدار زهرا رهنورد به وزارت کشور درباره احتمال هرگونه تقلب در انتخابات

<http://www.aftabnews.ir/vdcjtxeh.uqeyxzsfu.html>

۳۸. جزئیات آخرین نظرسنجی به تفکیک استانی: موسوی برنده قاطع در مرحله اول

<http://www.aftabnews.ir/vdciu5a3.t1auq2bcct.html>

۳۹. نتایج آخرین نظرسنجی کشوری؛ پیروزی قطعی میرحسین موسوی

<http://www.aftabnews.ir/vdcb5sb9.rhbg0piuur.html>

۴۰. موسوی خطاب به ملت: به برگزارکنندگان انتخابات حسن ظن داشته باشید

<http://www.aftabnews.ir/vdcayino.49nwu15kk4.html>

۴۱. در صورت رأی نیاوردن موسوی؛ دعوت هم‌سر هاشمی به اغتشاش!

<http://saharnews.ir/view-4882.html>

۴۲. فایل تصویری گفت‌وگوی خانم عفت مرعشی پس از انداختن رأی در صندوق

۴۳. به همه قول دادم که از آراء مردم صیانت کنم. موسوی: تا انتهای رأی‌گیری همه بیداریم

<http://www.aftabnews.ir/vdcc0eqo.2bqx08laa2.html>

۴۴. پس از حضور در پای صندوق رأی اعلام شد؛ خاتمی: همه شواهد حاکی از پیروزی موسوی است

<http://www.aftabnews.ir/vdcc1eqo.2bqx8laa2.html>

۴۵. فایل تصویری گفت‌وگوی تلویزیونی شبکه العربیه با آقای شریعتی

۴۶. موسوی خود را پیروز قاطع انتخابات اعلام کرد

<http://www.aftabnews.ir/vdcjmmeh.uqeyhzsffu.html>

۴۷. بیانیه مهم میرحسین موسوی: ملت شریف ایران آماده جشن پیروزی شوند

<http://mirhosain.com/?p=287>

۴۸. <http://www.ghalamnews.ir/news.aspx?id=21099>

۴۹. www.makmalbaf.com/news.php?lang=2&n=63

۵۰. محسن مخملباف در مصاحبه با روز: یکصدا فریاد بزنییم کودتا شد

<http://news.gooya.com/politics/archives/2009/06/089205.php>

۵۱. با انتشار اولین بیانیه عنوان شد؛ کروی: نتایج اعلام شده مضحک است

<http://www.aftabnews.ir/vdcf1ed1.w6dxyaggiw.html>

۵۲. دلایل همسر موسوی برای تقلب

<http://alef.ir//1388/content/view/47604>

۵۳. مگر می شود «داماد لرستان» رأی نیاورد!؟

<http://www.rahmag.ir/content.php?id=17>

۵۴. سخنان فائزه هاشمی در حاشیه تجمع حامیان موسوی

<http://alef.ir//1388/content/view/47654>

۵۵. فایل صوتی سخنان فائزه هاشمی در حاشیه تجمع حامیان موسوی

http://www.rootshell.ir/downloads/Media/Sound_clip_08.rar

۵۶. پاسخ های کدخدایی به سؤالات مطرح درباره صحت انتخابات

<http://alef.ir//1388/content/view/48369>

۵۷. پاسخ رئیس ستاد انتخابات کشور به شبهات

<http://www.dolat.ir/NSite/FullStory/?id=178359>

۵۸. گزارش تفصیلی کمیته صیانت از آراء مهندس میرحسین موسوی

۵۹. دروغ بزرگ تاریخ

http://shirzad.ir/2009/06/post_143.html

۶۰. خاموشی موقت احمدی نژاد

http://www.shirzad.ir/2009/06/post_148.html

۶۱. "United States presidential election, 1936" - Wikipedia, the free encyclopedia.

http://en.wikipedia.org/wiki/United_States_presidential_election,_1936

۶۲. "As Maine goes, so goes the nation" - Wikipedia, the free encyclopedia.

http://en.wikipedia.org/wiki/As_Maine_goes,_so_goes_the_nation

۶۳. تامس اچ. ووناکت و رانلد جی. ووناکت، آمار مقدماتی، ترجمه دکتر محمدرضا مشکانی

۶۴. فایل صوتی مصاحبه حسنین هیکل با شبکه الجزیره

http://www.aljazeera.net/mritems/streams/2009/6/29/1_924446_1_13.wma

۶۵. هیکل: النظام الإيراني لیس مهددا

<http://www.aljazeera.net/NR/exeres/6901812B-D362-4962-AACF-37DE7C64C2A1.htm>